



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

امیرالمؤمنین علی علیه السلام

زبان را در حجاب و پوشش نگاهشان دار زیرا زن گل است نه پیرمان و کارفرما
پیش از آنکه ما را

حجاب

عزت است یا اسارت؟

نروم فراگیری علم و دانش، بررسی وضعیت مثبت و منفی مراکز
تحصیل، آسیب ها و مفاسد اخلاقی پیش روی جوانان در
حوزه های آموزشی

محمد صادق ذبیحی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجاب، عزت است یا اسارت؟

نویسنده:

محمد صادق ذبیحی

ناشر چاپی:

پیام طوس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	حجاب عزت است یا اسارت؟! جلد ۴
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۳	اهداء به:
۱۶	تقدیم به:
۱۷	به جای مقدمه
۲۲	این گزارش را بخوانید:
۲۳	بررسی نکات مثبت و منفی حوزه های تحصیل
۲۴	مسائل مثبت مراکز تحصیل
۲۵	شادی بخش و غم انگیز!
۲۷	هشدار به جوانان عزیز
۳۰	آلبوم موسیقی «مام رضا علیه السلام» و گفتگوی با خدا!
۳۱	حرمت شکنی!
۳۲	چه باید کرد؟!!
۳۴	غرور خانم تحصیل کرده!
۳۶	خانه از پای بست ویران است!
۳۸	هشدار به والدین
۳۹	در این کتاب چه می خوانیم؟!!
۴۳	۱- ضرورت تحصیل علم
۴۳	اشاره
۴۵	تحصیل چه علمی بر همه مسلمانان واجب است؟
۴۸	تحصیل علم همراه با تقوا و معنویت
۵۳	آثار منفی اختلاط در محیط تحصیل

۵۵ آسیب پذیری شخصیتی بافضیلت در مسیر تعلیم
۵۹ ۲-نوجوانان و جوانان در دوران اضطراب و عصیان
۵۹ اشاره
۶۲ خانواده و تربیت فرزند
۶۴ فطرت پاک کودک
۶۷ تربیت صحیح کودک در هفت سال اول زندگی
۷۳ هشدار به پدرها و مادرها
۷۵ آزادی! یا بی رحمانه ترین ظلم!
۷۷ ۳-جایجایی مهد و کودکان با آغوش پرمهر و محبت مادر و کانون گرم خانواده!
۷۷ اشاره
۷۷ اشتباه بزرگ زنان شاغل
۷۸ وضعیت اسف بار مهد کودک و کودکان
۸۰ هیچ احساسی جایگزین عواطف و احساسات مادر نمی گردد!
۸۱ مقایسه آغوش گرم خانواده با زندگی فرزندان در مهد و کودکان
۸۳ مهد و کودکان از نگاه جراید
۸۳ پرخاشگری و لجبازی کودکان مهد
۸۴ کودک و دلهره جدایی از مادر
۸۵ وحشتناک ترین و سخت ترین روز زندگی
۸۷ مادرا! می شه نری سر کار؟!
۸۸ مادر بی عاطفه!
۸۹ مهد و کودکان تهاجمی و دردمس آفرین
۹۰ آموزش رقص و آواز در مهد کودک!
۹۲ کار و اشتغال مادر به چه قیمتی؟!
۹۴ کودک پرورش یافته با رقص، در بزرگی سر از پارتی های مختلط درمی آورد!
۹۵ مادر مسلمان!
۹۷ ۴-کودکان و هفت سال دوم زندگی

- ۹۷ اشاره
- ۹۸ وظیفه سنگین خانه و مدرسه
- ۱۰۰ بلوغ زودرس کودکان و نوجوانان
- ۱۰۲ معیارهای مدرسه و مراکز تحصیل مطلوب
- ۱۰۶ تهاجم بی رحمانه دشمن به نوجوانان
- ۱۱۰ توزیع آرم شیطان پرستی در کلاس اول دبستان!
- ۱۱۱ خبرهایی که لرزه بر اندام می اندازد
- ۱۱۳ توزیع تصاویر مستهجن به وسیله دانش آموز دبستانی
- ۱۱۵ دخترکان معصوم، قربانی راه مدرسه!
- ۱۱۶ کودکان دبستان درامان نیستند!
- ۱۲۱ ۵-نوجوانان و هفت سال سوم زندگی
- ۱۲۱ اشاره
- ۱۲۳ دانش آموزان راهنمایی و اعتیاد
- ۱۲۴ فساد و انحراف نوجوانان در مدارس راهنمایی
- ۱۲۷ دختر، کو ندارد حجابِ مادر!
- ۱۳۰ پس از ورود به دبیرستان، حجاب دخترم خیلی کم شد
- ۱۳۱ طاعون اخلاقی در حریم امام هشتم علیه السلام
- ۱۳۶ جریحه دار شدن قلب نازنین امام هشتم علیه السلام
- ۱۳۹ بازگشت به مطلب
- ۱۳۹ تربیت دینی و اخلاقی دانش آموزان نظام آموزش و پرورش
- ۱۴۱ روابط نامشروع دختران و پسران در دوران تحصیل
- ۱۴۱ آسیب های مسیر مدرسه! پدر و مادرها در خوابند!
- ۱۴۴ آزادی به سبک غرب، بردگی جنسی
- ۱۴۷ خیرهای تلخ خانه تا مدرسه!
- ۱۵۰ تاوان تلخ دوستی های دوران تحصیل
- ۱۵۳ و لیکن افسوس و صد افسوس!

- ۱۵۵ تأکید اسلام بر ازدواج
- ۱۵۷ فاجعه ازدواج های احساسی جوانان
- ۱۵۸ اما افسوس و هزار افسوس!
- ۱۶۰ سرانجام ازدواج احساسی دوران تحصیل!
- ۱۶۳ زندگی گذشته و امروز
- ۱۶۵ زندگی دیروز و امروز
- ۱۶۷ اما زن امروز
- ۱۶۸ ازدواج نکبت بار مجازی
- ۱۷۱ بیماری روانی، نتیجه اختلاط دختر و پسر در محیط تحصیل
- ۱۷۳ تحصیل یا ازدواج
- ۱۷۵ موقع ازدواج
- ۱۷۷ چاره چیست؟
- ۱۷۷ ازدواج های همزمان با تحصیل
- ۱۷۹ موانع تأخیر ازدواج
- ۱۸۴ بلای خانمان سوز چشم و هم چشمی!
- ۱۸۶ فروش کلیه برای تأمین تجملات همسر!
- ۱۹۱ ۶- جوانان در هفت سال چهارم زندگی و پس از آن
- ۱۹۱ اشاره
- ۱۹۲ فضای دانشگاه از نگاه دانشجویان
- ۱۹۷ الگوگیری از راه و روش حضرت فاطمه علیهاالسلام
- ۲۰۲ بازگشت و استغفار
- ۲۰۸ چند نمونه از اثرگذاری ارزنده کتاب حجاب
- ۲۱۲ فهرست مطالب
- ۲۱۹ سایر آثار نویسنده:
- ۲۲۱ درباره مرکز

حجاب عزت است یا اسارت؟! جلد ۴

مشخصات کتاب

حجاب عزت است یا اسارت؟! (۴)

لزوم فراگیری علم و دانش

بررسی وضعیت مثبت و منفی مراکز تحصیل

آسیب ها و مفسد اخلاقی پیش روی جوانان در حوزه های آموزشی و لزوم اصلاح و سالم سازی سازمانهای فرهنگی

سرشناسه: ذبیحی، محمد صادق

عنوان و پدیدآور: حجاب عزت است یا اسارت؟! / تهیه و تدوین محمد صادق ذبیحی.

مشخصات نشر: مشهد، پیام طوس، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۶ جلد

شابک: ۹۷۸ ۹۶۴ ۹۹۲۸ ۷۰ ۸

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد چهارم، ۱۳۹۳.

یادداشت: ویراست قبلی: پیام طوس، (۱۲۰) ۱۳۹۰ ص.

یادداشت: ج ۴ (چاپ دوم: ۱۳۹۳).

یادداشت: ج ۶ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیفا).

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: حجاب

: (Hijab (Islamic clothing

موضوع: حجاب احادیث

Hijab (Islamic clothing) -- Hadiths

موضوع: حجاب جنبه های قرآنی

Hijab (Islamic clothing) -- Qur'anic teaching

موضوع: محرم و نامحرم

*Mahram and namahram

رده بندی کنگره: ی ۳ ۱۳۹۰ ح ۲۳ / ذ ۱۷ / ۲۳۰ / BP

رده دیویی: ۲۹۷/۶۳۶

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۰۹۵۵۹

ص: ۱

اشاره

سرشناسه: ذبیحی، محمد صادق

عنوان و پدیدآوران: حجاب عزت است یا اسارت / ج ۴

مشخصات نشر: مشهد: پیام طوس؛ ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.

بها: ۲۶۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۲۸-۴۳-۲

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

موضوع: حجاب

رده بندی کنگره: BP/۲۳۰/۱۷

رده دیویی: ۶۳۶/۲۹۷

نام کتاب: حجاب عزت است یا اسارت؟! (۴)

مؤلف: محمد صادق ذبیحی

ناشر: انتشارات پیام طوس

تیراژ: ۱۰/۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول _ ۱۳۹۳

حروفچین و صفحه آرا: علاقه مند (آویژه)

چاپ: چاپخانه بزرگ قرآن کریم

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۲۸-۴۳-۲

مرکز پخش: خیابان آیه الله بهجت _ بین چهارراه زرینه و راه آهن _ پلاک ۱۳۳

انتشارات پیام طوس _ تلفن ۲۲۲۳۸۸۸

قیمت ۲۶۰۰ تومان

اجر و ثوابی که از انتشار این مجموعه عاید می شود

به محضر مقدس آقا و مولایم امام زمان علیه السلام اهدا می گردد.

پاداش ارزنده آن عزیز را به روان پاک پدر بزرگوارم و مادر فقیده ام تقدیم می دارم.

ص: ۲

اهداء به:

ساحتِ قدسِ مولايِ عزيز و مهربان امام زمان ارواحنا فداه كه با قلبی سوخته نگرانِ ابتلاء و گرفتاری هایِ دوستان و شیعیان بوده و دلسوزانه برای نجات آنان از انحراف و فتنه ها دعا می فرماید...

امام صادق علیه السلام:

امام زمان علیه السلام، گرفتاری شیعیان را پس از سختی شدید و بلائی طولانی و ترس و جزع، گشایش می بخشد. (۱)

ص: ۳

امیرالمؤمنین علیه السلام:

قلب و روح نونهالان همچون زمینِ خالی از گیاه است، هر بذری در آن افشانده شود می پذیرد.^(۱)

امام صادق علیه السلام:

احکام و آموزه های دین را به فرزندان خود هر چه زودتر بیاموزید، قبل از آنکه دشمنان بر شما سبقت گیرند و دل های فرزندان شما را با سخنانِ نادرستِ خویش اشغال نموده (روح لطیف آنان را به خود جذب نمایند).^(۲)

امام صادق علیه السلام:

بر تو باد به جوانان (آنها را دریاب) چرا که آنها به قبولِ هر کارِ نیکی، سریعتر از دیگران هستند.^(۳)

ص: ۵

۱- بحار الأنوار: ۱/۲۲۳.

۲- اصول کافی: ۶/۴۷.

۳- وسائل الشیعه: ۱۱/۴۴۷.

به مربیان، مدیران، معلمان و آموزگاران باایمان و متعهدی که از تهاجم پیچیده و سنگین فرهنگی دشمن به قلب و فکر نوجوانان و جوانان در حوزه های تحصیل، دغدغه و اضطراب دارند و در جهت آموزش و تربیت صحیح و ارتقاء بنیه های دینی، اخلاقی و پیشرفت فکری و علمی عزیزانمان، دلسوزانه تلاش می نمایند.

و با احترام ویژه به دانشجویان و دانش آموزان نخبه و متعهدی که با فعالیت های مستمر و دلسوزانه خود در جهت روشنگری و آگاهی نسل جوان به طور شایسته تلاش و فعالیت دارند.

حدود دو قرن قبل که رفت و آمد غربیان به شرق آغاز گردید، به تدریج سیاست‌ها و آداب و رسوم فرهنگی‌ها در میان مسلمانان از جمله مردم کشور عزیزمان تأثیرگذار شد.

اما به دلیل ریشه دار بودن سنت‌های دینی و فرهنگ و اعتقادات ایرانیان، تغییر قابل توجهی در عمل به چشم نمی‌خورد.

از این رو، دشمن در فکر راه کارهای مناسب و مؤثر برای نفوذ در اعتقادات مسلمانان و تغییر سنت‌های دینی مردم ایران و تسلط بر کشور عزیز اسلامیمان افتاد.

به همین منظور با تبلیغات فریبنده و عوام‌فریبی و تظاهر به روشنفکری و آزادمنشی، نیرومندی دولت‌های غرب و اختراعات و اکتشافات فرنگیان و همچنین

اختلاط و برابری زنان و مردان را در نظر مسلمانان جلوه داد.

مردم مشرق زمین هم از جمله گروهی از مسلمانانِ کشورمان، مجذوب تبلیغاتِ دشمن گردیده، تصوّر کردند که اگر زنانِ مسلمان آزادی یافته و با مردان برابر شوند، کشورشان نیرومند گردیده و مُکتشف و مُخترع خواهند شد.

دشمن هم که زمینه مؤفقیت خود را در کشورمان به دست آورده بود، به منظور دست یابی به اهدافش ارتباط خود را با ایرانیان شدّت بخشید و با همکاریِ حکومت های وقت و با به کارگیری حربه های شیطانی خود، زمینه ارتباط و اختلاطِ زنان و مردان را به صورت های گوناگون فراهم نمود و به همین منظور، ضمن اقدامات عملی علیه حجاب و چادر، مدارس جدیدی نیز در سطوح مختلف با هدف ترویج آداب و رسوم غربی و تجددگرایی تأسیس شد و علی رغم تذکرات رهبران و دلسوزانِ دینی، تعداد محدودی از دختران که اغلب از طبقات مرفّه و درباری بودند در آنها

ص: ۸

شرکت کردند.

این روند با طرح‌ها و سیاست‌های زمان بندی شده ادامه یافت و زمینه را برای به قدرت رسیدن رضاخان و اقدامات خشونت آمیز او بر علیه حجاب و چادر و مبارزه علنی با مظاهر و سنت‌های اصیل دینی فراهم نمود.

رضاخان به دستور اربابان غربی خود، نهایت قهر و خشونت را علیه حجاب و چادر به کار گرفت و با صدور فرمانی، استفاده از چادر و روسری را در سرتاسر کشور از جمله در مدارس و مراکز تحصیل برای زنان و دختران ممنوع کرد.

گرچه گستاخی رضاخان با مخالفت شدید مراجع و عالمان دینی و مردم مسلمان مواجه گردید، اما تعدادی از زنان و دختران خودباخته و شهوت ران، جرأت یافته و بدون پوشش و حجاب در مدارس و انظار ظاهر شدند!

و بدین ترتیب، بی‌حجابی و پیروی از افکار و آداب و رسوم غرب در کشور اسلامی ایران در بعضی مدارس و مراکز فرهنگی و تا حدی در مجالس و محافل عمومی و دولتی در میان گروهی از زنان و دختران رایج گردید.

ص: ۹

و پس از آن در دوران فرزندِ رضاخان نیز این بدعت ننگین همچنان ادامه داشت و مدارس و دانشگاه های کشورمان، الگوی تمام عیار غرب بود و ارتباطِ پسران و دختران به صورت آزاد انجام می شد.

امّا علی رغم رواج بی حجابی و بی بندوباری و تأثیرگذاری آن بر بعضی اقشار، زنان و دختران مؤمن و معتقدِ ایران در آن دورانِ غربتِ حجاب، با همه نامالیمات، استهزاهای، توهین های زننده دور از اخلاق و تحقیرها، از پوشش و چادر با اعتقاد و آزادی کامل استفاده می کردند.

و این روند در ابتداء تحوّل بزرگی که در کشورمان ایجاد گردید، رونق بیشتری یافت، بیشتر زنان و دختران ایران از چادر و حجاب به عنوانِ سنگر و سنتِ اسلامی استفاده نموده و می رفت تا محیط های آلوده تحصیل و مدارس و دانشگاه نیز به موازات تحوّل همگانی از آلودگی و فساد و انحراف پاک گردد.

امّا دشمن که همچنان بیدار و هوشیار است با تغییر سیاستِ شیطانِ خود و ایجادنوعی حرکتِ منفی

برخلاف فرهنگ دینی کشورمان و با برپایی جنگِ نرم و تهاجم فرهنگی، قلب و فکر مردم ایران به خصوص زنان و دختران را بدون تهدید و خشونت، با تزویر و نیرنگ تسخیر نمود!

و با کمال تأسف این حرکت منفی شوم مورد استقبال گروهی از مردم کشورمان قرار گرفت و علاوه بر ادامه اختلاط دختران و پسران در حوزه های تحصیل، زمینه اختلاط و ارتباط زنان و مردان در ادارات، شرکت ها و مراکز عمومی و خصوصی نیز فراهم گردید!

روزبه روز از تعداد زنان چادری کاسته شد و به تدریج حریم بین زن و مرد نامحرم در کشور اسلامیمان در اکثر حوزه های تحصیل، ادارات و مراکز عمومی و خصوصی غبار فراموشی به خود گرفت تا آنجا که گروهی از خانواده های مذهبی و همچنین روستائینان نیز از این حرکت منفی استقبال کرده و بدون توجه به آسیب های موجود، دختران و نوامیس خود را به کلاس های تحصیل مختلط و مراکز عمومی آلوده کار و اشتغال فرستادند!

و این در حالی است که برخی مراکز تحصیل و بیشتر دانشگاه های کشورمان که باید جایگاه خودسازی و کسب فضیلت و معنویت و آموزش علم و دانش باشد، پسران و دختران در محیطی مختلط قرار گرفته و زمینه فساد و انحراف آنان فراهم می گردد.

این گزارش را بخوانید:

در پژوهشی که چند تن از دانشجویان مؤمن و متعهد علوم پزشکی اصفهان انجام دادند، بین ۴۹۴ نفر از دانشجویان، ۹۰ درصد، علت اصلی گسترش فشار اخلاقی و انحرافات را، اختلاط نامشروع زن و مرد اعلام کرده اند.

سپس این جوانان دلسوز هشدار داده اند که: در جامعه اسلامی ما، در دوران دانشگاه که دختران و پسران در اوج بلوغ هستند در محیط مختلطی قرار می گیرند و این به سادگی زمینه فساد را برای آنان فراهم می آورد!...

ص: ۱۲

این عزیزان اضافه کرده اند:

و این درحالی است که به تقاضای والدین آمریکایی، دانشکده های مخصوص بانوان تأسیس می شود و کارشناسان آموزش آمریکا اذعان نموده اند که در مراکز آموزشی غیر مختلط، دانشجویان نتایج بهتری به دست می آورند. (۱)

بررسی نکات مثبت و منفی حوزه های تحصیل

اکنون با توجه به مطالب بازگو شده آنچه موجب دغدغه و نگرانی می باشد، وضعیت اسف باری است که در بعضی مراکز آموزش کنونی مشاهده می شود و با کمال تأسف، اکثر خانواده ها از آسیب پذیری عزیزانشان در این مراکز غفلت دارند!

و چون مایل نیستم تنها نکات منفی این مسئله را بررسی نموده و به نقد بکشم، از این رو ابتدا نکات مثبت و پیشرفت های گوناگون حوزه های آموزش، یادآوری می گردد، آنگاه نکات منفی و آسیب و آفت های اخلاقی

ص: ۱۳

۱- _ پندها و هشدارها: ۱۴۵ به نقل از مجله دانشجو: ۸۰۹/۴۲.

و فکری و اعتقادی این مراکز بررسی می گردد، تا کلیت موضوع روشن گردد و خانواده ها بدون پیش زمینه های لازم و بدون آگاهی و تحقیق به استقبال مراکز تحصیل نرفته و از آنچه در حوزه های آموزش کشورمات اتفاق افتاده و نوجوانان و جوانان عزیزمان را تهدید می نماید با اطلاع شوند.

مسائل مثبت مراکز تحصیل

در زمینه نکات مثبت، مسئله پیشرفت های چشمگیر و قابل توجه علمی، فناوری، اختراع، سیاست و دیگر اعتبارات بین المللی به عنوان بخش ابزاری و نمودهای پیشرفت و ترقی تمدن نوین در حوزه های تحصیل، انکارپذیر نبوده و نیست.

و همچنین به موازات این پیشرفت ها، تلاش های مثبت و مفیدی نیز در جهت سالم سازی کلاس های آموزشی در بعضی از مراکز تحصیل به چشم می خورد که از جمله آنها، دانشکده ها و مدارس می باشد که به وسیله دست اندرکاران تعلیم و تربیت و بعضی از اساتید

با ایمان و دلسوز در جهت تربیت دینی و اخلاقی نوجوانان و جوانان به صورت اختصاصی و تفکیک جنسی مشغول فعالیت هستند.

و همچنین همایش قرآن و عترت، اقامه نماز جماعت در بعضی از مراکز تحصیل، اقامه مراسم معنوی اعتکاف، دانشگاه علوم قرآنی، مدارس تخصصی قرآن و موارد مشابه دیگر نیز از نکات مثبت مراکز تحصیل می باشد که محصول باارزش این مراکز گروهی از پزشکان، مهندسان و فارغ التحصیلان باایمان، با لیاقت، نخبه و متعهدی است که باعث افتخار و سرافرازی کشور عزیزمان هستند.

شادی بخش و غم انگیز!

برنامه ها و نکات مثبت بازگو شده توانسته است خدمات مفید و سودمندی به دانش آموزان و دانشجویان عزیز ارائه دهد.

به ویژه خدمات و فعالیت های ارزنده و تلاش های مستمر و دلسوزانه گروهی از جوانان نخبه و متعهد و

ص: ۱۵

دانشجویان مؤمنی که در سطح دانشگاه و حوزه های تحصیل با شور و شوق در جهت روشننگری و آگاهی جوانان عزیز و ملت مسلمان به طور شایسته انجام می شود که نمونه آن گزارش وضعیت اختلاط و فساد حاکم بر محیط دانشگاه است که بازگو گردید.

اما آن چه موجب دغدغه و تأسف مسئولین و مربیان دلسوز کشورمان می باشد آن است که برخی مراکز تحصیل کنونی تحت تأثیر مغالطه غربی ها و مقلدان داخلی نفوذی آنها که می گویند:

جامعه و مراکز تحصیل را با مکتب ایمان نمی شود اداره کرد، قرار گرفته و بدون توجه به آموزه های جامع و کامل و پر محتوای مکتب اصیل اسلام که همه نیازهای انسان را برآورده می سازد و بدون توجه به زیان های جبران ناپذیر و آسیب های جدی پیروی از بیگانگان، به تقلید ذلت بار از افکار انحرافی غرب تن داده اند!

و این نشانی است از عدم توفیق نظام آموزش و پرورش در تربیت دینی و اخلاقی جوانان، و همچنین هشدار است به همه دانشمندان حوزه و دانشگاه و

نخبگانِ دلسوز و عزیزِ فرهنگ و تعلیم و تربیت تا ضمن تلاشِ جدّی برای آسیب شناسی، به چاره جویی و جستجوی راه علاج پرداخته، استعدادهای جوانان عزیز را با سبکِ فرهنگ و سنت های اصیلِ دینی آشنا نموده و از تقلیدِ سبک و سلوکِ زندگی و تمدنِ غربی پرهیز دهند.

هشدار به جوانان عزیز

جوانان عزیز هم توجه داشته باشند که عصر ما عصرِ رسانه و بمبارانِ تبلیغاتی و تهاجم فرهنگی است که از طریق رسانه ها در قالب های گوناگون در همه جا و در همه زمینه ها به خصوص در بعضی از مدارس و دانشکده ها با ارائه مکتب ها و فرقه های گمراه کننده و با ترفندها و شگردهای فریبنده در صددِ صیدِ جوانی و پاکی شما عزیزان هستند.

دشمن با هوشیاری کامل زمینه خنثی نمودنِ تبلیغاتِ مذهبی و بی هویت نمودنِ شما عزیزان را از طریقِ در اختیار گذاشتنِ برنامه ها و سرگرمی های

مخزب و ویرانگر رسانه ای به ویژه از طریق شبکه های ماهواره و اینترنت فراهم نموده و با گسترشِ بدآموزی های جذّاب و فریبنده به خصوص اختلاط و ارتباط دختران و پسران، جامعه و مراکز تحصیلی را دچار سردرگمی و هنجارشکنی و فساد اعتقادی و انحراف فکری و اخلاقی نموده است! تا آنجا که گروهی با مُغالطه ناآگاهانه، تحصیل و آموزش علم و هنر و هنروری را تحتِ عناوینی فریبنده به انحراف کشیده و با دلسوزی، احیای رشته هنر و اجرای برنامه های موسیقی، تأثر و تجلیل از موسیقی و موسیقی دانان غیرمتعهد را در محیطِ مقدس دانشگاه به عنوان احیای هنر مورد مطالبه قرار داده اند تا از این رهگذر، احساسات و امیالِ خفته جنسی جوانان را تحریک نموده و با سرگرم نمودن آنان به گناه و نواهای موسیقی، عواطف، احساسات، حیا و عفتشان را سرکوب نمایند!

و با کمال تأسف، این گروه از نبودن دانشگاه هنر در خراسانِ رضوی و پایتخت معنوی ایران، مشهد مقدس گلایه نموده و اجرای گروه های موسیقی اصیل،

و گرامی داشت مقام موسیقی دانان معاصر را مطالبه کرده و با یادآوریِ فعالیت های هنری زیرزمینیِ خلافِ عُرف در شهر مقدس مشهد، پیشنهادِ علنی نمودن فعالیت های زیرزمینی در زمینه هنرهای موسیقی و... را مورد تأکید قرار داده و غفلت از تأسیس دانشگاه هنر و اجرای برنامه های موسیقی و... را تعصّب گرایی کورکورانه و غرض ورزی بازگو نموده اند. (۱)

آری! مسأله غنا و نوازندگی با آن همه تأثیرگذاریِ مخرب بر معنویت و روان و اعصاب به عنوان هنر، آن هم در محیط مقدّس دانشگاه و در مملکت اسلامی مورد مطالبه قرار می گیرد و تا آنجا جرأت می یابند که برنامه های دینی و مذهبیِ مناجات، دعا، اشعارِ مذهبی و حتّی مصیبت های سخت و سنگین اهل بیت علیهم السلام را با نوای موسیقی های مهیج و بعضاً برگرفته از آهنگ های غربی تلفیق نموده و در اختیار مردم مسلمان قرار داده و به نام آن بزرگواران، آلبوم موسیقی می سازند!!

ص: ۱۹

ین گزارش را بخوانید:

آلبوم موسیقی «امام رضا علیه السلام» و گفتگوی با خدا!

... از انتشار آلبوم موسیقی «امام رضا علیه السلام»

ب_ا_آهنگ_سازی..._ت_ا_ا_وای_ل_ت_اب_ست_ان_ام_س_ال_خ_ب_ر_داد.

این خواننده کشورمان در گفتگو با پارس، در خصوص ارائه آلبوم جدیدش گفت:

«جدیدترین آلبوم من تا اول فصل تابستان جاری با عنوان «امام رضا علیه السلام» روانه بازار خواهد شد که آهنگ سازی و ضبط این اثر را... به عهده دارد.»

وی با اشاره به اینکه ۱۲ قطعه ترانه در این آلبوم جای داده شده است، گفت: گروهی از هنرمندان... کارِ شعرسرایی این آلبوم را انجام داده اند.

این خواننده تصریح کرد: دو قطعه از این آلبوم موسیقی با موضوع «امام رضا علیه السلام» سروده شده و قطعه «الو سلام» از دیگر سروده های این آلبوم است که با

ص: ۲۰

موضوع «گفتگو با خداوند» ارائه شده است. (۱)

این روایت را از امام رضا علیه السلام بخوانید:

گوش دادن به صدای تارها (آلات موسیقی) از گناهان کبیره است (و خداوند وعده عذاب بر آن داده است). (۲)

و امام صادق علیه السلام فرمود:

خانه ای که در آن غنا (آهنگ و نوای موسیقی) نواخته شود، از مصیبت و بلائی ناگهانی درامان نیست، دعا در آن خانه مستجاب نمی شود و فرشته داخل آن خانه نمی گردد. (۳)

حرمت شکنی!

آری! مسئله غنا و موسیقی را که آیات و اخبار و احادیث در حرمت آن به تواتر رسیده و همه فقها و مراجع بزرگوار تقلید بر حرمت آن اتفاق دارند، جمعی مصلحت اندیش و سودجو براساس ذوق و تفکرات و

ص: ۲۱

۱- _ روزنامه شهرآرا: شماره ۸۱۴، تاریخ ۲۰/۱/۱۳۹۱

۲- _ مستدرک الوسائل،: ۱۳/۲۲۰.

۳- _ فروع کافی: ۶/۴۳۳ حدیث ۱۵.

سلیقه خود، موجه جلوه داده و با تلفیق آن به نام خدا و امامان معصوم علیهم السلام، حرمت و کرامت مقدّسات دین را به بازی و مسخره گرفته اند!!

چه باید کرد؟!!

اکنون با توجه به وضعیّت موجود و با توجه به مقاله کاری و هجمه ناجوانمردانه فرهنگی دشمن به جامعه و مراکز تحصیل کشورِ اسلامیمان، خانواده ها و جوانان در برابر این نابسامانی ها چه کنند؟!!

گرچه طرح مسئله آسیب های بعضی از حوزه های تحصیل و تأثیر منفی فضاهاى ناامن بر افکار و اخلاق جوانان، خوشایند بعضی خانواده ها و جوانان عزیز نبوده و نخواهد بود.

امّا توجه به این نکته ضروری است که منظور از طرح این مسئله با وجود میدان های گوناگون ارزشمند علمی و فناوری و استعدادهای فوق العاده، نفی تحصیل و آموزش نیست، چرا که تحصیل علم مسئله ای لازم و ضروری است و همانطور که بازگو خواهد شد، مورد

تأکید و سفارشِ اسلام و پیشوایانِ دینی می باشد.

سخن در فرهنگِ استفاده از علم و دانش می باشد که به نظر می رسد این مسئله با اهمیت در برخی حوزه های تحصیل در چارچوبِ آرمانهای اسلامی و بستر صحیح آموزش نیست و مانند وسائل فن آوری نوین بدون استفاده فرهنگ صحیح مورد بهره برداری قرار گرفته و در این میان با کمال تأسف، دختران بیشترین آسیب را تحمل نموده و قربانی وضعیت آلوده کنونی گردیده و بیشترین مخاطبان نگارنده نیز، دختران و خانواده آنان می باشد.

چرا که در وضعیت موجود در دانشگاه و برخی مراکز آموزش از علم دین خبری نیست (۱) و یا اندک است و علاوه بر اینکه زمینه انحراف و آلودگی دختران در محیط های مختلط فراهم می شود، مهارت زندگی، خانه داری، شوهرداری، تربیت فرزند و تدبیر زندگی که مورد سفارش دین می باشد نیز به دختران آموخته نمی شود و یا بسیار اندک یادآوری می شود و تنها به

ص: ۲۳

فراگیری علوم روز و آموزش سینوس و مثلث متوازی الاضلاع و چیزهایی از این قبیل اکتفا می گردد.

از این رو، برخی دخترانِ فارغ التحصیل افرادی مغرور، خودخواه، تشریفاتی و پرتوقع هستند که غرور علمی آنان موجب گردیده که خود را از شوهر و دیگران برتر دانسته و تن به زندگی و اداره کارهای خانه نداده و زندگی را بر خود و شوهر و خانواده تلخ نمایند.

این ماجرای تکان دهنده را بخوانید:

غرورِ خانم تحصیل کرده!

مردی که با دختر تحصیل کرده ای ازدواج نموده بود در دادگاه گفت: همسرم در خانه دست به سیاه و سفید نمی زند و هر بار که به او اعتراض می کنم می گوید: ظرف شویی و رختشویی و بچه داری کار یک زن تحصیل کرده ای نیست. اگر از رفتار من ناراحت هستی طلاقم بده و با یک کُلفت ازدواج کن!

این مرد اضافه کرد: پریشب عده ای از آشنایان و اقوامِ همسرِ تحصیل کرده ام را به صرف شام دعوت

ص: ۲۴

نمودم. موقع شام، سفره را پهن کردم و مدرکِ قاب گرفته همسرم را در سفره نهادم و گفتم: ببخشید، شام ناقابلی است که خانم من هر شب به خوردِ بنده می دهد، صلاح دیدم از شما هم به این وسیله پذیرایی کنم!^(۱)

این پیامک را نیز بخوانید:

خواهری دارم که چون لیسانس دارد و کارمند است، خودش را از همه ما برتر می داند و به کوچک ترین کارهای ما عیب می گیرد، تا جایی که بارها کارمان به دعوا و کتک کاری کشیده است!^(۲)

این ماجراهای اسف بار که فراوان هم هست، نتیجه ضعفِ شدید تربیت دینی و اخلاقی برخی مراکز تحصیلی کنونی است که به مسائل تربیتی و آموزه های مذهبی در آن مراکز توجه لازم نمی شود. بر این اساس بعضی از خانواده های هوشیار و آگاه به خاطر ترس از فضای ناامن و تأثیر منفی محیط های آموزشی بر اخلاق، معنویت و اعتقادات فرزندانشان، جانب احتیاط را در

ص: ۲۵

۱- آئین همسرداری: ۱۴۴ به نقل از اطلاعات ۳ آذر ...

۲- روزنامه خراسان: ۱۸۳۱۹ تاریخ ۲۸/۱۰/۱۳۹۱.

نظر گرفته، از فرستادن عزیزانشان به مراکز آلوده خودداری نموده و برای فرزندانشان مراکز آموزشی مطمئن و سالم در نظر می گیرند.

امّا بیشتر پدر و مادرها براساس چشم و هم چشمی و پیروی از رسم و رسومات غلط جامعه، معیار ارزش دختران را تنها تحصیلات علمی مدرسه و دانشگاه دانسته به ملاک های واقعی و همچنین آسیب های محیط تحصیل دخترانشان توجه ندارند! و نتیجه اسف بار این غفلت و بی تفاوتی، وضعیت نابسامان موجود است که موجب دردمندی، دغدغه و بهم ریختگی تعادل خانواده ها و نگرانی مسئولین و مربیان گردیده و دودش به چشم پدر و مادرها و جامعه رفته است!!

خانه از پای بست ویران است!

بعضی از پدر و مادرها با تأسّف و حسرت اظهار می دارند:

وضعیت فرزندانمان به خصوص دختران

ص: ۲۶

تحصیل کرده، هیچگونه تناسبی با آموزه های دینی و اخلاق و رفتار خانواده نداشته و به هیچ عنوان حریف رفتار و خواسته های غیرمنطقی آنان نمی شویم!

آری! دختران و پسران تقصیر ندارند، زیرا در دوران کودکی و نوجوانی که دوران شکل گیری شخصیت و اخلاق و کمال آنان می باشد و حرف های پدر و مادر در آنها تأثیر گذار است، به جای اینکه به آموزه ها و به بدآموزی هایی که در مسیر زندگی آنان وجود دارد و همچنین به محیط های تربیتی و تحصیل آنان توجه بشود، بدون هیچگونه دورنگری و تحقیق و بدون هیچگونه مراقبت، تربیت آنان را به مراکز تحصیل و محیط های آلوده واگذار نموده و حالا که وارد عرصه جوانی شده، غرور علمی آنان را فراگرفته و احساس استقلال می نمایند، گفتار و نصایح هیچ کس حتی پدر و مادر در آنان تأثیر نخواهد داشت!

و بالاخره، سرکشی امروز آنان نتیجه و محصول تلخ بی تفاوتی و غفلت آن روز والدین است که حالا به ثمر نشست است!

پدر و مادر مسلمان!

فرزندان، پاره تن و حاصل و سرمایه زندگی شما هستند؛ باید به رفتار و اخلاق آنان دلسوزانه نظارت و مراقبت داشته باشید. خستگی کار روزانه و مشاغل روزمره، فرصت نظارت بر رفتار و کردار آنان را از شما بگیرد. زیرا ملت و مملکت ما در حال مقابله با جنگ نرم و تهاجم شیطانی دشمن می باشد و جنگ، جنگی است که اگر یک لحظه غفلت شود، جوانان عزیز و حتی نوجوانان ما، در باتلاق فساد و گناه و انحراف های اعتقادی هلاک خواهند شد.

از این رو، عزیزانی که حتی در مراکز اختصاصی هم تحصیل می نمایند، نیاز به مراقبت کامل و دقیق و مستمر دارند زیرا جوانان به خصوص دختران هر چند مقتید به رعایت موازین شرع و آموزه های دینی باشند از شگردهای زیرکانه دشمن درامان نیستند.

ص: ۲۸

در این کتاب چه می خوانیم؟!

موضوع بحث این کتاب، لزوم تحصیل علم همراه با تقویت بُنیه های دینی و همچنین یادآوری آسیب های پیش روی فرزندان عزیز این مرز و بوم در محیط های آلوده و طرح مخرب دشمن در آلودگی محیط های آموزش و حوزه های مقدس تحصیل و ضرورت اصلاح و سالم سازی مراکز آموزش مملکت اسلامی ایران عزیز و ایجاد بسترهای مناسب و سازنده دینی می باشد.

چرا که اسلام از یک سو، تحصیل علم و دانش و آموزش احکام دین را بر هر مرد و زن مسلمان لازم و واجب می داند و از سوی دیگر اجازه نمی دهد سنت های دینی پایمال شده، دختران و پسران در محیط مختلط

ص: ۲۹

تحصیل نموده و زمینه انحراف و فساد اخلاق و دینشان فراهم گردد.

زیرا براساس حکم قرآن و اخبار و احادیث خاندان رسالت علیهم السلام هرگونه اختلاط و ارتباط مردان و زنان نامحرم با یکدیگر از جمله در مراکز تحصیل جایز نیست و مراجع بزرگوار تقلید نیز به استناد آیات قرآن و اخبار و احادیث به دختران اجازه تحصیل در این گونه مراکز مختلط را نمی دهند.^(۱)

این مسئله شرعی را که نظر مشترک مراجع بزرگوار تقلید است بخوانید:

تحصیل (بانوان) در رشته های حلال اشکال ندارد و لکن تستر (پوشیدگی) از اجانب (و نامحرمان) و خودداری از اختلاط با آنها لازم است.

و اگر ادامه تحصیل مستلزم اختلاط با نامحرمان (استاد یا هم کلاسی) باشد و مفسد دینی و اخلاقی

ص: ۳۰

۱- آیات قرآن مجید و اخبار و احادیث خاندان رسالت علیهم السلام در زمینه اختلاط و آسیب پذیری ارتباط محرم و نامحرم در جلد های اول دوم و سوم این کتاب بازگو گردید.

در برداشته باشد (تحصیل را) ترک نماید. (۱)

اکنون ضمن پوزش از تفصیل مطالبم که به جای مقدمه باز گو گردید، به حسب وظیفه و انجام فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر و آگاهی ملتِ مسلمان از عمق فاجعه بزرگی که عزیزانمان را تهدید نموده و یادآوری ضرورتِ مبارزه و مقابله با آسیب های پیش روی جوانان در حوزه های آموزشی و بیان ماجراهای تلخ و مصیب باری از آسیب پذیری عزیزانمان در برخی از محیط های تحصیل، مطالبی با بی طرفی و اتکاء به منطق و استدلال و به دور از احساسات و تعصب اما صریح و روشن به عنوان هشدار و روشنگری می نویسم تا اولیاء و خانواده ها، مشکل بزرگ پیش روی جوانان را کوچک نگرفته و با استمداد از پروردگار و عنایت امام زمان ارواحنا فداه در فکر چاره جویی و اصلاح وضعیت نابسامان موجود باشند. ان شاء الله

ص: ۳۱

۱- احکام بانوان: ۱۴۸.

پی دانش و علم کوشش کنید

روان روشن از نور دانش کنید

تحصیل علم و دانش همچون نماز و روزه و دیگر فروع دین بر هر مرد و زن مسلمان و تحت هر شرایطی، فریضه و واجب شرعی است.

به این احادیث زیبا توجه فرمائید:

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

ز گهواره تا گور دانش بجوئید. (۱)

ص: ۳۳

امام صادق علیه السلام فرمود:

یکی از واجبات الهی، طلب علم و دانش است. (۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

تحصیل علم بر هر مرد و زن مسلمان لازم و واجب است. (۲)

تحصیل هر علمی که موجب عزت و سرافرازی مسلمانان گردیده و زمینه استقلال کشور اسلامی را فراهم نموده و از خواری و ذلت ملت مسلمان پیشگیری نماید به مقدار نیاز و کفایت جامعه، لازم و ضروری است.

قرآن مجید:

... خداوند هرگز تسلط کافران را بر مسلمانان نمی پسندد. (۳)

بنابراین تحصیل علوم روز از قبیل: اقتصاد، سیاست، فرهنگ، بهداشت، صنعت و دیگر علوم مورد نیاز جامعه اسلامی که موجب عزت و شرف و استقلال کشور و

ص: ۳۴

۱- بحار الأنوار: ۱/۱۷۲.

۲- بحار الأنوار: ۱/۱۷۷.

۳- سوره نساء: آیه ۱۴۱.

مسلمانان می باشد و گردد ذلت و نیاز به بیگانگان و اجانب را از چهره ملتِ مسلمان می زداید، فریضه و واجب کفائی است.

و آموختن این گونه علوم از همه گروه ها، حتی از مُشرک و گمراه، مورد سفارش پیشوایان عالیقدر اسلام می باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

علم و حکمت را فرا گیرید اگر چه گوینده آن گمراه و مشرک باشد. (۱)

تحصیل چه علمی بر همه مسلمانان واجب است؟

بنا به فرموده پیشوایان دین، تحصیل علوم دین و آموزش احکام و اخلاق، واجب عینی است و یادگیری و عمل به آنها بر فردِ مسلمانان در هر شرایطی واجب و لازم می باشد.

اکنون باید دید، حدیث شریف پیامبر عالیقدر صلی الله علیه و آله وسلم در موردِ وجوب تحصیل علم بر هر مرد و زنِ مسلمان،

ص: ۳۵

۱- _ کودک: ۱/۲۲ به نقل از اثبات الهداه: ۱/۴۶.

دلالت بر وجوب تحصیل علوم فردی و اجتماعی روز دارد یا منظور لزوم آموزش علم دین و احکام می باشد.

با توجه به اینکه در عبارت حدیث شریف، کلمه «کُلِّ مسلم» وجود دارد و همه مسلمان موظف به یادگیری آن هستند و با توجه به اینکه یک نفر مسلمان قادر به فراگیری همه علوم فردی و اجتماعی از قبیل: صنعت، تجارت، کشاورزی و سیاست، مهندسی، بهداشت، اقتصاد، فرهنگ و دیگر علوم روز نیست، فلذا به نظر می رسد، مفهوم حدیث شریف، تنها وجوب فراگیری علم عقاید، اخلاق و احکام دین می باشد؛ زیرا آموزش و تحصیل اصول عقاید و فروع دین و احکام و مسائل حلال و حرام، وظیفه عمومی است و عمل به آنها واجب عینی می باشد و هر فرد مسلمان، حتی مسلمانی که در قلب جنگل زندگی می نماید، چون مسلمان است و معتقد به اصول و فروع دین می باشد، به حکم عقل موظف به فراگیری آنها به مقدار نیاز و شرایط حال خود و به کارگیری در شئون زندگی روزمره اش می باشد.

در صورتی که تحصیل علوم روز برای همه مسلمانان

ضرورتی ندارد و آموزش آنها به مقدار تأمین نیاز جامعه بر بعضی افراد واجب بوده و از دیگران ساقط می گردد.

به این احادیث زیبا توجه فرمایید:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

... منظور از علمی که تحصیل آن بر هر مرد و زن مسلمان واجب می باشد، علم تقوا و یقین است.

مؤلف بزرگوار بحار الأنوار، مرحوم علامه مجلسی در توضیح این حدیث شریف می فرماید:

منظور از علم تقوا، آموختن دستورات و نواهی دین می باشد که به کارگیری آنها، زمینه رهایی از عذاب پروردگار را فراهم می نماید و منظور از علم یقین، علمی است که با آموزش آن، معارف اصول دین شناخته می شود. (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

علم و دانش بیاموزید، اگر چه بر آموختن آن، ناچار به رفتن چین (و پیمودن راه دور) باشید.

آنگاه فرمود:

ص: ۳۷

مراد از تحصیل علم، علم خودشناسی است که با آموختن آن، زمینه علم خدانشناسی فراهم می گردد. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

بر شما باد به گفتگو و مذاکره علم، زیرا با آموختن علم، حلال و حرام دین را فراخواهید گرفت. (۲)

تحصیل علم همراه با تقوا و معنویت

لازم به یادآوری است، تحصیل علوم روز هم که مورد سفارش قرآن و پیشوایان دین می باشد، دارای دو بال است که با آنها به سوی ترقی و کمال پرواز می شود، یک بال تحصیل علم است و یک بال تقوا و معنویت و ایمان می باشد.

اگر تحصیل بدون معنویت انجام گیرد، یک باله خواهد شد و نه تنها مفید و سودبخش نیست بلکه زمینه سقوط و سرنگونی محصل و انحطاط جامعه فراهم می گردد.

ص: ۳۸

۱- بحار الأنوار: ۲/۳۲.

۲- بحار الأنوار: ۲/۳۲.

پزشکی که ایمان و تعهد نداشته باشد، هر چند از تخصص بالایی برخوردار باشد، از حرفه مقدّس خود سوءاستفاده خواهد نمود.

این گونه پزشکان، تنها مسئله مادیات و اندوختن پول مدّ نظرشان بوده و هیچگونه توجهی به آه و ناله بیمارانِ مستمند و فقیری که با دستِ تهی برای معالجه به مطبّ یا بیمارستان مراجعه می نمایند، ندارند!^(۱)

دانشمندی که تقوا و ایمان نداشته باشد، گلوله ها و خمپاره هایی در میدان جنگ به کار می گیرد که به وسیله آنها، میکروبهای آلوده و خطرناکی در فضا منتشر می شود که پس از چندین سال بر اثر انتشار تشعشعات مسموم آنها، نوزادان معلول و بیمار متولد می شوند!

اختراع موشک های قاره پیمای هسته ای، بمب افکن های بدون سرنشین و استفاده از آنها در جهت نابودی هزاران هزار نفر مردم بی گناه، نیز ناشی از

ص: ۳۹

۱- _ ضمن احترام ویژه به پزشکان متعهد و باایمانی که بیماران مستمند را دلسوزانه یاری نموده و از هرگونه تلاش در جهت بهبود آنان مضایقه ندارند.

بکارگیری علم و دانش بدون ایمان و تقوا می باشد!

استفاده بدون فرهنگ از تکنولوژی و وسایل گوناگون فناوری، ماهواره، اینترنت، تلفن همراه، تلویزیون و... که می بایست در جهت پیشرفت های علمی به کار گرفته شود، به دلیل از بین رفتنِ بال تقوا و ایمان، در جهت نابودی دین، اخلاق و جامعه اسلامی قرار گرفته است!!

و بالاخره! تحصیل علم بدون معنویت و تقوا و استفاده بودن تعهد و ایمان از دانش با همه پیشرفت های اعجاب انگیزش، همچون مرکبی راهوار اما لجام گسیخته است که زمینه سرنگونی و نابودی انسان ها را فراهم می نماید.

و با کمال تأسف! همانطور که بازگو گردید، چنین ائتفاک ناگواری در برخی مراکز تحصیل کشورمان رخ داده و علی رغم پیشرفت های علمی، فناوری، سیاست و امتیازات بین المللی، مشکلات اعتقادی و اخلاقی فراوانی جوانان ما را در سطح جامعه و حوزه های تحصیل تهدید می نماید، چرا که به علت تبلیغات ضد اخلاق و ضد تربیت دینی دشمن در بدنه آموزش و

ص: ۴۰

پرورش برخی مراکز تحصیل و گروهی از محصلین کشورمان یک باله شده اند!

و چون این واقعیت دردناک یکی از مشکلات اساسی جامعه و کشور عزیز اسلامی ما است، نگارنده همانطور که بازگو گردید پس از تحقیقات وسیع و بررسی های فراوان به منظور انجام وظیفه دینی، مطالب دلسوزانه و مستندی را از آسیب های موجود در مراکز تحصیل در اختیار علاقه مندان قرار داده و از اولیاء و خانواده ها درخواست می نماید تا ضمن آگاهی از این واقعیت های تلخ، آسیب شناسی نموده و برای حلّ این مشکل عمومی و اصلاح وضعیّت نابسامان مراکز تحصیل چاره جویی نمایند.

و عزیزانی که نسبت به عنوان کردن این گونه مطالب بدبین بوده، عیب ها را نادیده گرفته و در فکر اصلاح وضعیت موجود و حفاظت فرزندان شان از آسیب های اخلاقی و اعتقادی نیستند، بالاخره دود بی تفاوتیشان به چشم خودشان می رود و روزگارشان به همان روزی می افتد که اینک گرفتار می باشند و برای نجات از آن

ص: ۴۱

هم راه چاره ای پیدا نمی کنند.

چرا که این افراد توجهی به وضعیّت نامطلوب

حوزه های آموزش و آسیب پذیری فرزندانشان نداشته و فقط در فکر کسب اعتبار و ارزش کاذب و دریافت عناوین و القابی از قبیل، لیسانس و دکترا برای دخترانشان به منظور وارد شدن آنها به عرصه کار و فعالیت در جامعه می باشند و معتقدند که دختران نیز تحت هر شرایطی به موازات مردان و در کنار مردان باید دست اندرکار فعالیت های حیاتی و اجتماعی و سیاسی گردیده و به وضع خود و جامعه سروسامان بدهند.

امّا غافل از اینکه دختران قبل از رسیدن به آرزوهای خود، از قالب زنانه درآمده، نه قادرند در قالب مردانه درآیند و نه در قالب دخترانه باقی بمانند! بلکه گرفتار سردرگمی تحیر و سرگردانی گردیده و زمینه آسیب پذیری خود و مردان و جامعه را فراهم می نمایند!

چرا که مثلاً در یک دستگاه پیچیده کامپیوتر که ابزار و پیچ و مهره های مختلف با ابعاد و اندازه های متفاوت در آن به کار رفته؛ چنانچه ابزار و پیچ و مهره های آن را

ص: ۴۲

جایجا نمائیم، دستگاه کامپیوتر بکلی ساقط و مختل می گردد.

زن و مرد نیز ویژگی های ساختاری و فطری خود را دارند و هر کسی برای کاری ساخته شده است. زن از نظر خلقت و خصوصیات طبیعی، جنس لطیف نامیده شده است. کار زن نباید با خصوصیات طبیعی او منافات داشته باشد، خسته و کوفته اش نموده، فکر او را دگرگون نماید. از خودش، از مدیریت خانه، از فرزندش، از شوهرش منصرف سازد.

آثار منفی اختلاط در محیط تحصیل

مگر ممکن است یک دختر با آن روحیه ظریف و قلب عاطفی اش در محیطی مختلط در کنار معلم و دانشجویان قرار بگیرد و ظاهر آراسته و نگاه های مسموم مردان در او اثر نکند؟! و آیا ممکن است یک استاد مرد یا معلم و مربی یا دانشجوی مرد هر چند اهل تقوا و تزکیه باشد، چنان بر افکار و امیال نفسش مسلط باشد که نگاه و توجه دختری (به خصوص دختر زیبا) او

را از آلودگی و انحراف حفظ نموده و مجذوب زیبایی او نگردیده و از آثار منفی نگاه و ارتباط صوتی آن دختر درامان بوده و گرفتار آسب نگردد؟!

و بالاخره، در چنین وضعیتی چگونه می توان از دختران و پسران صاحب ایمان معمولی، حتی ایمان بالا، انتظار داشت به نفس خود اعتماد ورزیده، بر افکار و امیال خود مسلط گردند و گرفتار گناه و انحراف نشوند؟!

حالا- ماجرای یکی از شخصیت های بافضیلت و برجسته را که در مسیر تعلیم و تعلم قرآن به یک زن نامحرم، گرفتار گناه گردیده بخوانید تا روشن شود که اختلاط و ارتباط با نامحرم در هر شرایطی و در هر صورتی و از هر فرد باایمان و تقوا و پرهیزکاری خطرناک و آسب پذیر بوده و هیچ گاه افراد معمولی که از مراحل تقوا و کمالات نفس و وارستگی برخوردار نیستند و تمام معلوماتشان در یک یا چند رشته تخصصی روز محدود می باشد، ادعا نمایند که در رویارویی و اختلاط و نگاه به نامحرم در کلاس درس یا در مجالس سخنرانی

مختلط و مراکز عمومی، مجذوب نگردیده و در ذهنش تصویری از جنس مخالف و در نفسشان تهییجی از میل جنسی پیدا نشده و از آثار منفی اختلاط با نامحرم مصون و محفوظ خواهند بود. (۱)

این ماجرای تکان دهنده را بخوانید:

آسیب پذیری شخصیتی بافضیلت در مسیر تعلیم

قرآن به نامحرم

یکی از یاران و شاگردان بافضیلت امام باقر و امام صادق علیهما السلام می گوید:

من به زنی قرآن یاد می دادم. یک بار هنگام آموزش قرآن بدون اختیار با او شوخی کردم! وقتی که خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم، آن بزرگوار (قبل از هر صحبتی) فرمود: به آن زن چه گفتی؟! (چرا با آن زن شوخی کردی؟! من از شرم و خجالت) دست بر روی صورت خود گذاشتم!

امام علیه السلام فرمود: دیگر نزد آن زن نرو (و ارتباط را

ص: ۴۵

۱- _ مضامین این قسمت برگرفته از نوشتار آقای دکتر احمد صبور اردوآبادی در کتاب نگاه پاک زن: ۱/۱۷۵ به بعد.

با او قطع کن). (۱)

این یار و صحابی امام باقر علیه السلام شخصیتی بافضیلت و دارای کمالات و ترکیه نفس می باشد و آن زن هم فردی مسلمان، شایسته و جویای علم دین و در مسیر آموزش قرآن بوده و هر دو با اطمینان خاطر و در شرایطی مناسب به تعلیم و تعلم قرآن مشغول بوده اند.

ولی به هر حال معصوم نبوده و با اندکی غفلت گرفتار گناه شده، از مسیر تقوا منحرف گردیده و زمینه ناراحتی امام زمان خود را فراهم کرده اند.

و بالاخره، مسئله رویارویی و اختلاط با نامحرم تا آن حد حایز اهمیت می باشد که شخصیتی مانند جناب یوسف علیه السلام نیز که دارای مقام عصمت می باشد، در برابر زنان مصر، صراحتاً از طغیان نفس خود به رحمت پروردگار پناه برده و از خداوند کمک و یاری می طلبد. (۲)

اینها کلیت مطالبی بود که به عنوان هشدار و روشنگری پدر و مادرها، جوانان عزیز و مسئولین امور

ص: ۴۶

۱- _ وسائل الشیعه: ۱۴/۱۴۴ حدیث ۵ .

۲- _ قرآن مجید: سوره یوسف: ۵۳.

تربیتی بازگو شد. اکنون به بررسی جزئیات وضعیت مراکز مختلف آموزش و پرورش پرداخته تا در جریان خطرات جدی اخلاقی و اعتقادی موجود در برخی مقاطع تحصیل و وضعیت نونهالان، نوجوانان و جوانان قرار گرفته و در فکر اصلاح و سالم سازی مراکز تربیتی عزیزانمان باشیم.

ص: ۴۷

۲- نوجوانان و جوانان در دوران اضطراب و عصیان

اشاره

عصر حاضر، عصر نگرانی، دلهره، اضطراب و سرگردانی و دوران حیرت و عصیان نوجوانان و جوانان نام گرفته است.

این پدیده شوم را دنیای غرب با گسترش فناوری و تکنولوژی بدون فرهنگ به ارمغان آورده و ذهن جوانان عزیز را به دین‌گریزی و عصیانگری و پیروی از عادت‌ها و رسم و رسومات فرنگی‌ها مشغول نموده است!

این مسئله باعث تأسف است که نسل گذشته با اینکه دوران جوانی خود را در حکومت غیراسلامی سپری کرده است، در عین حال انسانهایی باشور، مؤمن، حماسه‌آفرین و مسلمان بار آمده و با حیرت و حسرت

ص: ۴۹

به جوانان سرگشته و حیران و نسل مضطرب و نگرانِ امروز تماشا می کنند!

و این بدان جهت است که نسل گذشته با جنگِ نمایان و آشکار دشمن در جهت فروپاشی دین، اخلاق، حیثیت و عفت جامعه اسلامی مواجه بود و جوانان غیرتمند و باایمان آن دوران علی رغم شیوع علنی بی بندوباری و فساد و با وجود اختناق و محدودیت های تبلیغات دینی، از ایمان، حیثیت و سنت های دینی خود حفاظت نمودند.

امّا نسل سرگشته امروز با جنگِ نرم، تهاجم فرهنگی، تزویر و نیرنگِ استعمار و دشمن مواجه است که نتیجه ای جز دین گریزی، اضطراب و حیرت عایدش نشده است!

فسانه ها هم خواب آورد، فسانه من

ز چشم، خواب رباید، فسانه عجیبی است!

به هر صورت، در وضعیت آشفته کنونی، این مسئله مورد سؤال است که: برای رهایی از معضلاتِ موجود راه نجاتی وجود دارد؟ و آیا دین و دستورات دینی، سخنی

ص: ۵۰

برای گفتن و نجاتِ نسل جوان از این همه نگرانی و عصیان دارد؟

در پاسخ این سؤال باید گفت:

دین سخنان مستدل و متین فراوانی برای درمان همه بیماری‌ها از جمله این بیماری مُهلک داشته و راه کار اساسی برای رهایی نسل سرگردان کنونی ارائه داده است که باید به فکر یافتن و به کار بستن آن باشیم.

اکنون به منظور یاریِ اسلامِ مظلوم و بی‌یاور و نجات جوانان و نوجوانان سرگشته، به معرفی گوشه‌ای از آموزه‌ها و اندیشه‌های دین و بررسی چگونگی تربیت فرزند در دورانِ مختلف زندگی پرداخته تا با به کارگیری این دستوراتِ عملی، جوانان و نوجوانان را با قرآن و سنت و همچنین با پدر و مادرها آشتی داده و با ایجاد دوستی با والدین و محبت متقابل آنها را متعهد، با شور و با هدف بار آورده تا از زندگی باصفا و صمیمیت برخوردار گردند.

امید است با به کارگیری مطالب این کتاب، پدر و مادرها نیز، نیازهای روحی، روانی و معنوی عزیزانشان

ص: ۵۱

را به موازات نیازهای مادی آنان در نظر گرفته و با جبران اشتباهات گذشته خود، روح و روانِ نوجوانان و جوانان را با تربیت صحیح دینی آشنا نمایند.

نوجوانان و جوانان عزیز نیز با پدران و مادران خود مأنوس باشند، آنان را از خود دانسته، با آنان مهربانانه برخورد نموده و به سخنانِ دلسوزانه آنان گوش دهند.

در این کتاب، نخست اشاره ای به خانواده و تربیتِ مطلوب فرزند در خانواده دینی و غیردینی داشته، سپس با تقسیم بندی دوران زندگیِ کودکان به هفت سالِ اول، هفت سال دوم، هفت سال سوم و هفت سال چهارم، دوره های زندگی عزیزانمان را در خانه، مهد، کودکستان، دبستان، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه از نظر تربیت های دینی و غیردینی و همچنین وضعیت اخلاقی و اعتقادی محیط های تحصیل و معاشرت بررسی می شود.

خانواده و تربیت فرزند

جامعه ما متشکل از دختران، پسران و مردان و زنانی

ص: ۵۲

هستند که از کانونِ کوچک خانواده به اجتماع بزرگ قدم نهاده اند و هر درسی را که از پدر و مادر و محیط خانه فراگرفته اند در اجتماع به مرحله عمل می رسانند.

و چون فرزند در دامن مادر پرورش می یابد، مادر بیشترین نقش را در تربیت و سرنوشت فرزند به عهده دارد، از این رو دقت و آگاهی در انتخاب همسر شایسته و مربی لایق مورد تأکید و سفارش پیشوایان دین می باشد.

ایمان، عقل، اخلاق، عفت و نجابت از جمله مسائلی است که در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار بیگردد و همچنین مسئله شرافت و اصالت خانوادگی نیز از مسائل لازم و ضروری در انتخاب همسر می باشد تا با برخورداری از مجموع این صفات ارزنده، زمینه پرورش فرزندان صالح و نیکوکار در دامنِ مادرِ باایمان و

باشرافت و بااصالت فراهم گردد.

پیامبر عالیقدر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

از گیاهانی که بر مزبله ها می روید، اجتناب کنید.

سؤال شد: یا رسول الله! مقصود از گیاه و سبزی که در مزبله می روید چیست؟

ص: ۵۳

فرمود: زن زیبایی که در خانواده پست و فرومایه پرورش یابد. (۱)

بنابراین پس از انتخاب همسر شایسته، باایمان و باشرافت، افتخار زنان ما این می شود که جا پایِ مربیانِ حقیقی، خاندان رسالت و انبیاء علیهم السلام گذاشته و کار تربیت

انسان را به عهده گرفته و با اجرای نقش مادری، برترین جایگاه و بالاترین افتخار را برای خود کسب می کنند، زیرا این وظیفه عاطفی را هیچ مرد حتی همسر و هیچ زن بیگانه انجام نخواهد داد.

فطرت پاک کودک

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

هر کودکی براساس فطرت پاک دینی آفریده می شود (اساس اولیه دین در فطرت تمام کودکان وجود دارد) این فطرت همواره ادامه دارد تا اینکه پدر و مادرش او را (براساس خواسته های خودشان) به آئین دیگری مثل یهودی گری و مسیحی گری (و یا

ص: ۵۴

صفات ناپسند دیگر) بکشانند. (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

قلب و روح نونهالان همچون زمین خالی از گیاه و درخت است که هر بذری در آن افشانده شود می پذیرد. (۲)

کودکان هدیه و امانت های الهی هستند که پروردگار به فطرت و سرشت پاک به پدر و مادر ارزانی داشته است. والدینی که وظیفه خود را در مورد تربیت صحیح آنان بخوبی انجام دهند، اداء امانت نموده و در پیشگاه پروردگار سرافراز بوده و مستحق پاداشند.

و آنها که از وظیفه الهی خود سرپیچی کرده و نسبت به تربیت و رفتار کودکان سهل انگاری نمایند، به خود و فرزندان و اجتماع خیانت کرده و در فردای حسابرسی در پیشگاه پروردگار مجازات خواهند شد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

احادیث (و احکام صحیح) اسلامی را به فرزندان

ص: ۵۵

۱- بحار الأنوار: ۳۰/۲۸۱ چاپ ایران.

۲- بحار الأنوار: ۱/۲۲۳ چاپ ایران.

خود هر چه زودتر بیاموزید، قبل از آنکه دشمن و مخالفین بر شما سبقت گیرند و دلهای فرزندان شما را با سخنان نادرست خویش اشغال نمایند. (۱)

امام سجاد علیه السلام فرمود:

حق فرزند آن است که بدانی او از توست و در این دنیا چه خوب باشد چه بد، وابسته به توست و تو مسئول سرپرستی او هستی، تا او را خوب تربیت کنی و او را به راه پروردگارش راهنمایی کرده و بر اطاعت از او امر الهی یاری نمائی، زیرا که در برابر رفتار خوب او اجر و ثواب می بری و در مقابل گناه و معصیتش کیفر و مجازات می شوی.

پس طوری درباره او رفتار کن که در دنیا به عمل نیک و حُسن رفتار او افتخار کنی و در پیشگاه خداوند نیز به خاطر حُسن انجام وظیفه و سرپرستی صحیح و رسیدگی درست بر رفتار او معذور باشی. (۲)

ص: ۵۶

۱- اصول کافی: ۶/۴۷.

۲- حقوق از دیدگاه امام سجاد علیه السلام: ۴۷ به نقل از خصال صدوق.

تربیت صحیح کودک در هفت سال اول زندگی

اسلام پدران و مادران را موظف نموده تا کودکان خود را براساس قوانین فطرت و مقررات حکیمانه الهی پرورش داده و نیازهای جسمی و روحی آنان را طبق موازین صحیح فطرت تأمین نمایند، زیرا دوران کودکی دوران شکل‌گیری شخصیت و بارگیری فضایل و رذایل اخلاقی طفل می‌باشد. همانطور که شکوفه‌های اخلاقی و فضایل انسانی در دوران کودکی به بار نشسته و طفل را به کمال و کرامت می‌رساند، بیشترین رذایل اخلاقی و صفات ناپسند نیز در زمان کودکی شکل گرفته و زمینه انحراف و فساد طفل را فراهم می‌نماید. از این رو پیشوایان عالیقدر اسلام به تربیت صحیح فرزند و توجه به مسائل معنوی و سجایای اخلاقی کودکان تأکید فرموده‌اند تا اساس سلامت اخلاق آنان در دوران کودکی پی‌ریزی گردیده و دچار انحراف اخلاقی و امراض روانی نگردند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

بهترین ارثی که پدران می‌توانند به فرزندان خویش

ص: ۵۷

بدهند، ادب و تربیت صحیح است. (۱)

پدر و مادر مسلمان!

فرزندان پاره تن و سرمایه زندگی شما هستند، جایگاه کودک در هفت سالِ اوّل زندگی، کانون گرم خانواده و آغوش پر مهر و محبت پدر و مادر می باشد.

در این دوران که نونهالتان با دنیای خارج خانه کم تر ارتباط دارد، سعی نمائید با بدآموزی هایی که از سوی دشمن در قالب رسانه ها و شبکه های مخرب فناوری و بازی های فکری بدون فرهنگ ارائه می شود، تماس نداشته باشند. در این دوران ضمن شخصیت دادن به کودکان و ایجاد رابطه عاطفی، آنان را با سرگرمی های سالم مأنوس نموده و بنابر آموزه های دینی، خود را هم بازی و هم سطح کودک قرار داده تا کودک با پدر و مادر و خانواده انس گرفته و در درازمدت زمینه رشد فکری او در جهت آموزه های مثبت خانواده فراهم شود.

ص: ۵۸

به این حدیث زیبا و آموزنده توجه فرمایید:

کسی که کودکی دارد، باید رفتارِ کودکانه با او داشته باشد. (۱)

بنابراین باید برای تربیت صحیح کودک برای او وقت گذاشت تا دوران هفت سال اول زندگی او با بازی و سرگرمی با پدر و مادر پُر شود و از دوران کودکی با والدین، دوست و رفیق شده و با نقش بستن این اثر عاطفی در ذهن و روان کودک، در بزرگی نیز با پدر و مادر، رفاقت و دوستی داشته باشد.

و دیگر اینکه بنابر دستور العمل دینی:

کودک بر پدر و مادر، حکومت و فرمانروایی دارد و والدین با تحمل امر و نهی او، زمینه دوستی و رفاقت بیشتر کودک را با خود فراهم می نمایند.

این حدیث زیبا را بخوانید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

کودک، هفت سال اول عمر، آقا و رئیس و فرمانروا

ص: ۵۹

امّا با کمال تأسّف! اغلب پدر و مادرهای امروزی از تربیت صحیح کودک غفلت نموده و به علت کار و اشتغال فراوان و گرفتاری های امور زندگی، فرصت زیادی برای رسیدگی به کودک خود نداشته و به جای توجه به آموزه ها و بدآموزی ها، نونهال خود را به مهد فرستاده و یا مقابل بازی های رایانه ای و تلویزیون رها کرده و هیچگونه نظارتی هم بر فرهنگ و کیفیت استفاده از این گونه وسائل را ندارند. در نتیجه نقش تربیتی پدر و مادرها کم رنگ گردیده و بازی های رایانه و برنامه های تلویزیونی برای کودک الگو شده و نونهال معصوم گرفتار تأثیرات منفی اخلاقی، ناهنجاری ها و عوارض روحی، روانی و جسمی از قبیل پرخاشگری، خشم، خشونت و اضطراب گردیده است!

تا آنجا که به گزارش متخصصان؛ به دلیل ناآشنایی و غفلت والدین از عارضه های ناشی از بازیهای رایانه ای و نبود قوه قدرتمند در کشور، دایره آسیب پذیری کودکان

ص: ۶۰

و این در حالی است که نونهالان معصوم ما تقصیری ندارند، وقتی که تربیت آنان، تربیت فناوری باشد و ساعاتی را هم که در خانه هستیم، به جای گفتگو و ارتباط عاطفی و به جای مهیا نمودن وسائل تفریحی سالم، برایشان تلویزیون روشن کرده و خودمان نیز، برنامه های خشن و احیانا غیراخلاقی را همراه با کودکانمان ساعت ها تماشا می کنیم، قهرا نونهالان ما قربانی بی توجهی ما شده و در معرض آسیب های جدی اعتقادی و اخلاقی قرار

می گیرند.

این گزارش تکان دهنده را از کیفیت مبتذل بعضی از فیلمهای تلویزیونی بخوانید:

پخش فیلم سینمایی «رفیق فابریک» از تلویزیون

تهران (شبکه ۵) موجب خشم و حیرت خانواده ها گردیده. این فیلم که حتی یک دقیقه آن خالی از

ص: ۶۱

جملات و اشارات و رفتارهای رکیک و مستهجن و ضداخلاقی نبود، دقایقی پس از اذان ظهر در حالی پخش شد که خانواده ها منتظر پخش مطالبی مناسب برای ارتقاء اخلاق فرزندان خود بودند! جمع کثیری از بازیگران نمایش های کوچه بازاری در این فیلم عاری از هنر و خلاقیت و فاقد کارگردانی و کشش داستانی حضور دارند و خرید آن مصداق بارز دور ریختن بیت المال و اهانت به شعور و اعتقادات مخاطبان سیمای جمهوری اسلامی محسوب می شود. (۱)

عزیزان! بچه های من و شما به چنین وضعیتی و وضعیتی مبتذل بازی های رایانه ای و وسائل فناوری عادت کرده اند و به جای گوش دادن به حرف من و شما که پدر و مادرشان هستیم، همان برنامه های ضد اخلاقی را تماشا می کنند، یعنی همان برنامه هایی که به آنان رحم نخواهد کرد و قصد نابودیشان را دارد؟

ص: ۶۲

پدر و مادر مسلمان! وسائل فن آوری هر روز بر ما تسلط بیشتری می یابد، باید نگران آثار مخرب برنامه های آنها برای خود و خانواده و مخصوصا کودکان باشیم.

برای فرزندانمان وسائل تفریحی سالم تهیه نموده و آنان را با تفریحات مفید و سالم سرگرم نمائیم. نگذاریم ساعت ها در مقابل تصاویر تلویزیونی و دیگر وسائل فناوری پلک زده و گرفتار عوارض روحی و جسمی گوناگون گردیده، قربانی آثار مخرب و ویرانگر خشونت و هیجان فیلم های بدآموز و داستان های افسانه ای ستاره های بی فرهنگ و بی رحم شده، اعتقادات و ارزش های فطری و الهی آنان جریحه دار گردد.

پدر و مادر مسلمان! نمی توان کودکان را هنگامی که در مقابل تلویزیون و دیگر نمایشگرها نشسته اند سرزنش کرد، چرا که آنها تقصیر ندارند، ما زمینه استفاده بدون فرهنگ تلویزیون و نمایشگرها را برای کودکان بی گناهمان فراهم نموده ایم و آنها هم از آنچه در

صفحه تلویزیون و دیگر وسایل فناوری مشاهده می کنند، الگو می گیرند.

تصویر و تکنیک هایی که دیده اند در آنان مؤثر می شود و به صورت یک عادت روانی، ریشه در اعماق آنها دوانیده و پس از اینکه قدم به مدرسه می گذارند، اعتبار مدرسه و معلم و معلّمی برایشان بی ارزش می شود. (۱)

اکنون پس از بررسی وضعیت تربیت کودکان در خانواده به سراغ مهدکوک و کودکستان می رویم تا از موقعیت عزیزانمان در دومین جایگاه آموزش و پرورش و آسیب های پیش روی نونهالانمان در مهد و کودکستان با اطلاع شویم.

(با احترام ویژه و قدردانی از مدیران لایق و باایمان تعدادی از مهدها و کودکستان هایی که رعایت مسائل دینی و اخلاقی را می نمایند).

ص: ۶۴

۱- مطالب تفصیلی تلویزیون و نمایشگرها را در جلد سوم این مجموعه بخوانید.

آزادی! یا بی رحمانه ترین ظلم!

پدر و مادر مسلمان!

کسانی که می خواستند به تقلید از غرب، ایرانی از هر نظر اروپایی بشود! به مقصود خود رسیدند! مادران و فرزندان را از هم جدا کرده و هر کدام را به سویی فرستادند!

مادران را برخلاف شایستگی فطری از تعلیم و تربیت فرزند و اداره زندگی محروم نموده و به اداره، شرکت و بازار در جمع نامحرمان گسیل داشتند! و کودکان معصوم را نیز از سایه پدر، از بوسه مادر و از مهر پدر و مادر محروم نموده و راهی مراکز عاری از عواطف و احساسات، مهد و کودکستان نموده و با شعارِ عوام فریبانه خود، بی رحمانه ترین ظلم ها را، آزادی، عدالت و طرفداری از زن نامیدند!!

ص: ۶۵

۳-جابجایی مهد و کودکان با آغوش پرمهر و محبت مادر و کانون گرم خانواده!

اشاره

خانه و محیط خانواده، مدرسه ای است که استعدادهای درونی کودک را شکوفا نموده و به او درس فضایل اخلاقی آموخته و نیازهای جسمی و روحی کودک را تأمین می نماید، در صورتی که مهد و کودکستان هرگز نمی تواند این گونه فرزندان تربیت کند.

اشتباه بزرگ زنان شاغل

زن امروزی با به دست آوردن مدرک به خاطر نمایش شخصیت اجتماعی، از پاره تنش چشم پوشیده و در اداره، شرکت و بازار استخدام می شود!

ص: ۶۷

مادری که فرزند دلبندهش را از دامن پُر مهر و محبت خود و محیط گرم خانواده جدا نموده و او را به مهد و کودکستان می سپارد، مرتکب اشتباه بزرگ و جبران ناپذیری می گردد.

مادر شاغل، محبت، عاطفه و احساسات خود را فدای مادیات اندک، تجملات، فخرفروشی، چشم و هم چشمی و خواسته های نفس خود نموده و فرزند عزیزش را در محیطی ناامن و آسیب پذیر رها می سازد!

وضعیت اسف بار مهد کودک و کودکستان

قبل از شروع سال تحصیلی، اطلاعیه های تبلیغاتی فراوانی به منظور جلب مشتری و تجارت منتشر می شود که خصوصیات و برنامه های مهدکودک و کودکستان ها بر روی آگهی ها درج می گردد. در یکی از آن اوراق تبلیغی با چاپ جدول های زیبا و رنگین، رشته های آموزشی مهدکودک را چنین ترسیم کرده بود:

قرآن، نقاشی، ژیمناستیک، مجسمه سازی و موسیقی و بعضی آموزش های ناموزون

این نوع اطلاعاتیه ها منحصر به فرد نبوده، از طرف مؤسسات زیادی پخش و منتشر می گردد!

ای کاش این تاجرهای سودجو و دایه های پول پرست شرم می کردند، آموزش کلام خدا، قرآن عزیز را کنار آموزش ... و موسیقی قرار نمی دادند و با این گستاخی خود، قلب نازنین امام زمان علیه السلام را جریحه دار نمی کردند!

چه سنخیتی بین نور و ظلمت! قرآن کتاب مقدس آسمانی و...!!

آری! این مهدها و کودکانها محلّ آموزش، تربیت و تغذیه روح و جان فرزندان و پاره تنمان می باشند که با قلب و روح پاک و آمیخته با فطرت دین و معرفت خداوند متولد گردیده و به عنوان امانت در اختیار پدر و مادر قرار گرفته اند!

مگر درآمد ناچیز، چشم و هم چشمی، تجمیل گرایی، فخرفروشی و اشتغال در جمع نامحرمان چه ارزشی دارد که نور چشمانمان را از خود جدا کرده و به این مراکز آلوده می سپاریم!!

ص: ۶۹

هیچ احساسی جایگزین عواطف و احساسات مادر نمی‌گردد!

عواطف و محبت مادر به قدری نیرومند است که هیچ احساس و محبتی جایگزین آن نمی‌گردد. دل مادر لبریز از مهر فرزند است و در راه حفاظت و پرورش او از هیچگونه فداکاری مضایقه نمی‌کند.

وقتی مادر به روی بچه‌ی خود لبخند می‌زند، هنگامی که فرزند، خود را به سینه مادر می‌چسباند، موقعی که از روی مهر و محبت او را می‌بوید و می‌بوسد، موجی از نشاط و لذت در اعماق روح کودک پدید می‌آید و در چهره و چشمان او نشاط و شادمانی دیده می‌شود.

گاهی کودک گریه می‌کند، نه دردمند است نه گرسنه. گریه او درخواستِ نوازش است. برای غذایِ روانش فریاد می‌زند، او گرسنه مهر و محبت است. به محض اینکه مادر او را در آغوش می‌گیرد، به سینه می‌چسباند و دست نوازش به سرش می‌کشد، ساکت می‌شود.

در تجربیات اخیر ثابت شده که صدای قلب مادر برای کودک از هر آهنگ موزونی جذاب‌تر و دلنشین‌تر

است. موقعی که صورتش روی سینه مادر قرار می گیرد و صدای قلب مادر را می شنود، آرام می شود. (۱)

مقایسه آغوش گرم خانواده با زندگی فرزندان در مهد و کودکان

زندگی بچه ها در مهد و کودکانستان از جهات ظاهری بسیار خوب و مطبوع است. لباس های پاکیزه و زیبا، سرها شانه کرده و موها مرتب است. شرایط بهداشتی کامل و مجهز می باشد. اتاق ها با اصول فنی ساخته شده است. غذاهای کودکان با برنامه های صحیح تهیه می شود. تمایلات جسمی بچه ها از نظر بازی و خواب و... تأمین گردیده است. اما مهد و کودکانستان قادر نیست جایگزین آغوش گرم خانواده شود و سرپرست کودکان نمی تواند مانند مادر تمام عواطف و احساسات کودک را ارضا نماید.

علاقه یک نفر زن که به منظور تجارت و کاسبی از صد نفر کودک سرپرستی می کند با احساس و عشق

ص: ۷۱

۱- برگرفته از کتاب کودک: ۱/۲۶۵.

سوزانِ فطری مادری که از کودک خود نگهداری می کند فرق بسیار دارد.

نوازشهای اختصاصی که در کودک ایجاد شادمانی و انبساط می کند، تنها در دامن مادر است نه در مهد و کودکستان و بین صد نفر کودک. (۱)

و بالاخره، مهد و کودکستان در محیطی که کودکان را با موسیقی و... سرگرم می نماید، هرگز نمی تواند فرزندانی آزاده و فداکار بار بیاورد، چراکه مهد و کودکستان تجارت خانه است و هدف مؤسسين آنها ابتدا کسب کردن و تجارت است، آنگاه تربیت، آن هم تربیت سطحی.

البته کودکانِ مهد و کودکستان هایی که تا حدودی مسائلِ دینی و اخلاقی در آنها رعایت می شود از دایره آسیب پذیری کلی استثنا بوده و تا اندازای از آفت های اخلاقی محفوظ می باشند.

اما چون هیچ احساسی جایگزین احساس و مهر و محبت مادر نیست، هرگز هیچ مهد و کودکستانی هر

ص: ۷۲

چند رعایت اصول دینی و اخلاقی را نمایند قادر نیست جایگزین آغوش گرم مادر گردد و عواطف و احساس کودکان در این مراکز نیز جریحه دار شده و گرفتار آسیب های جدی روحی و جسمی و عاطفی گردیده و در نهایت کودکانی بهانه گیر و دردرساز خواهند بود.

مهد و کودکان از نگاه جراید

پرخاشگری و لجبازی کودکان مهد

خانم س. شاغل:

فرزندان ما خانم های شاغل به ناچار بیشتر از اینکه فرزند ما باشند، فرزندان مهد کودک اند. من خود فرزندم را از ساعت ۶ صبح تا ۷ شب به مهد کودک می سپارم. وقتی هم به منزل می رسم، آنقدر خسته ام که فرصت رسیدگی به او را ندارم و باید کارهای فردا را انجام دهم.

فکر می کنم علت پرخاشگری و لجبازی بیش از حد کودکم نیز همین باشد، چون او از ۶ ماهگی تا الان که ۵ سال و نیم است همه اوقاتش را در مهد کودک سپری کرده است. او نه از من حساب می برد و نه از پدرش!

ص: ۷۳

نمی دانم این تأثیر را از رفتار هم سن و سالهایش در مهد کودک یاد گرفته و یا در اثر دوری از خانواده چنین شده؟! (۱)

روان شناس عضو هیئت علمی دانشگاه:

... کودک باید در آغوشِ مادر، از محبت او ارضا شود، به خصوص در ۵ سال اول زندگی کودک به این رابطه نیاز دارد، و همین رابطه مستحکم است که از طغیان های نابهنجار جوانی جلوگیری می کند. اگر نیازهای او برآورده نشود، کودک نسبت به محیط زندگی نامطمئن و در نتیجه پرخاشگر و لجباز می شود. (۲)

کودک و دلهره جدایی از مادر

خانم شاغل:

کودکی ۳ ساله دارم که علاقه و وابستگی شدیدی به من دارد، من قبلاً خانه دار بودم، اما یک ماه است

ص: ۷۴

۱- _ روزنامه خراسان: ۱۷۱۵۷ تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۸۷.

۲- _ روزنامه خراسان: ۱۷۱۵۷ تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۸۷.

شرایط استخدام من در یک بیمارستان فراهم شده است، ولی متأسفانه نمی توانم کودکم را به مهد بسپارم، چون او در هنگام ورود به مهد حاضر نیست از من جدا بشود. (۱)

وحشتناک ترین و سخت ترین روز زندگی

مادر بیچاره ۳ سال است که برای نگهداری از فرزندش در مرخصی بدون حقوق بسر می برد، وابستگی او به کودکش چنان است که حاضر نیست حتی یک لحظه برای رسیدگی به کارهای ضروری او را به دست کسی بسپارد. روزهای باقی مانده از مرخصی می گذرند و موعد تحویل فرزندش به مهد کودک فرامی رسد.

شب را تا صبح با دلهره ای به وسعت یک تنهایی بزرگ بالای سر کودکش می نشیند. کودک آرام خوابیده و مادر دستی به موهایش می کشد. انگار این نوازش ها، زخم های ناشی از اضطرابش را التیام می بخشد.

از سپیده صبح می ترسد! از اینکه طلوع خورشید

ص: ۷۵

مصادف است با اولین جدایی او و فرزند دلبندهش، ذهنش پُر از مجهولات است و دلش سرشار از دلهره...!

صبح لباس کودکش را بر تن می کند او را به مهد کودک می برد.

با خود می گوید: امروز را توی صفحه ی تقویم به عنوان وحشتناک ترین و سخت ترین روز زندگی یادداشت خواهم کرد!

مربی مهد با رویی گشاده جلو می آید تا کودک معصومش را در آغوش بگیرد. اشک های مادر بر روی گونه اش جریان می یابد و کودک با دیدن اضطراب او دستها را دور گردن مادر بی وفا حلقه می زند و با اشک و آه، فریادی بلند سر می دهد! او تاکنون حتی لحظه ای را جدا از مادر نبوده است. مادر، احساسات، عواطف، فریاد و اشک پاره تنش را به خاطر کار، شخصیت و اعتبار کاذب نادیده گرفته، کودک گریانش را با یک دنیا دلواپسی و تردید تنها می گذارد و دنبال اشتغالش می رود!!

مادر می رود و صدای فریادهای التماس آمیز کودک

ص: ۷۶

معصوم در فضای صحن مهد کودک می پیچد!

مامان! تو رو خدا نرو...! طاقت ندارم...!!(۱)

مادر! می شه نری سر کار؟!!

بچه ها به ویژه در سالهای اول زندگی، دیوانه وار عاشق و دل بسته مادرشان هستند... وقتی مادری هنگام رفتن سر کار با فرزندش خداحافظی می کند، کودک با خود فکر می کند، اگر مادر به من علاقه دارد چطور نمی خواهد همیشه در کنارم باشد و همین افکار موجب بروز رفتارهای ناهنجار کودکان از جمله خشم، بی تفاوتی، انزواطلبی، بهانه گیری و... می گردد!

مادران شاغل نیز، حال و روزی همچون فرزندانشان دارند. آنها هر روز با دلی پر رنج کودکان خود را رها کرده و از لذت بازی و صحبت عزیزانشان محروم هستند و این رنج و اندوه با سپردن کودکانشان به مهد کودک چندین برابر می شود...

ص: ۷۷

بانوان شاغل که احساس می کنند برای بچه هایشان کم گذاشته اند، در خود احساس نوعی گناه همراه با اضطراب، تشویش و سرزنش می نمایند که عاقبت آن آسیب جدی در رابطه بین مادر و فرزند می شود!

زنان شاغل در ماه های آغازین پس از تولد نوزاد در اولین روزهای دوری از فرزند خود و حضور در سر کار، دچار ضربه روحی شدید و ناگهانی می شوند، به طوری که نمی توانند تمرکز لازم را از لحاظ روحی و عاطفی داشته باشند!...

و بالاخره باید باور کنیم و بپذیریم که برای کودک بسیار سخت است که هر روز با کسی که دوستش دارد، خداحافظی کند و با سوز و آه بگوید:

مادر! می شه نری سر کار؟!!!! (۱)

مادر بی عاطفه!

صبح وقتی داخل اتوبوس شدم، مادری را دیدم که کودکش را برای پیاده شدن از اتوبوس همراهی می کرد

ص: ۷۸

و کودک با نگرانی دستش را از دست مادر جدا کرد. او برای مادرش دست تکان می داد و نگاهش می کرد!

چهره رنگ پریده کودک و ظرف چاشت که مادر همراهش کرده بود، نشان از عجله آنها داشت و معلوم بود که فرصت صرف صبحانه را نداشته اند.

این صحنه، روزها و روزها تکرار شد. با دیدن این صحنه کنجکاو شدم، به ورودی مهد کودک که آن دختر بچه واردش می شد نگاه کردم، هیچکس نبود که کودک را تحویل بگیرد! (۱)

مهد و کودکان تهاجمی و دردسر آفرین

روزنامه نیویورک تایمز:

براساس نتایج تحقیقات پیرامون یک هزار و یکصد کودک در ده شهر آمریکا از سال ۱۹۹۰ تاکنون:

آموزگاران آمادگی و مادران این کودکان از آنها به عنوان کودکان تهاجمی، بهانه گیر، نترس، دردسر آفرین و افرادی که باید خواسته هایشان به سرعت عملی شود،

ص: ۷۹

آموزشِ رقص و آواز در مهدِ کودک!

مشاهدات خبرنگار روزنامه خراسان

از چند مهدِ کودک:

به مهدِ کودک... سر زدم. بنا به اظهارِ مادرِ کودکان، برای ثبت نام و نگهداری کودک و برنامه های تفریحی و اردوهای که گاهی برگزار می شود باید ماهانه ۴۲۰ هزار تومان پرداخت.

به اتاق خانم مدیر می رسم و او از برگزاری کلاس های متنوع، جشن تولد، تهیه ناهار مورد علاقه بچه ها و موسیقی و رقص صحبت می کند و می گوید: تا یک ربع ساعت دیگر، برنامه رقص و آواز شروع می شود، اگر دوست داشته باشید می توانید این برنامه را ببینید.

چند دقیقه بعد، عمو محمود از راه می رسد، البته با یک ارگ بزرگی که یک نفر دستکاری در حمل و نقلش

ص: ۸۰

به او کمک می کند. بچه ها با دیدن عمو محمود، با علاقه به دورش حلقه می زنند، سپس صدای بلند موسیقی، ترانه های غربی عمو محمود، رقص بچه ها و لبخند رضایت بخش خانم مدیر از این اقدام!!

به یکی دیگر از مهدکودک های معروف می روم. شهریه اینجا هم به همان مقدار است.

خانم جوانی با فرزند ۴ ساله اش از این مهد خارج می شود. از آنها می خواهم نظرشان را درباره برنامه های مهد بگویند. پسر بچه بی معطلی می گوید: خاله سحر خیلی مهربان است، کلی با بچه ها بازی می کنیم. خاله برایمان آهنگ هم پخش می کند.

وقتی از برنامه های رقص و آواز می پرسم، مادرش می گوید: یکی از برنامه های ثابت همه مهدها، همین رقص و آواز است...

به مهدکودک دیگری می روم. مدیر مهد کودک می گوید: شهریه ثابت در این مهد، ماهانه ۶۰۰ هزار تومان است و برای سایر کلاس ها و برنامه ها هم باید هزینه جداگانه ای پردازند... وی اضافه می کند: آموزش

رقص «باله» یکی از ویژگی های خاص این مهد کودک است...

به محیط بازی و نگهداری بچه می روم که نزدیک به سی کودک قد و نیم قد (دختر و پسر) در آن مشغول بازی هستند. برای این بچه ها موسیقی پخش می شود و بچه ها با گوش دادنِ موسیقی و ترانه یکی از خوانندگانِ آن ورِ آبی، روزِ خود را سپری می کنند...

کار و اشتغال مادر به چه قیمتی!؟

با مادر یکی از بچه ها گفتگو می کنم و از چگونگی برنامه های مهد می پرسم، می گوید: کارمند است و مجبور است فرزندش را به این مهد بیاورد و همین اجبار باعث شده تا با وجود اینکه از اجرای برنامه رقص و آواز در مهد راضی نیست، فرزندش را به این مهد بسپارد!

او حتی چندین بار نسبت به این موضوع اعتراض هم کرده است، اما پاسخی که شنیده این بوده که اگر راضی نیستید، دخترتان را از این مهد ببرید!

ص: ۸۲

نظر مادر دختر بیچه ۴ ساله ای را درباره برنامه های آموزش رقص می پرسم، زن با ناراحتی می گوید: متأسفانه چنین برنامه هایی با وجود مخالفت بعضی از والدین، همچنان در مهدهای کودک اجرا می شود؟

من و همسرم، بارها به مدیریت مهد اعتراض کرده ایم، ولی تأثیری نداشته است. با این روش ها، تربیت کودک دو گانه می شود و مشکل ایجاد می گردد، امّا چاره ای نیست، کارمندم و مجبورم فرزندم را به مهد بیاورم و با این شرایط هم کنار بیایم! (۱)

حالا- از خودمان پرسیم، آموزش رقص و شنیدن موسیقی و ترانه های غربی و دیگر برنامه های به اصطلاح شادِ مهدها، به کودکان معصوم رحم خواهد کرد؟! و آیا تأثیر این برنامه های مبتذل، جز فروپاشی اخلاق و اعتقادات و در نتیجه قربانی شدن نونهالان عزیز، پی آمد دیگری خواهد داشت؟!؟

و آیا کودکانی که با رقص و موسیقی بار بیایند در بزرگی از کجا سر در خواهند آورد؟!؟

ص: ۸۳

کودک پرورش یافته با رقص، در بزرگی سر از پارتی های مختلط درمی آورد!

آری! کودک زمینه پذیرش خُلق و خوی خوب و بد در نهادش نهفته است. رفتار محیط در ضمیر و باطن کودک ذخیره گردیده و پایه و اساس شخصیت و معنویتش می گردد و در دوران جوانی، همه آن اخلاق و رفتار را در میان جامعه به کار می بندد.

وقتی که کودک معصوم در سنّ خردسالی در مهد و کودکستان در محیط مختلط و با رقص و پایکوبی پرورش یابد و روز خود را با شنیدن موسیقی و ترانه های غربی سپری کند، این بدآموزی ها روی شخصیت و باورهای او به شدت اثر خواهد گذاشت، در بزرگی، سر از پارتی های مختلط و مجالس گناه درمی آورد! آن وقت چه خواهیم کرد؟!!

بهتر نیست!

مادر به جای دست یابی به ارزش و اعتبار کاذب و چشم و هم چشمی، از کار در بیرون خانه آن هم در وضعیت آلوده کنونی صرف نظر نموده، تربیت فرزند را بر

ص: ۸۴

کار خارج از خانه ترجیح داده، به امور زندگی، خانه داری، شوهرداری پرداخته، خانه را مهد پرورشِ کودک قرار داده و پاره تنش را به جای سپردن به مهد و کودکستان و آموزش رقص و موسیقی و... در آغوش پر مهر و محبت و عواطف و احساسات و تحت مراقبتِ صحیح خود پرورش دهد؟ چرا که اولین کلاس تعلیم و تربیت دامنِ مادر است.

مادر مسلمان!

کودک شما، پس از پایان مهد و کودکستان و ورود به دبستان، رابطه اش با مربیان مهد و مهربانیهای ظاهر و موقت آنان قطع می شود و از سوی دیگر، پدر و مادر خود را نیز به عنوان کسانی که چند ساعتی، آن هم بدون احساس و عواطف در کنارش بوده اند می شناسد.

از این رو، نونهال عزیز شما گرفتار عقده و رنج و غم درونی می شود و چون احساسات و خواسته های کودک کی اش سرکوب شده، عقده درونی خود را به صورت پرخاشگری و عصیان نشان می دهد و به جای اینکه فرزندی شایسته برای خانواده باشد، جذب تبلیغات

ص: ۸۵

فرینده و بدآموزی های دوستان، همسالان و محیط آلوده می گردد.

و شما مادر می بایست تاوان ادب نشدن فرزندتان را پس بدهید، چرا که کار خارج از خانه را بر پرورش و تربیت و اشباع احساسات کودکان ترجیح داده اید!

به سخنان ارزنده امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند دلبندهش امام مجتبی علیه السلام توجه فرمائید:

قلب و روح کودک و نوجوان همچون زمین خالی از گیاه است، هر بذری در آن افشانده شود می پذیرد. از این رو در آموزش دانش و تربیت شتاب کردم پیش از آنکه دلت سخت شده و قلبت جذب دیگران شود (آماده پذیرش تربیت نباشد).^(۱)

ص: ۸۶

۱- بحار الأنوار: ۷۷/۲۱۸، نهج البلاغه: نامه ۳۱.

همانطور که بازگو شد، دوران کودکی، دوران شکل‌گیری شخصیت، کنجکاوی و الگوگیری نونهالان است. در این زمان خصوصیات اخلاقی، عادت‌ها، منش‌ها، آموزه‌ها و بدآموزی‌ها در اعماق روح و فکر کودک جایگزین می‌گردد.

کودکان در این سنین حسّاس پای به مدرسه می‌گذارند تا با تحصیل علم و دانش و فراگیری مبادی و سنت‌های دینی و فضایل اخلاقی و برخورداری از تربیت صحیح، ابعاد وجودی شخصیتشان در زمینه‌های مختلف شکوفا شود.

زیرا این دوران، دوران انعطاف‌پذیری کودکان است و

چنانچه کودکان در محیط خانواده سالم و با رفتار شایسته و صحیح پدر و مادر پرورش یافته باشند، دوران دبستان، بهترین زمان برای پذیرش مفاهیم صحیح دینی و آموزش مبانی اخلاق و معنویت به وسیله معلم شایسته در محیط سالم و مناسب می باشد.

وظیفه سنگین خانه و مدرسه

از آنجا که کودکان در هفت سال دوم زندگی بامحیط خارج خانه، مدرسه، کوچه، خیابان، دوستان و بچه های همسال خود ارتباط می یابند و دوستان جدید آنان از خانواده های مختلف و اخلاق گوناگون هستند، والدین و مدرسه، موظف به مراقبت و حفاظت نونهالان خود در خانه، مدرسه، و مسیر رفت و آمد مدرسه می باشند.

چرا که کودکان معصوم از سرِ صداقت و فطرت پاک به هر چیزی دل می بندند و قهرا خوبی ها و انحراف های کودکان مدرسه و دوستان کوچه و خیابان در آنان اثر می کند و با رفتار و خلق و خوی خوب و بد آنان آشنا می شوند.

براین اساس کودکان را در این سنین حساس نباید رها کرد و بیشترین تلاش را در تربیت و ادب و مراقبت از آنان باید به کار برد.

این روایت زیبا و آموزنده را بخوانید:

امام صادق علیه السلام فرمود:

فرزند را در هفت سال اول زندگی آزاد گذار تا سرگرم بازی باشد و در هفت سال دوم عمر، تربیت و ادبش کن. (۱)

پس از آن، کودکان بتدریج بزرگ می شوند و اندک، اندک مسائل جنسی را درک می نمایند، از این رو اسلام دستور می دهد محل خواب آنان از یکدیگر جدا شود تا زمینه تحریک جنسی برای آنان فراهم نشود. (۲) و بحرانی ترین دوران زندگی نوجوان، ۱۴-۱۳ سالگی است که دوران بلوغ و شور و هیجان غرایز جنسی آنان می باشد. در این دوران پرخطر، وظیفه والدین و مدرسه در مراقبت و کنترل نوجوانان سنگین تر و بیشتر از

ص: ۸۹

۱- بحار الأنوار: ۱۰۴/۹۵.

۲- همان: ۹۶/.

گذشته می باشد و می بایست آداب معاشرت و آسیب های اخلاقیِ دوستان ناباب را به آنان یادآوری نمایند.

بلوغ زودرس کودکان و نوجوانان

مسئله بلوغ نوجوانان در سنین حدود ۱۴-۱۳ سال، مربوط به دوران گذشته می باشد اما در وضعیت فعلی که دشمن تعادل ما را در هم ریخته و همه چیز ما را دگرگون نموده، بچه ها دیگر بچه نیستند و کودکان و دختران و پسران نوجوان، سن بلوغشان چندین سال کاهش یافته و قبل از سن متعارف بلوغ، بالغ هستند!!

هجوم دنیای مجازی، تصاویر مستهجن اینترنتی، ماهواره، بلوتوث های مبتذل تلفن همراه و همچنین وضعیت رسوای پوشش و آرایش دختران و زنان، اختلاط و ارتباط های نامشروع زنان و مردان در مراکز تحصیل و محیط های کار و اشتغال، اختلاط در مجالس و ضیافتها، رعایت نشدن موازین اخلاقی به وسیله پدران و مادران در محیط زندگی، عواملی است که

ص: ۹۰

زمینه بلوغ زودرس و فساد اخلاق نوجوانان را فراهم نموده است!

وقتی که والدین در محیط خانه، شرم و حیا را زیر پا گذاشته، مادران با لباس های مبتذل و آرایش در برابر کودکان و نوجوانان ظاهر می شوند و با خیال راحت در کنار فرزندانِ خردسال خود به تماشای برنامه های بسیار زشت و مستهجن شبکه های فاسد می نشینند، پسر و دختر نوجوان و حتی کودک خردسال، آتشِ نهفته غریزه اش شعله ور شد، گرفتار بلوغ زودرس گردیده و دودِ ننگ و رسوائیش به چشم پدر و مادر و جامعه می رود!!

اکنون با توجه به اهمیت سلامت فضای آموزش و نظام تعلیم و تربیت و همچنین با توجه به ضرورت آمیختگی تحصیل علم با شایستگی های دینی و معنوی، به معیارها و ویژگی هایی که رعایت آنها در مراکز تحصیل لازم و ضروری است اشاره می شود تا بینیم فضای آموزش و پرورش ما که جایگاه پذیرش آموزه ها و بدآموزی ها می باشد و بیشترین اثر را در خلق و خوی خوب و بد عزیزانمان دارد، واجد این ویژگی ها هست و

ص: ۹۱

یا نیاز به تغییر و تحوّل و دگرگونی نظام موجود می باشد.

معیارهای مدرسه و مراکز تحصیل مطلوب

- ۱_ پایبندی های مذهبی در راستای آموزه های قرآن و دستورالعمل های پیشوایان دین و ایجاد پیوند معنوی و شیرین با خاندان رسالت علیهم السلام.
- ۲_ پیشگیری از تبلیغات ضدّ اخلاقی و ضد دینی و اعتقادی آگاهانه و ناآگاهانه از مکاتب انحرافی.
- ۳_ استفاده و بهره برداری از مدیران، مربیان، معلمان و اساتید مؤمن، معتقد، متعهد و پایبند به آداب و اخلاق دینی.
- ۴_ برگزاری مراسم بزرگداشت اعیاد و وفیات و مجالس مذهبی به منظور عرض ادب به پیشگاه معصومین علیهم السلام و ایجاد زمینه آشنایی با سیره و راه و روش آن بزرگواران.
- ۵_ آموزش احکام، اخلاق و آموزه های دینی، وضو، غسل و دیگر مسائل مذهبی.
- ۶_ برپایی فریضه دینی نماز و برنامه های مذهبی و

التزام به گرفتن روزه در ماه مبارک رمضان و تشویق به حضور در مساجد و مجالس و محافل دینی پربار و مفید به منظور آشنایی عزیزانمان از ابتدای نوجوانی با روحانیون و مبلغین و کارشناسان پخته و با تجربه دینی.

۷_ پیشگیری از اختلاط و ارتباط دختران و پسران و مقابله جدی با هرگونه نفوذ و تهاجم دشمن و پرهیز از پیروی راه و روش شرق و غرب.

۸_ اجراء واجب امر به معروف و نهی از منکر به منظور پیشگیری از ارتکاب و شیوع فساد و گناه.

۹_ حاکمیت امتیت کامل اخلاقی و نظارت و مراقبت جدی بر معاشرت ها و روابط نوجوانان و جوانان با یکدیگر و احیاناً با بعضی از اساتید نفوذی و غیرمذهبی.

۱۰_ انجام برنامه های آموزشی، علمی، تفریحی دسته جمعی سالم و اعزام به اردو و بازدید از مراکز تاریخی و دیدنی با رعایت آداب و اخلاق دینی.

۱۱_ ایجاد کارگاه، آزمایشگاه به منظور انجام کارهای

علمی عملی و پرورش افکار و خلاقیت و ابتکار جوانان.

۱۲ _ ایجاد محیط امن در فضای مدرسه و پرهیز از تنش، بحران و ترس و نگرانی و پرهیز از ایجاد اختلاف، درگیری و تهدید و رفتار عزتمندانه، مهربانانه معلمان، دانش آموزان، دانشجویان با یکدیگر.

۱۳ _ رعایت ادب، نظم، ایثار، فداکاری و تعاون و همکاری.

۱۴ _ استفاده و بهره برداری از کتابها و نشریات سالم دینی علمی، اخلاقی، تربیتی و نمایشگرها و فیلم های مفید در سطوح مختلف.

۱۵ _ ایجاد فضاهای سالم ورزشی به منظور پر نمودن اوقات فراغت.

۱۶ _ رعایت نظافت و بهداشت و آموزش نکات سلامت فردی و اجتماعی.

۱۷ _ برپایی مسابقات دینی و اهداء جایزه به منظور تشویق نوجوانان و جوانان به فراگیری احکام و

ص: ۹۴

۱۸ _ آشنا نمودن محصلین با پیشرفت های صنعتی، علمی و فناوری جهان به منظور پرورش و شکوفایی نیروهای ماهر و خلاق به منظور رفع نیازهای کشور و بی نیازی از بیگانگان.

۱۹ _ ایجاد رابطه مستمر خانه و مدرسه و هم آهنگی برنامه های درسی، تربیتی و اخلاقی فرزندان.

با رعایت نکات و ویژگیهای یاد شده که خوشبختانه در بعضی از مراکز تحصیل رعایت می شود، مدرسه و تحصیل خوب و مطلوب خواهیم داشت و فرزندان عزیز ما افرادی مؤمن، متعهد و پایبند به احکام و آموزه های دینی و تربیت اسلامی بار آمده و زمینه سرافرازی و بی نیازی ملت و کشورمان از اجانب و دشمنان فراهم خواهد شد.

حال به بررسی معضلات مدرسه و تحصیل کودکان در دوره هفت سال دوم زندگی و تربیت عصر جدید در دوران تمدن و فناوری پردازیم و با نگاهی دلسوزانه آسیب شناسی نموده و به فکر چاره و پیشگیری از

انحراف عزیزانمان در برخی مراکز آموزش باشیم.

تهاجم بی رحمانه دشمن به نوجوانان

با کمال تأسف! دشمن که بارها از جوانان معتقد و باایمان شکست خورده، مدرسه و مراکز آموزش را که جایگاه رشد و تحول و شکل گیری فضائل اخلاقی و پرورش، روح فداکاری و سلحشوری نوجوانان و جوانان می باشد، میدان حمله فرهنگی خود قرار داده و با تهاجم سنگین و پیچیده، ایمان و عقیده بیشتر آنها را که عامل اصلی مقاومتشان در برابر تجاوز بیگانگان است کم رنگ نموده و با تعویض بینش فرهنگ اصیل اسلامی و جایگزینی تدریجی فرهنگ غرب، روح فداکاری و شهامت اکثر جوانان را تضعیف نموده است!

استعمار با طرح زمان بندی شده و تبلیغات فریبنده و آموزش های پنهان و آشکار، شناخته و ناشناخته، بدنه مدارس و مراکز آموزش و تعلیم و تربیت را به تدریج از کنترل معلم و کادر مدرسه خارج نموده و گروهی از جوانان و نوجوانان را به سمت وسوی مسائل انحراف

ص: ۹۶

اخلاقی و عقیدتی سوق داده است.

این روند به ویژه در نوجوانانی که در خانه و مهد و کودکستان در محیط آلوده و عاری از معنویت و اخلاق پرورش یافته اند و در معاشرت ها و رفت و آمدها، مراقبت و کنترل نداشته اند، مؤثرتر بوده است.

این نوجوانان را با بدآموزی های مختلف از طریق مدرسه، دوستان، همسالان، وسائل فن آوری، ماهواره، اینترنت، بازی های رایانه ای، تلویزیون، تلفن همراه، رادیو، مجلات به انحراف و فساد کشیده است.

و بالاخره این مسائل مصیبت بار به طور خواسته یا ناخواسته روی داده و به صورت یک دغدغه جدی درآمده است!

البته همانطور که بازگو شد هدف از عنوان کردن این دغدغه های تلخ، محکوم نمودن همه مسئولان امور تربیتی و مراکز آموزشی و کلیه دانش آموزان و محصلین عزیز نیست.

چرا که خوشبختانه، معلمین و اساتید، مسئولان متعهد و مؤمنی وجود دارند که نوجوانان و جوانان عزیز

ص: ۹۷

را براساس تربیت دینی و فطرت پاکشان پرورش داده و دلسوزانه از آنان مراقبت و محافظت می نمایند که به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

۲ کودک دبستان به اتفاق معلمان پرورشی خود که مردانی بافراست و باایمان بودند به دفتر کار نگارنده تشریف آوردند. این کودک عزیز و نازنین، حافظ بخش هایی از قرآن مجید بودند که با صدای زیبا و دلنشین خود، جمع حاضر را مستفیض نمودند و پس از آن با همان نوای دلسوزشان مداحی و مرثیه سرایی با شور و حالی در مصائب خاندان رسالت علیهم السلام اجرا نمودند که همه حاضران را متأثر و منقلب کردند. لطف پروردگار بزرگ و عنایت اهل بیت علیهم السلامگوارایشان باد.

و همچنین به یکی از دبستانهایی که حدود ۵۰۰ نفر از کودکان یتیم مشهد مقدس را پذیرش کرده اند، دعوت شدم که مسئولین و معلمین مؤمن و مخلص مدرسه، کودکان عزیز را با آداب و احکام دین و آموزه های مذهبی پرورش داده و از کلاس های آنان نوای دلنشین قرائت قرآن و سرود و اشعار دینی به گوش می رسید.

و همچنین پس از درخواستِ مسئولین برخی دبیرستان های دخترانه مشهد مقدس، جلد اول کتاب حجاب در اختیار دختران نوجوان قرار گرفت و پس از چند روز، صدها نامه باشور که حکایت از احساس پاک و فطرت الهی دختران نوجوان داشت به دفتر انتشارات طوس رسید که بدون تعارف، تحویل فوق العاده و مطالب زیبا و ارزنده این نامه ها که نتیجه سعی و تلاش و فداکاری دلسوزانه مدیران، معلمان و مسؤلان این مدارس بود، بیشتر از انتظار بود و انشاءالله، مطالب جلد پنجم این کتاب را اختصاص به تعدادی از این نامه های زیبا و پرمحتوا خواهم داد.

این نوباوگان عزیز که به مقتضای سرشت و فطرت پاکشان و ارشاد و تلاش دلسوزانه معلمین دلسوزشان در مسیر کمال و ترقی قرار گرفته اند، مورد افتخار و مباهات پدر مهربان امام زمان ارواحنا فداه هستند و حجت و برهان بر همه کودکان و نوباوگان در پیشگاه پروردگار بوده و موجب شادی و سرافرازی اولیاء و خانواده ها می باشند.

امّا صد افسوس! در کنار این مراکز تحصیل و دانش آموزان و معلّمان باایمان برخی از مراکز تحصیل، جبهه نفوذ دشمن گردیده و استعمار قلب و فکر عزیزان ما را در آن مراکز تحصیل میدانِ حمله فرهنگی خود قرار داده است!

اکنون به چند نمونه از ماجراها و گزارش های تلخ و مصیبت باری که در برخی مراکز تحصیل و مسیر رفت و آمد مدرسه اتفاق افتاده اشاره می شود تا اولیاء و پدر و مادرها در جریان شگردها و حملات شناخته و ناشناخته و تبلیغات ضداخلاقی دشمن در فراهم نمودن زمینه انحراف عزیزانمان قرار بگیرند!

توزیع آرم شیطان پرستی در کلاس اول دبستان!

پدری دلسوخته می گفت:

پسر ۷ ساله ام در یکی از روزهای اول ورود به دبستان، تصویری از مدرسه آورده بود که خودش هم از ماهیت آن تصویر اطلاع نداشت.

پس از بررسی معلوم شد، تصویر، آرم شیطان پرستی

ص: ۱۰۰

است که به وسیله یکی از بچه های مدرسه به کودکان دبستان داده شده است!!

خبرهایی که لرزه بر اندام می اندازد

پس از تعطیل شدن مدارس، اگر سری به خیابان های خلوت شهر بزنی، دخترها و پسرهایی را در سنّ و سال پایین با کیف و کتاب مدرسه می بینی که در کنار هم قدم می زنند!

سنّ و سال این دخترها و پسرها بقدری پایین است که موجب نگرانی مسئولان از جمله مدیر کل فرهنگی سازمان ملی جوانان و مدیر کل دفتر پیشگیری سازمان بهزیستی گردیده و نسبت به این پدیده هشدار داده اند و مسئولان آموزش و پرورش و خانواده ها هر راهی را برای مقابله با آن رفته اند، به جایی نرسیده اند!

... بنا به گفته مدیر کل فرهنگی سازمان ملی:

وقتی برخی خانواده ها از آموزه های دینی و هویت اسلامی فاصله گرفته و به راحتی ماهواره و دیگر وسایل مبتذل و گاه حتی سریال های تلویزیونی را میهمان خانه

ص: ۱۰۱

می‌کنند، عملاً عدم پایداری به اصول خانواده‌ها و ارزش‌ها را ترویج می‌کنند و نباید انتظار داشت دختر و پسرشان حتی در سنّ و سال پایین‌گرد آسیب‌های اجتماعی نگردند!...

این مسئول سازمان ملی اضافه می‌کند:

آمارهای سازمان بهزیستی حاکی از کاهش سنّ دوستی‌های خیابانی است! حتی دختر و پسرهای در سنین ۱۰ و ۱۱ سال (محصلین دوره دبستان) دنبال دوستی‌های خیابانی رفته‌اند! و در این میان، خانواده‌گناه را به گردن جامعه و مدرسه می‌اندازد و مدرسه خانواده را مقصر می‌داند. در حالی که هر دو طرف مقصر هستند و در این زمینه وظیفه دارند!

بنا به گفته این مسئول:

آنچه در حال حاضر به عنوان دوستی‌های خیابانی مطرح است، برگرفته از الگوهای غربی است که در جامعه ما پیاده می‌شود و متأسفانه قبح آن از بین رفته است و بسیاری از دختران و پسران آن را زشت نمی‌شمارند، بلکه آن را ارزش نیز تلقی می‌کنند و با

ص: ۱۰۲

تعریف و تمجید در گروه همسالان، بسیاری از نوجوانان نیز به این مسئله روی می آورند!

این مسئول افزود:

آنچه ما براساس آمار و اطلاعات می گوئیم این است که وضعیت جامعه در زمینه دوستی های خیابانی و آسیب های ناشی از آن، وضعیت هشدار دهنده ای است! چرا که هر سال شاهد رواج و افزایش پدیده دوستی های خیابانی هستیم که آسیب هایی همچون بزهکاری جوانان و نوجوانان (در سنین پایین) فرار از منزل به ویژه در میان دختران و اعتیاد به مواد مخدر سنتی و روان گردان ها را به دنبال دارد...[\(۱\)](#)

این ماجرای تکان دهنده را نیز بخوانید:

توزیع تصاویر مستهجن به وسیله دانش آموز دبستانی

معلم یکی از دبستان های مشهد مقدس می گوید:

پس از مشاهده رفتار مشکوک یکی از محصلین

ص: ۱۰۳

خردسال، این محصل نوجوان به دفتر مدرسه احضار گردید.

در بازرسی از کیف این دانش آموز، تعداد زیادی عکس های مستهجن زنان... مشاهده شد که وی برای توزیع بین محصلین دبستان آورده بود!!

پس از این ماجرا، پدر این کودک خلافکار به مدرسه احضار شد تا در جریان رفتار ناپسند فرزندش قرار بگیرد.

امّا با کمال تأسف! پس از گفتگو با وی، معلوم شد این پدر عاری از غیرت در جریان رفتار فرزند نوجوانش بوده و مسئله تصاویر مستهجن در خانه آنها یک مسئله عادی است و استفاده از این گونه تصاویر در فضای خانه آنها هیچگونه قبح و زشتی ندارد!!

این رسوائی ها نتیجه نفوذ کامل دشمن است که جنایتکاران ۸ ساله و ۹ ساله پرورش می دهد! آیا باز هم جامعه، آزادی به سبک غرب را که به نام آن این همه جنایت انجام می شود، سودمند می داند؟! و آیا این ماجراهای مصیب بار آزادی است یا استثمار!؟!!

ص: ۱۰۴

بیچاره پسر! بیچاره پدر و مادر، و بیچاره جامعه و مسئولین که در فکر چاره نیستند! بلکه به جای چاره، شاهد و ناظرِ مرگِ جانسوزِ اخلاق و معنویت نونهالان و جوانان هستند!!

دخترکانِ معصوم، قربانی راه مدرسه!

مرد ۵۹ ساله شیطان صفتی توسط مأموران آگاهی مشهد شناسایی و دستگیر شد.

وی در مراحل مختلف بازجویی به ۶۰ مورد فریبِ دختر بچه های بی گناه ۶ تا ۱۰ ساله در راه مدرسه و بردنِ آنها به مناطق خلوت حاشیه ی شهر و... اعتراف کرد. (۱)

نوجوان ۱۷ ساله ای که دختر بچه ۷ ساله ای را در راه بازگشت از مدرسه ربوده بود و پس از ... او را به طرز فجیعی به قتل رسانده بود، دستگیر شد و به جرم هولناک خود اقرار کرد؟ (۲)

ص: ۱۰۵

۱- _ روزنامه شهر آرا: ۹۴۷ تاریخ ۲۹/۶/۱۳۹۱

۲- _ روزنامه خراسان: ۱۷۷۳۹ تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۸۹

یک مادر دلسوخته:

نمی دانم چرا بعضی از والدین این قدر بی فکر هستند؟! من و همسرم سعی کردیم که فرزندمان را به دور از برنامه های اخلاقی بزرگ کنیم... اما تصور کنید، هم کلاسی پسر من که سال چهارم ابتدایی است! تلفن همراه به مدرسه آورده و تصاویر مستهجن و روابط ... را برای دوستانش پخش کرده است!

این مادر دلسوخته در حالی که گریه می کرد اضافه نمود: شما بگوئید، من با این اتفاق تأسف بار چه کار کنم؟! پسر ۱۱ ساله ام این تصاویر را جزء به جزء برایم تعریف کرد و این نشان می دهد که این تصاویر زشت در ذهن او نشسته است! چگونه باید این تصاویر را از ذهن صاف کودک معصوم پاک کنیم؟! (۱) و این در حالی است که ورود تلفن همراه در مدارس تمامی ۱۹۲ کشوری که عضو سازمان ملل هستند ممنوع می باشد.

ص: ۱۰۶

و این هم نمونه هایی از جرایم ممنوعیت تلفن همراه در مدارس کشورهای دنیا:

در عربستان: ۹۰ ضربه شلاق.

در قبرس و هند: کسر نمره انضباط و درج در پرونده.

در کانادا و اسپانیا: اخراج موقت اگر گوشی روشن باشد.

در سوئد: اخراج دائم اگر در حال فیلم برداری یا عکاسی باشد.

در استرالیا: اگر در کلاس زنگ بخورد، گوشی ضبط می شود.

در قطر: جریمه معادل ۵/۱ میلیون تومان.

در ایران: گرفتن گوشی تا یک هفته و در صورت تکرار تا پایان سال. (۱)

ص: ۱۰۷

این گزارش را نیز بخوانید:

مدیر کل حوزه پیشگیری از آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی:

بررسی ها نشان می دهد، بسیاری از بلوتوث های غیراخلاقی که باعث گرایش افراد به سیگار، مواد مخدر، مشکلات جسمی (و جنسی)، روانی و ایجاد بلوغ زودرس گردیده، توسط هم کلاسی های ناباب و حتی در محیط مدرسه، رد و بدل می شود!^(۱)

آری! وقتی که پدر و مادرها از گذاشتن وقت برای سرگرمی و تربیت فرزند مضایقه نموده و کودک خود را بدون تحقیق و مراقبت به کودکستان و مدرسه فرستاده و به علت اشتغال و کار هر دو در بیرون خانه و خستگی فراوان نظارتی بر معاشرت و رفتار او نداشته و حتی فرصت و حوصله محبت نمودن به کودک معصوم خود را ندارند، کودک احساس استقلال نموده، به محیط مدرسه دل می بندد و با یافتن همسالانِ نظیرِ خود، از خانه و خانواده جدا شده، گرفتار دوستان ناباب گردیده،

ص: ۱۰۸

عوامل انحراف به سراغش آمده، مبتلا به گناه و احیانا، اعتیاد و بحرانهای روانی می شود. در صورتی که محبت به فرزند موجب می شود، کودک براساس عاطفه فطری با پدر و مادر دوست و رفیق شود، مشکلات خود را با آنان در میان بگذارد و والدین هم او را راهنمایی کنند تا گرفتار همسالان و دوستان منحرف و ناباب نشود.

این روایات زیبا را در زمینه تأکید اسلام به محبت فرزند به ویژه، دوست داشتن دختر که نیاز بیشتری به مراقبت دارد بخوانید:

امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت موسی علیه السلام از خداوند پرسید: کدام عمل نزد تو بهترین اعمال است. خداوند پاسخ داد: دوست داشتن کودک. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

فرزندان خود را زیاد ببوسید، زیرا با هر بوسه ای درجه ای برای شما در بهشت خواهد بود و فاصله

ص: ۱۰۹

هر درجه، پانصد سال راه است. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

کسی که به بازار رفته، تحفه و هدیه ای خریده و آن را برای خانواده اش بیاورد، مانند کسی است که برای نیازمندان صدقه برده باشد و باید در دادن آن هدیه، دختران را بر پسران مقدم داشته و ابتدا به دختران بدهد، زیرا کسی که دختران را خوشحال نماید، گویا یکی از فرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام را از بردگی آزاد نموده است، و کسی که پسری را خوشحال کند، گویا از عظمت خداوند گریسته است و خداوند او را به بهشت می برد. (۲)

ص: ۱۱۰

۱- _ همان: ۹۲.

۲- _ ثواب الاعمال: ۴۳۳، مترجم، چاپ نشر اخلاق.

در این مرحله از زندگی با نوجوان حدود چهارده سال مواجه هستیم که به مقطع راهنمایی و سپس به دبیرستان راه می یابند. این سنین که دوران بیداری غرایز و احساسات جنسی می باشد، بحرانی ترین دوران زندگی نوجوان است و آنان را دچار حیرت و اضطراب و سردرگمی می نماید.

نوجوان این دوران چنانچه در خانواده و مدرسه مطلوب، تحت تربیت و آموزش صحیح دینی پرورش یافته باشند، دوران پر مخاطره بلوغ را با آرامش پشت سر گذاشته و برای خانواده و جامعه، افرادی مؤمن،

متعهد، مؤدب و باشخصیت خواهند بود که به نمونه‌هایی از احساس پاک این نوجوانان در بعضی از مراکز تحصیل اشاره شد. اما نوجوانی که در خانه و مدرسه از تربیت و تعلیم مطلوب و صحیح برخوردار نبوده، تلخ‌ترین و پرمخاطره‌ترین دوران را در پیش داشته، از خانه و خانواده جدا شده و مهر و علاقه خود را به پای همسالان و هم‌کلاسی‌های خود می‌ریزند. آنها پس از جدا شدن از خانواده و معاشرت با دوستان ناباب، گرفتار تفریحات ناسالم، وسایل مخرب و فاسد و احیاناً اعتیاد، انحرافات جنسی و آلودگی به امراض روحی و روانی می‌گردند و متأسفانه تعداد این نوجوانان فراوان است. و این وضعیت نکبت‌بار نتیجه تلخ وابستگی به نظام صنعتی و دنیای تکنولوژی بدون فرهنگ است که بیشترین اثر سوء را بر نظام خانواده به ویژه بر کودکان، نوجوانان و جوانان داشته است.

جامعه را از سنت‌ها و تربیت‌های اصیل دینی جدا

ص: ۱۱۲

نموده و در مسیر تهاجم سنگین فرهنگیِ مرئی و نامرئیِ دشمن و فیلم‌ها و رسانه‌های مخرب و ویرانگر قرار داده است.

فرزندان این جامعه، فرزند خانواده خود نیستند، بلکه فرزند وسائل و برنامه‌ها تحمیلیِ فناوری بوده و با کمال تأسف خودشان را گم کرده و در اضطراب مستمر و مبهم به سر می‌برند!

حالا به مدارس راهنمایی و دبیرستان می‌رویم تا ببینیم آیا همه عزیزان ما در این مقاطع تحصیل از برنامه‌های دینی، تربیتی و اخلاقی برخوردار هستند؟ و در مدرسه‌ی مطبوع آموزش می‌بینند؟ و بالاخره، خروجی این مدارس چیست؟!

این گزارش‌های تلخ و تکان‌دهنده را بخوانید:

دانش‌آموزان راهنمایی و اعتیاد

یک روان‌شناس و کارشناس مشاوره اعتیاد:

سنّ اعتیاد کاهش یافته و به ۱۳ سال رسیده است. گروه بزرگی شامل دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستانی

ص: ۱۱۳

فساد و انحراف نوجوانان در مدارس راهنمایی

آقای دکتر صبور اردوبادی به نقل از کارشناس امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش که ۲۰ سال در محیط های درسی و تحصیلی با جریانات و مشکلات اخلاقی معلمان و محصلین مواجه بوده به عنوان هشدار به جامعه اسلامی و مقابله با خطرات جدی اخلاقی موجود در مقاطع تحصیلی مطالبی را یادآور شده که خلاصه آنها بازگو می شود:

در سال ۱۳۶۳ که در وزارت آموزش و پرورش در واحدهای آموزشی کشور به عنوان کارشناس مراکز تربیتی مشغول انجام وظیفه بودم، از نزدیک در جریان گزارشات مکرر تأسف باری قرار گرفتم که از مدارس کشور و یا از طریق مسئولین مختلف رده بالایی کشور به صورت نامه های رسمی واصل می گردید که همگی حکایت از فساد و انحراف دانش آموزان در سنین حدود

ص: ۱۱۴

بلوغ در مدارس راهنمایی، دبیرستان و مراکز تجمع جوانان و نوجوانان می کرد!

در این نامه ها مسئولین امور تربیتی مدارس در مورد مشکلات موجود در جوانان و نوجوانان، صراحتاً اظهار عجز و درماندگی نموده و در مقام چاره جویی برآمده بودند!

پس از نشست ها، گردهمائی ها و مشورت ها با مسئولین مختلف به این نتیجه رسیدیم که برای حل مشکلات موجود، دست به دامان محافل مذهبی شده و با استفاده از اساتید و مدرسین درس اخلاق در حوزه ها، روش اصولی مقابله با فساد و مسائل جنسی در مدارس را فرا گرفته و به اجرا درآوریم.

به این منظور، هیئتی از مسئولین، مأمور انجام این کار شده و به خدمت دو نفر از اساتید درس اخلاق که در حوزه و دانشگاه تدریس می کردند رسیده و مشکلات جوانان و نوجوانان را مطرح نمودیم.

هر دو بزرگوار حل نشدن این مشکل را در شرایط فعلی یادآور شده و اظهار داشتند: این مشکل اساسی

ص: ۱۱۵

جامعه ماست و مدتی است که مشغول تحقیق و بررسی راه های عملی مقابله با این بحران جدی هستیم، هنوز راه عملی پیدا نکردیم و اگر این بررسی ها به نتیجه رسید شما را آگاه می سازیم و تا امروز که حدود سه سال از این ماجرا می گذرد، خبری نداده اند. (۱)

این گزارش تکان دهنده مربوط به حدود ۲۹ سال قبل می باشد که مردم و جامعه آن روز به خصوص نوجوانان و جوانان، گرایش های دینی بیشتری داشتند و به ارزش های اخلاقی، دینی و تربیتی، اهمیت بیشتری می دادند.

تهاجمات فرهنگی، وسایل مبتذل فناوری و استفاده بدون فرهنگ از تکنولوژی، مفاسد اخلاقی و انحرافات جنسی به این گستردگی نبود.

اما با کمال تأسف! در حال حاضر، وضعیت اخلاقی بیشتر جوانان و حتی دخترها و پسرهای نوجوان در محیط های تحصیل و کوچه و خیابان حتی در اماکن مذهبی از خط قرمز تجاوز کرده و به مرز هشدار و

ص: ۱۱۶

بحران رسیده است!!

آری! وقتی که در دوران شکل‌گیری شخصیت کودکان به آموزه‌ها و بدآموزی‌های آنان توجه نشده و هر چه که نوگلان ما را از مسیر حیا و نجابت دور می‌نماید از سر راهشان دور نموده، به پوشش، حجاب، معاشرت، انتخاب مدرسه خوب و دوستان، مسیر رفت و آمد مدرسه دقت و مراقبت نشود، خواهی نخواهی عزیزان ما گرفتار فساد و انحراف اخلاقی و دینی شده و مسئولین امور تربیتی در مورد اصلاح آنان اظهار عجز و ناتوانی می‌نمایند.

این گزارش‌های تلخ را از روزنامه خراسان بخوانید:

دختر، کو ندارد حجابِ مادر!

... یکی از ضرب‌المثل‌های قدیم که شاید امروز تاریخ مصرفش رو به اتمام باشد. مثال معروف «مادر را ببین، دختر را بگیر» است.

در گذشته بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی، دختر به مادرش می‌رفت، به طوری که کسی به راحتی می‌توانست بفهمد که فلان دختر، دختر کدام مادر است.

ص: ۱۱۷

اما حالا، دوره زمانه عوض شده‌است و باید بگوئیم: «همکلاسی و دوستان واقعی و مجازی را ببین، بعد اگر جرأت کردی، برو دختر را بگیر!»

اینها گزارشی است که در خیابان‌های شهر، کم و بیش با آنها مواجه هستیم:

خانمی با پوشش سنگین و متین و چادری مشکی که با یک کِش چادرش را روی سرش جمع کرده بود، همراه دخترکی که اصلاً شبیه او نبود، نظرم را جلب کرد.

دخترک به نظرم، اوّل یا دوم ابتدائی است، بلوزی نیم آستین و شلواری چین دار به پا دارد و در حالی که قید مقنعه و روسری و شال را هم زده، با گیسوانی شانه کرده در حالی که بستنی چوبی اش را گاز می زد، دست در دست مادرش داشت!

از او در خصوص کیفیت پوشش دخترش سؤال می کنم، در جواب می گوید: هنوز بچه است!

می گویم، ۸ سال هم سنّ کمی نیست، او سال دیگر به سنّ تکلیف می رسد، فکر نمی کنید، پذیرش ناگهانی چادر برای او که حالا این چنین در خیابان رفت و آمد

ص: ۱۱۸

می کند، کمی سخت باشد؟!

او (همین جمله کلیشه ای را) پاسخ می دهد: اگر این طور لباس بپوشد، وقتی چادر را به او معرفی کنم، راحت تر می پذیرد و عُنقده ای نمی شود...!

دوباره از او سؤال می کنم: مگر شما که به قول خودتان از کودکی و قبل از رفتن به مدرسه، چادر سر می کردی، الآن عُنقده ای دارید؟!

این بار کمی فکر می کند و می گوید: نه! پدرم به حجاب من و خواهرانم بسیار اهمیت می داد و ما از بچگی یاد گرفته بودیم که حتی اگر یک لحظه به کوچه برویم، باید چادر سرمان کنیم و همین مسئله هم باعث شد که این کار برای ما عادت بشود، ولی ترس من این است که، بچه های امروزی به دلیل تیزهوشی که دارند، این تربیت را یک نوع اجبار تلقی کنند و از پذیرش آن سرباز زنند.

و من به او پاسخ دادم: به عکسش فکر نکرده اید که اگر همین حجاب در کودکی از نظر او بهترین حجاب شناخته شود، دیگر امکان تغییر عقیده در او تقریباً

ص: ۱۱۹

غیرممکن می شود...

پس از ورود به دبیرستان، حجاب دخترم خیلی کم شد

مقابل مجتمع تجاری می روم. خانم چادری را که با مأمور گشتِ ارشاد که دخترش را به خاطر رعایت نکردن حجاب بازداشت کرده اند، در حال گفتگو مشاهده می کنم....

مادر این دختر جوان که خودش حجاب خوبی دارد می گوید: باور کنید که نه من و نه پدرش دیگر حریفش نمی شویم! هر چه می گوئیم فایده ای ندارد و کار خودش را می کند اتفاقاً یک بار دیگر هم او را گرفته اند ولی تعهد داد و آزاد شد، اما فکر می کنم این بار کارش به دادگاه بکشد!

از او درباره حجاب دختر ۲۷ ساله اش در دوران نوجوانی می پرسم که می گوید: خیلی سخت نمی گرفتیم، خانواده ما کلاً روی بحث حجاب سخت گیر نیست. البته حجابِ دخترم تا سن دبستان بد نبود ولی از وقتی که به دبیرستان و به خصوص دانشگاه رفت، حجابش خیلی

ص: ۱۲۰

کم شد و هر چقدر من و پدرش گفتیم فایده ای نداشت! (۱)

آری! این وضعیت مبتذل نتیجه بی تفاوتی و بی توجهی پدر و مادرها نسبت به حجاب، عفاف دخترانشان می باشد که در حال حاضر نه تنها کوچه، خیابان و بعضی از مراکز تحصیل را آلوده نموده، بلکه به فضاهای معنوی نیز سرایت کرده و حریم های پاک و مقدس امامان معصوم علیهم السلام را نیز به گناه و فساد آلوده کرده است!!

دختران و زنان ادب و حرمت اماکن مذهبی را پاس نداشته و زمینه شرمندگی ما را در برابر زائرین دیگر کشورهای اسلامی که اکثراً باحجاب کامل و حتی با پوشش چهره به کشورمان آمده اند فراهم می نمایند.

طاعون اخلاقی در حریم امام هشتم علیه السلام

گرچه ماجرای را که بازگو می نمایم ارتباط کامل با موضوع کتاب ندارد، اما از آنجا که این اتفاق هنگام نوشتن این مطالب پیش آمد و ماجراهایی چنین

ص: ۱۲۱

دردناک در کنار بارگاه نورانی امام رئوف علی بن موسی الرضا علیهماالسلام در شب های قدر ماه مبارک رمضان، ماه عبادت، دعا، قرآن و مناجات و در لیالی شهادت امام مظلوم امیرالمؤمنین علیه السلام، از زائرین امام هشتم علیه السلام آن هم در برابر هیئت عزاداران، جفای آشکار و گناهی بزرگ می باشد، ناگزیر از یادآوری آن هستیم.

تا ملت مسلمان و مسئولان اخلاق و تربیت مملکت اسلامی و کشور امام زمان علیه السلام در جریان فروپاشی اخلاق و معنویت و نابودی حیای زنان و غیرت مردان این مرز و بوم قرار گرفته و در فکر چاره و اصلاح وضعیت نکبت بار موجود برآیند.

ساعت حدود ۱۱ شب بیستم ماه مبارک رمضان جاری (۱۴۳۴ هـ . ق مرداد ۱۳۹۲) در حال عبور از حاشیه خیابان امام رضا علیه السلام که منتهی به بارگاه ملکوتی امام ثامن علیه السلام می شود بودم صدای عزاداری جمعیت شیعیان احصاء و قطیف عربستان با شور و حال خاصی مردم عابر را به خود جلب می کرد.

جمعیتی حدود ۲۰۰ نفر از مردان، جوانان و

ص: ۱۲۲

نوجوانان شیعه عربستان با لباس های سیاه، متین و باوقار در حالی که نوحه می خواندند و بر سینه می زدند، صدای محزونشان از چند بلندگو طنین انداز بود.

و جمعی از زنان آنها که همراه مردانشان برای عرض تسلیت به پیشگاه مقدّس حضرت ثامن الحجج علیه السلام عازم تشریف بودند، همگی با چادرهای سیاه و پوشش های سرتاسری در حالی که حتّی صورت های خود را پوشیده بودند، در کمال وقار و متانت، آرام و بدون سر و صدا حرکت می کردند.

امّا آنچه تلخ و دردناک به نظر می رسید، وضعیّت مبتذل زنان و دختران انبوه زائر ایرانی بود که با ظاهر زننده و تحریک کننده و با پوششهای مبتذل و حرکات وسوسه انگیز در حاشیه خیابان در حال رفت و آمد بودند!

این زنان و دختران، بدون هیچگونه توجّه به موقعیّت و معنویّت لیالی قدر و ماه مبارک رمضان و بدون توجّه به حضور در حریم امام هشتم علیه السلام و قرار گرفتن در کنار هیئت عزاداران امام مظلوم

امیرالمؤمنین علیه السلام، با حالتی غیرعفیفانه به سوی بارگاه

امام رضا علیه السلام در حرکت بودند!

برزخ سختی بود! برزخی بین نور و ظلمت! از یک سو، نوریانی که در سوک و عزای مولای مظلوم امیرالمؤمنین علیه السلام ریخته و به سر و سینه می زدند.

و از سوی دیگر، ظلمت هایی که در ردیف عزاداران امام مظلوم علیه السلام با جلوه گری و خودنمایی حریم های

اخلاقی را به سخره گرفته و دل و دین مردان و جوانان را به لرزه درآورده و شور حال زائرانی را که با قلب شکسته و چشمان پراشک عازم زیارت و عزاداری بودند به هم می ریختند!!

وضعیت پوشش زنان و دختران به حدی زننده و رسوا بود که غیرتمندان از سر غیرت و شرمندگی و تأثر در برابر زائران دیگر کشورهای اسلامی که با حجاب کامل و پوشش چهره به زیارت آمده بودند، سر به زیر انداخته و دلشان به درد می آمد!!

و تأسف بارتر اینکه: در محرم سال بعد، ۲ زن جوان، بدون چادر، با لباس های مبتذل در بین انبوه مردان

عزادار زنجیرزن و در مقابل نگاه جمعیت فراوان در نزدیک بارگاه نورانی امام رضا علیه السلام، به طرز حرفه ای و وسوسه انگیز زنجیر می زدند و به اصطلاح با شور و هیجان فراوان برای امام حسین مظلوم علیه السلام که خود و خاندان عزیزش قربانی دین و حجاب شدند، عزاداری و نوحه سرایی می نمودند!

شرمشان باد! و نفرین بر مردان عاری از غیرتی که شاهد منظره رسوای حرمت شکنی و توهین و جسارت به ساحت قدس امام حسین علیه السلام بودند و دم نمی زدند!!^(۱)

آیا این صحنه های مبتذل و رسوا موجب هتک حرمت و حیثیت و آبروی ملت و کشور اسلامی عزیزمان که ادعای پیروی از اسلام و امامان معصوم علیهم السلام را دارد، در برابر مردم دنیا نمی شود؟!!

و آیا این رفتار نکبت بار، قلب نازنین و مسموم امام غریب و مظلوم علی بن موسی الرضا علیهم السلام را به درد نمی آورد؟!!

ص: ۱۲۵

۱- تصویر این صحنه مبتذل که در صفحه تلفن همراه ضبط شده موجود است.

این ماجرای تکان دهنده را بخوانید:

جریحه دار شدن قلب نازنین امام هشتم علیه السلام

مردی به اتفاق همسرش به زیارت امام رضا علیه السلام

مشرف شد. همسر این مرد پس از ۲ روز توقف اصرار کرد که همین امروز باید به وطن مراجعه کنیم!

مرد بیچاره اظهار کرد که با تحمل مشقت از راه دور آمده ایم، بهتر است چند روز دیگر بمانیم تا زیارتمان کامل گردد.

اما همسرش راضی به ماندن نمی شد و همچنان اصرار داشت که همان روز مشهد را ترک نموده و به سوی شهر خود مراجعت نمایند.

وقتی که مرد نتوانست همسرش را از رفتن منصرف نماید علت اصرار او را جویا شد، زن اظهار داشت:

حقیقت این است که دیشب در عالم خواب محضر امام رضا علیه السلام مشرف شدم، عرض ادب و اظهار ارادت

نمودم، اما آن بزرگوار اعتنایی به من نفرمودند.

من که به زیارت آن بزرگوار آمده بودم، گلایه کردم و علت بی اعتنایی آن حضرت را سؤال کردم:

ص: ۱۲۶

امام مظلوم و مهربان، سینه مجروح خود را نشان داد و فرمود: دیروز که به حرم برای زیارت آمدی، قسمتی از بدن تو در معرض نگاه نامحرمان بود! رفتار زشت تو، سینه ام را مجروح نموده و قلبم را به درد آورد. (۱)

خانم و دختر خانم مسلمان!

وقتی که حریم شکنی یک زن، قلب نازنین امام هشتم علیه السلام را مجروح می نماید! این همه حریم شکنی ها، بدحجابی ها و ناهنجاری ها که منجر به نگاه های مسموم و آلوده مردان و زنان به یکدیگر در حریم امام رئوف و مهربان می گردد، با قلب مجروح و سوخته آن بزرگوار چه می کند!!

امید است دل من و شما هم از مشاهده این صحنه های تلخ و ناگوار بسوزد به غفلت، بی تفاوتی و سهل انگاری پایان داده، غیرتمندانه از عفت، حجاب و حیثیت نوامیس مان پاسداری نمائیم.

ص: ۱۲۷

و امید است، دل مسئولین فرهنگ و تربیت هم بسوزد و فاجعه تلخ سقوط اخلاق و معنویت زنان و مردان را در کشور امام زمان علیه السلام جدی گرفته و برای التیام دل سوخته و داغدار آن بزرگوار و برطرف کردن سوز دل مردم باایمان و غیرتمند، اقدام عملی مؤثری انجام داده وضعیت اخلاق و حجاب کشور عزیز اسلامیمان را که حاصل فداکاری های طاقت فرسا و خونهای پاک انبیاء، معصومین علیهم السلام و هزاران شهید در طول تاریخ است، سامان داده و اجازه ندهند امنیت اخلاقی و حیثیت جامعه اسلامی بیش از این جریحه دار گردد!

و امید است، دل دختران و زنان مسلمان نیز بسوزد و با رفتار غیرعفیفانه خود نسبت به امام رئوف و مهربان علیهم السلامجفا نکرده و زمینه غم و اندوه آن بزرگوار را فراهم نمایند.

و امید است، دل گویندگان و نویسندگان روشنفکر نیز بسوزد تا از سر مصلحت اندیشی، محافظه کاری و رعایت مقتضیات زمان، مسئله بااهمیت حجاب را با

ذوق و سلیقه خود، تفسیر و توجیه ننموده و دشمن را در راه رسیدن به اهداف شومش بیش از این یاری ننمایند.

و توجه داشته باشند که مسئله فعالیت های آزاد اجتماعی، رفت و آمدهای بدون قید و شرط و اختلاط و ارتباط های محرم و نامحرم در وضعیت آلوده کنونی، محصول تلخ به حاشیه بردن مسئله حجاب و جدا نمودن زنان و دختران از خانواده می باشد که اکثر زنان و دختران را بی تقوا نموده و ریشه بیشتر جرایم و جنایات گردیده اند و نتیجه اش فروپاشی امنیت و اخلاق جامعه و طاعون اخلاقی، حتی در حریم ملکوتی امام هشتم علیه السلام گردیده است!!

بازگشت به مطلب

تربیت دینی و اخلاقی دانش آموزان نظام آموزش و پرورش

دکتر سعید رضوانی:

علی رغم جدیت و تلاش برای توجه به ساحت دینی و اخلاقی، نظام آموزش و پرورش در تحوّل عملکرد

ص: ۱۲۹

دینی مخاطبان خود توفیق چندانی نداشته است.

... مجموع گزارش‌ها نشان می‌دهد که تعداد نمازخوان‌ها و به‌جا‌آورندگان سایر مناسک (روزه و...) از تعداد معتقدان به خدا و معاد کم‌ترند و تعدادی از این جوانان در سطح اعتقاد و نگرش و انگیزش مثبت نسبت به دین و آموزه‌های آن متوقف مانده‌اند و به دلایل مختلف برای به‌جا‌آوردن این مناسک رغبتی نشان نمی‌دهند...

در بُعد رفتارهای دینی و رعایت حلال و حرام نیز وضعیت به همین صورت و بلکه بسیار نامطلوب‌تر است.

این مسئله به خصوص در رفتارهای لذت‌طلبانه همسو با روحیات نسل جوان، نظیر استماع موسیقی و روابط دختر و پسر، کاملاً مشهود و شایع است و تقریباً می‌توان نتیجه گرفت که حدود نیمی از جوانان در موارد یاد شده براساس تمایلات نفسانی و نه دستورهای دینی و عقل، عمل می‌کنند.^(۱)

ص: ۱۳۰

۱- نقدی بر روش تربیت‌های دینی: ۱۱۳ و ۱۱۵.

روابط نامشروع دختران و پسران در دوران تحصیل

حال ماجرای تلخ و تکان دهنده ای از آسیب پذیری و روابط نامشروع دختران و پسران در مقطع آموزش راهنمایی و دبیرستان که حساس ترین و پرمخاطره ترین دوران عمر آنها می باشد، بازگو می شود تا پدر و مادرها به خصوص مادرها، برای عزیزانشان وقت گذاشته و به جای کار و فعالیت بیرون خانه، به تربیت و آموزش آداب دینی و کیفیت معاشرت و برخورد آنان با بیگانگان پرداخته، عزیزانشان قربانی غفلت و بی تفاوتی پدر و مادر نشوند.

ضمناً ماجراهایی که بازگو می گردد به خاطر رعایت عفت عمومی و پیشگیری از اثرگذاری منفی کاملاً سانسور گردیده و حتی الامکان مطالب ضداخلاقی آن حذف گردیده است.

آسیب های مسیر مدرسه! پدر و مادرها در خوابند!

دختر ۱۷ ساله ای که قربانی آسیب مسیر مدرسه گردیده ماجرای تلخ زندگی را بازگو می نماید:

ص: ۱۳۱

ناصر سر راه مدرسه ام مغازه داشت، پسر باوقاری به نظر می رسید. یک روز به مغازه اش رفتم و با یکدیگر صحبت کردیم.

پس از شنیدن جملات احساسی ناصر فکر کردم مرد زندگی ام را پیدا کرده ام و با این خیال واهی خیلی راحت با او ارتباط برقرار کردم.

چند ماهی گذشت و من احساس عجیبی پیدا کرده بودم. تا اینکه یک روز پس از گفتگوهای عاطفی، از تشکیل زندگی و برپایی جشن عروسی باشکوه در باغ ویلایی و... قرار شد به دلیل اینکه به پای هم بنشینیم و فکر ازدواج با دیگری به سرمان نزند، یک قرارداد پنهانی نوشتیم و با اثر خون سر انگشت خود آن را امضا کردیم و با این کار رسم وفاداری را به جا آوردیم.

ناصر پس از این پیمان مرزهای بین ما را شکست و... و پس از آن خیلی راحت گفت: خانواده اش راضی به این ازدواج نیستند و بهتر است همدیگر را فراموش کنیم!

در این شرایط با اینکه غرور و شخصیتم به بازی

ص: ۱۳۲

گرفته شده بود، با خشم و عصبانیت از او جدا شدم و گفتم: به جهنم! اما نمی دانستم چه بلایی بر سرم آمده است و خودم را جهنمی کرده ام! چون پس از گذشت چند ماه متوجه شدم...!

مثل دیوانه ها سراغ والدین ناصر رفتم تا حقیقت را فاش کنم و از آنها برای حفظ حیثیت کمک بخواهم.

ولی آنها سر و صدا راه انداختند و گفتند، پسرمان آن قدر هم که تو فکر می کنی احمق نیست که چنین خطائی بکند!

پس از اینکه از آنها ناامید شدم، یک دنیا غم و غصه به سراغم آمد و چون نمی توانستم مسئله بی آبرویی ام را به پدر و مادر بگویم، تصمیم داشتم... که مادرم در جریان ماجرای مصیبت بارم قرار گرفت و...!

فقط می توانم بگویم: امان از بازی چشم و دل که زندگیم را تباه کرد، نمی دانم چه خاکی به سرم بریزم!

اگر پدر و مادرم به من آزادی نمی دادند و به خاطر درس و تحصیل، بدون مراقبت مرا به مدرسه نمی فرستادند، مواظب رفتار، معاشرت، پوشش و حجاب

من بودند، این بلا سر من نمی آمد و حیثیت و آبروی خودم و خانواده ام از بین نمی رفت!^(۱)

آزادی به سبک غرب، بردگی جنسی

ماجرای بازگو شده، نمونه ای از صدها ماجراهای تلخ و ناگواری است که در روزنامه ها درج شده. اما آنچه از محاکم قضایی به روزنامه ها نمی رسد و یا در روزنامه ها درج نمی شود، یا خانواده ها از ترس آبرو و حفظ حیثیت، دم نمی زنند، تعدادشان انبوه و فراوان است!

وقتی که آزادی به سبک غرب در جامعه اسلامی رایج گردد، این جرأت را به خانواده می دهد که پاره تنشان در مسیر تحصیل، برده جنسی و قربانی هوی و هوس گردد!!

وقتی که آزادی موجب شود، دختری جوان در راه مدرسه عفتش به سرقت رفته، از مردی چرب زبان فریب بخورد، ماه ها بدون اطلاع خانواده اش ارتباط نامشروع داشته باشد و بالاخره کارش به انجام ظالمانه ترین

ص: ۱۳۴

جنایت‌ها منجر شود، ناگزیر تاوان تلخ این گناه بزرگ را پدر و مادر بی تفاوت باید بدهند که نگذاشتند عزیزشان زیر سایه دین بزرگ شود. اکنون که کار از کار گذشته، ناگزیر اشک ندامت جاری نموده و زانوی غم و تأسف در بغل می‌گیرند! و دختران بدبخت هم در این گونه ماجراها بیشترین ضررها را در قالب شکست‌های عاطفی تا هتک حرمت اخلاقی متحمل می‌شوند!

آری! ثمره تلخ آزادی به سبک غرب، وضعیتی بدتر از بردگی است که بر جامعه ما تحمیل شده و جامعه ما با پذیرش این ارمغان شوم روزگارش سیاه گردیده‌است!

این آزادی نیست! استثمار است و بدبختی!!

امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که با رفیق بد همنشین شود، سالم نمی‌ماند و سرانجام به گناه، ناپاکی و انحراف آلوده می‌شود. (۱)

نوجوانان و جوانان هر چند در خانواده شایسته و خوب پرورش یافته و مقید به موازین اخلاقی و شرعی باشند، اما آزادی بی‌قید و بند، محیط فاسد بعضی

ص: ۱۳۵

مدارس و مسیر آلوده آنها، همنشینان و دوستان منحرف، معاشرت های مسموم و اختلاط های نامشروع، نتیجه اش انحراف و فساد دختران و پسران است که شاهد و ناظر آن هستیم.

جوانان گرگ صفت، چهره واقعی خود را پنهان می کنند و به راحتی دروغ می گویند، وعده می دهند، وعده ازدواج، اتومبیل شیک، خانه و ویلای زیبا و حتی گاهی اشک می ریزند تا دختر ساده لوح را در دام بکشند، از خانه و خانواده جدا کرده و چند گاهی از آنان سوء استفاده نموده، آنگاه دنبال دیگری و پس از آن دنبال دیگران و داستان تکرار می شود!!

دختران هم که موجودی عاطفی هستند، زود تحت تأثیر قرار می گیرند، زود فریب می خورند و بدون اینکه به عواقب کار بیندیشند و یا با پدر و مادر مشورت نمایند، به سادگی گرفتار نیرنگ جوانان بالهوس می گردند!!

و با کمال تأسف! روابط خود را با پسران از خانواده پنهان می نمایند! خانواده ها نیز با خوش بینی بی جا، از

مراقبت و نظارت بر پوششش، رفتار و معاشرت آنان به خصوص معاشرتهای مسیر خانه تا مدرسه غفلت نموده و بزرگترین خیانت را نسبت به عزیزانشان مرتکب می شوند!

این گزارش تکان دهنده را بخوانید:

خبرهای تلخ خانه تا مدرسه!

گزارش خبرنگار خراسان از آزادی دختران و پسران دانش آموز و مزاحمت هایی که برای دختران هنگام رفتن یا بازگشت از مدرسه ایجاد می شود:

۳ دختر دانش آموز را با لباس های نامناسب و سر و وضع زننده در کنار بلوار... مشاهده می کنیم که راننده می گوید: بسیاری از ناهنجاری ها به پوشش و رفتار خود افراد به ویژه دختران و کنترل خانواده ها برمی گردد...

به پارک... می رویم. صدای خنده های چند دختر و پسر که روی نیمکت نشسته اند توجه هر کسی را جلب می کند، مسیر را به طرف آنها تغییر می دهیم. چند دختر و پسر دانش آموز که کیف و کلاسور در دست دارند در حال لطیفه گویی هستند و...

ص: ۱۳۷

به مجتمع فرهنگی پارک می‌رسیم. دور این مجتمع روی نیمکت‌ها دختر و پسرها نشسته‌اند و از فیس بوک و ایمیل خود سخن می‌گویند و با دیدن عکس‌هایی در تبلت که به یکدیگر نشان می‌دهند، می‌خندند...!

نزدیک زمین ورزش، یک دانش‌آموز دختر که کیف مدرسه روی دوشش قرار دارد مورد مزاحمت ۲ پسر قرار می‌گیرد و پس از چند دقیقه گپ و گفت از یکدیگر جدا می‌شوند...

به بوستان کنار یک مدرسه می‌رسیم، چند پسر نوجوان دانش‌آموز را با لباس فرم و کوله پشتی که تازه از مدرسه خارج شده‌اند مشاهده می‌کنیم، آنها در حالی که شیئی کوچک سیاه‌رنگی را رد و بدل می‌کردند، به یکدیگر می‌گفتند: این ترقه‌ها خیلی باحاله... فردا بعد از مدرسه بیائیم اینجا و جلو پای دخترها بیندازیم؛ آن وقت ترس و وحشت دخترها خیلی دیدنیه...!

با یکی از کسبه مجاور بوستان برخورد کردیم که اظهار کرد: در این بوستان دختران و پسران با حرکات و رفتار زننده خود، امنیت و عفت عمومی را جریحه دار

می نمایند...!

به بوستان دیگری در خیابان... می رویم؛ جوان هایی در گروه ۲ تا ۴ نفره زیر درخت ها یا در فضای سبز نشسته اند و سیگار می کشند، بعضی هم مشغول ورق بازی هستند!

داخل بوستان می رویم، دختران و پسران در حال صحبت کردن، خندیدن هستند... پسر جوانی بسته سیگار را درمی آورد و به دخترها تعارف می کند، ۲ نفر از دخترها سیگار را قبول می کنند و خیلی خوشحال دود می کنند...!

به بوستان... در خیابان... نزدیک می شویم، ساعت تعطیلی مدارس دخترانه است... دسته های ۵، ۶ نفره پسرها که عمدتاً دبیرستانی به نظر می رسند از راه می رسند... تعدادی از آنها پس از کسب اطمینان، سیگاری از جیب برون می آورند و با ترس و نگرانی شروع به کشیدن می کنند! در همان لحظات ۴ دختر نوجوان از کنار آنها عبور می نمایند. حرف هایی بین آنان رد و بدل می شود که ناگهان صدای قهقهه پسران و

ص: ۱۳۹

خنده دختران بلند می شود...!!

با یک کارگر فضای سبز هم صحبت می شویم. دل پردردی دارد... از خرید و فروش و استعمال مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی، روابط دختر و پسر و خیلی چیزهای دیگر...!!

او می گوید: تعدادی از دختران دبیرستان... بعد از تعطیلی به بوستان می آیند و بدون هیچ گونه ترسی از دیر رفتن به خانه، چند ساعتی در بوستان می مانند...!!(۱)

تاوان تلخ دوستی های دوران تحصیل

یکی از دوستان موثق و عزیزم نقل می کرد:

جوانی به منظور اظهار مشکل زندگی به اتفاق همسر جوانش به منزل من آمدند.

جوان که ناراحت و افسرده بود در حضور همسرش اظهار کرد: من پسرخاله این خانم هستم. یک ماه است سرِ خانه و زندگیمان رفته ایم. در این یک ماه هیچگونه رغبتی از همسرم نسبت به من و زندگیمان ندیده ام،

ص: ۱۴۰

۱- _ روزنامه خراسان رضوی: ۲۵۸۴ تاریخ ۲۶/۸/۹۲.

حتی از پختن غذا نیز خودداری نموده است!

چند روز قبل که مصادف با ایام سال تحویل بود، همسرم درخواست کرد، تعدادی کارت تبریک عید برایش تهیه کنم تا برای دوستان هم کلاسیش بفرستد، من نیز برایش تهیه کردم.

یک روز که از محل کارم به خانه برگشتم، چشمم به کیف او افتاد و آن را بررسی کردم، با کمال تأسف و ناباوری، کارتی را مشاهده نمودم که تعبیراتی بسیار جذاب که هیچگاه آن تعبیرات را برای من به کار نبرده بود، برای پسری به نام... به عنوان تبریک نوشته بود!

از او در این مورد سؤال کردم، چون خط و امضای خودش بود نتوانست انکار نماید و اظهار کرد: این پسر در مسیر مدرسه سر راهم می آمد و با رد و بدل کردن شماره تلفن با یکدیگر ارتباط برقرار کردیم.

پس از ازدواج به دختران هم کلاسیم گفتم به او بگویند، من ازدواج کرده ام و دیگر با من ارتباط نداشته باشد. اما او دست بردار نیست و هم اکنون هم با یکدیگر ارتباط داریم.

ص: ۱۴۱

بیچاره جوان ادامه داد: با شنیدن این ماجرای تلخ عصبانی شدم و او را به باد کتک گرفتم و تصمیم دارم طلاقش بدهم.

این ماجراهای تلخ، گوشه ای از وضعیّت نکبت بار پسران و دختران دانش آموز بعضی مدارس می باشد که به جای تحصیل و خواندن درس به خواهشِ دل خود می رسند!

آری! آزادی به سبک غرب، دوشیزگان معصوم در حال تحصیل را از مدرسه به بوستان می برد و در کنار جوانان فاسد قرار می دهد؟

سودی که دختران از این آزادی افسارگسیخته می برند، سیاه بختی و ویران کردن کاخ سعادتشان می باشد!

آیا این آزادی است یا بردگی و استثمار؟! و آیا این دختران می توانند خوشبخت باشند و پس از ازدواج کانون خانوادگی شیرین تشکیل دهند؟!!

آزادی دهندگان، شاد باشند که به آرزوی خود رسیده اند، عفت و حیثیت دختران و کانون گرم خانواده

را نابود کردند!

پدر و مادرها هوشیار باشند، قبل از اینکه نوجوانان و جوانانشان ننگ و رسوائی بیشتری به بار آورده و قربانی شعله های سوزان غریزه جنسی گردند، در فکر ارضاء آن از طریق شرعی باشند.

زیرا غریزه جنسی یک واقعیت طبیعی است که در سنین بلوغ به سراغ نوجوانان آمده و آنان را تحت تأثیر شدیدترین هیجان روحی قرار داده و با همه نیرو به سوی جنس مخالف جذب می نماید.

نیاز جنسی مانند نیاز به آب و غذا است بلکه به مراتب شدیدتر از آنها می باشد و همانطور که تشنگی و گرسنگی را به هیچ وسیله ای جز خوردن و آشامیدن نمی توان برطرف ساخت، نیاز جنسی را نیز با هیچ نیرویی جز ارضاء و اشباع و یا عفت و تقوا نمی توان خاموش نمود.

و لیکن افسوس و صد افسوس!

پدر و مادرها توجه به این مسئله بااهمیت نداشته، به کودکان و نوجوانان خود به چشم یک بچه نگاه کرده و

ص: ۱۴۳

حتی با رفتار غیرعفیفانه در برابر آنها و با در اختیار گذاشتن وسائل مبتذل نمایشگر و دادن آزادی بی قید و شرط، نه تنها آنان را از کام خطر نجات نداده بلکه زمینه تهییج غرایز جنسی نهفته آنان را قبل از رسیدن به سن معمول بلوغ فراهم نموده و کودکان و نوجوانان خود را گرفتار بلوغ زودرس نموده و با کمال تأسف در فکر ارضاء غرایز جنسی آنان نبوده و به آثار منفی و عواقب سوء اخلاقی، روانی و جسمانی آن توجه ندارند!

ولی به هر حال، گزینه جنسی یک واقعیت است و در هر صورت باید ارضاء شود، وقتی که والدین از طریق مشروع و شیوه سنتی آن را ارضا نمایند، خود نوجوانان در صدد ارضاء آن برآمده و از طریق غیرمجاز، به دور از چشم پدر و مادر، در کوچه، خیابان و راه مدرسه، با ایجاد دوستی و ارتباط های غیرمشروع و دلدادگی های احساسی، گزینه جنسی خود را ارضاء نموده و زمینه رسوایی و بی آبرویی خود و خانواده را فراهم می نمایند.

و در این میان بیشترین آسیب متوجه دختران می باشد که با روحیه ظریف و قلب عاطفی، گرفتار

نیرنگ و دام جوانان هوسران شده و با پیشنهاد ازدواج و دیگر وعده های کاذب، عفت و حیثیت خود را از دست داده، دچار سرخوردگی، افسردگی و بیماری های روانی می گردند! و پدر و مادرها هنگامی به خود می آیند که کار از کار گذشته و متوجه می شوند که واقعا بچه ها، بچه نیستند! و این در حالی است که بیشترین تقصیر متوجه والدین است زیرا وقتی که پدر و مادرها غرایز جنسی آنان را از طریق طبیعی و شرعی ارضاء ننموده و از سوی دیگر به نوجوانان خود آزادی داده و مراقبت بر رفتار، معاشرت های محل تحصیل و مسیر رفت و آمد آنها نداشته باشند، نتیجه همین است که پیش آمده! افتضاح و رسوائی!!

آری! آزادی به سبک غرب، یعنی دوشیزه نوجوانِ معصوم در حال تحصیل به جای ارضاء غرایز جنسی از طریق مشروع در دام جوان هوس باز قرار گرفتن!!

تأکید اسلام بر ازدواج

در فرهنگ اسلام، ارتباط زن و مرد و دختر و پسر

ص: ۱۴۵

تنها از طریق ازدواج و اجرای مراسم شرعی مجاز است.

اکنون به تأکید و سفارش اسلام در مورد ازدواج دختران و پسران توجه فرمائید:

پیامبر عالیقدر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

ازدواج سنت من است و هر کس از سنت من روی برگرداند از من نیست. (۱)

و همچنین فرمود:

بهترین افراد امت من کسانی هستند که ازدواج بنمایند و بدترین آنها کسانی هستند که از ازدواج روی برگردانند. (۲)

و همچنین فرمود:

هیچ بنایی در اسلام بنیانگذاری نشده که نزد خداوند محبوبتر از ازدواج باشد. (۳)

امام صادق علیه السلام فرمود:

دو رکعت نمازی که انسان متأهل می خواند، ثوابش بیشتر از هفتاد رکعتی است که انسان مجرد

ص: ۱۴۶

۱- بحارالانوار: ۱۰۳/۲۲۲.

۲- بحارالأنوار: ۲۲۱.

۳- وسائل الشیعه: ۱۴/۳.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

هر کس می خواهد پاک و پاکیزه خدا را ملاقات نماید، ازدواج کند. (۲)

و همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

از جمله حقوق فرزند بر پدر آن است که او را نوشتن آموزد، نام خوب برای او انتخاب نماید و هنگام بلوغ وسیله ازدواج

(ارضاء غریزه جنسی) فرزندش را فراهم نماید. (۳)

فاجعه ازدواج های احساسی جوانان

ازدواج بهترین و زیباترین حادثه زندگی است. هر پسر و دختری که به سن رشد و بلوغ می رسند براساس نیاز طبیعی،

آرزویشان این است که ازدواج کنند.

این پیمان مقدس می بایست براساس ارزش های دینی و سنت های دیرینه اجتماعی و برخورداری از

ص: ۱۴۷

۱- _ وسائل الشیعه: ۱۴/۶.

۲- _ وسائل الشیعه: ۱۴/۶.

۳- _ نهج الفصاحه: ۵۰۷ چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی

لیاقت های معنوی انجام شود، تا پسران و دختران با انتخاب همسر دین دار و مؤمن زندگی مشترک خود را تشکیل داده و با ایجاد کانون گرم خانواده و تربیت فرزندان صالح در کنار یکدیگر از زندگی سرشار از صفا و صمیمیت برخوردار باشند.

اما افسوس و هزار افسوس!

در وضعیت فعلی بیشتر جوانان به سنت ها و آداب و رسوم مذهبی، پشت پا زده، همسر و شریک زندگی خود را براساس موقعیت تحصیلی و داشتن مدرک از محیط های آلوده مختلط تحصیل و یا از خیابان و مراکز عمومی انتخاب می نمایند.

پسران و دختران، بدون توجه به ارزش های دینی و معنوی و بدون توجه به وضعیت اخلاقی و معاشرت ها و ارتباط های دوران تحصیل، مجذوب ظاهر آراسته و صداهای ظریف و لبخندهای ملیح یکدیگر گردیده و بدون نظرخواهی از پدران و مادران دلسوز به شکل گیری ازدواج تن می دهند!

در صورتی که بی توجهی به مسئله معاشرت ها و

ارتباط های آزاد و نامشروع دختران و پسران در دوران تحصیل و در مسیر مدرسه و دانشگاه که در حال حاضر قبیح و زشتیش هم از بین رفته و نوعی موقعیت و کمال برای جوانان حساب می شود و با کمال تأسف، پدر و مادرها هم معمولاً از آن بی اطلاع هستند، پسران و دختران را پس از ازدواج، گرفتار آسیب های جدی نموده و تاوان تلخ آن هم، ناسازگاری، اختلاف، کشمکش و تباه شدن زندگی و افزایش وحشتناک آمار طلاق است!!

پسران و دختران، این ماجرای تلخ و تکان دهنده را بخوانند تا گرفتار عاقبت نکبت بار هوس های موسمی نگشته و مسئله سرنوشت ساز ازدواج را که بزرگترین حادثه زندگی است، جدی تلقی نموده، براساس سنت و آموزه های دینی تشکیل زندگی داده و توجه داشته باشند که خیابان و دانشگاه محل انتخاب همسر و شریک زندگی نیست، زیرا شخصیت واقعی افراد با شخصیت اجتماعی آنان تفاوت زیادی دارد و هیچگاه این گونه احساس های موسمی پایه ازدواج نخواهد شد.

چرا که این گونه دلدادگی ها، عادت غربی هاست که متأسفانه در مغز جوانان کشور ما نیز نفوذ کرده و کورکورانه دنبال این عادت نکبت بار می روند و سرانجام این گونه ازدواج ها، جدایی دو همسر و یا سردی شدید است که از طلاق سردتر است! و بالاخره تنها ازدواجی موفق است و کاخ مهر و محبت بر آن نهاده می شود که هر کدام از دختر و پسر قبل از ازدواج با هیچ بیگانه و نامحرمی رابطه نداشته و عفت و پاکی بر همه وجود آنان حکومت کرده باشد.

سرانجام ازدواج احساسی دوران تحصیل!

دختری که در ازدواج احساسی شکست خورده، خاطرات تلخ خود را اظهار می نماید:

... من و پوریا در دوره ارشد در رشته زبان شناسی پذیرش شدیم و چون در دوران تحصیل با یکدیگر بودیم، پوریا به خواستگاریم آمد و پس از آشنایی خانواده هایمان، مراسم «بله برون» برگزار شد.

پس از چند روز از برگزاری این مراسم، فرشته، یکی

ص: ۱۵۰

از هم کلاسی هایم تلفنی تبریک گفت، به او گفتم: تصمیم دارم بعد از عقد، بچه های کلاس را به یک کافی شاپ دعوت کنیم. هم کلاسیم گفت: به پوریا بگو، کافی شاپ... را رزرو کند. پس از خداحافظی برآیم سؤال بود که چرا فرشته آنجا را معرفی کرد؟!

صبح روز بعد، فرزانه یکی دیگر از دختران هم کلاسیم برای تبریک به من تلفن زد و خواست مرا ببیند. به او گفتم که نهار با پوریا بیرون هستیم. او ادامه داد: باقلاپلو با گوشتِ فلان رستوران خیلی عالیه.

وقتی پوریا به دنبالم آمد و پرسید برای نهار کدام رستوران برویم؟ من رستورانی را که هم کلاسیمان معرفی کرده بود نام بردم، خیلی خوشحال شد و گفت: باقلاپلوهایش حرف ندارد و من تعجب کردم!

بعد از ظهر همان روز، سودابه یکی دیگر از دختران هم کلاسیمان، سری به من زد، عکس های مراسم «بله برون» را به او نشان دادم. وقتی عکس ها را دید پرسید: برای رنگ لباسهایت با پوریا مشورت کردی؟

گفتم: نه. گفت: من هم برای اینکه بنفش نبود تعجب

کردم! هر چه پرسیدم: چرا بنفش؟ جواب نداد!

یک ماه گذشت و در تدارک مجلس عقدکنان بودیم که به فرشته تلفن زدم و او را به خانه مان دعوت کردم و به اصرار از او خواستم که بگوید چرا آن کافی شاپ را معرفی کرده بود؟!

گفت: در دوران دوستی با پوریا، چندین بار مرا به آنجا دعوت کرده است و اینکه فرزانه هم باقلایلو گفته، پوریا با او هم دوست بوده و می دانست پوریا آن غذا را دوست دارد و سودابه هم در دوران دوستی با پوریا، علاقه او را به رنگ بنفش می دانست و...

پس از اظهارات فرشته، دنیا روی سرم خراب شد و تازه فهمیدم، همسر رؤیاها و احساساتم با همه دختران دانشگاه دوره ای را گذرانده و من بی اطلاع هستم!!

و حالا مانده ام که چگونه با مردی که به من خیانت نموده زندگی کنم و عشق و علاقه ام را به پای او بریزم و عاقبت ازدواج بامردی که دلداده این همه دختر بوده چه خواهد شد؟! [\(۱\)](#)

ص: ۱۵۲

و این گونه ازدواج های موسمی، پسران را نیز به روز سیاه می نشاند، چرا که آنها نیز گرفتار دلدادگی احساسی دخترانی می شوند که در دوران تحصیل و در کوچه و خیابان با پسران زیادی ارتباط داشته و خاطرات شیرین کافی شاپ، باقلا پلو و رنگ بنفش و... پسران موسمی در قلب و دل آنها جا دارد و هیچکس حتی پدر و مادرهای آنها از این ارتباط باخبر نیستند...!!

در گذشته در کشور اسلامی ما، دختران و پسران براساس سنت های دینی ازدواج می کردند و تا آخر عمر محبت و وفاداریشان ثابت بود و هر چه بر مدت زندگیشان افزوده می شد، بر گرمی و ارتباط زن و شوهر افزوده می گشت. آزادی در ازدواج و انتخاب همسر به سبک غرب، این بدبختی را به ارمغان آورد که پس از گذشت زمان کوتاهی از شروع زندگی، دوره ناکامی و محرومیت از مهر و محبت دختر و پسر آغاز گردد!!

زندگی گذشته و امروز

حالا که به زندگی گذشته اشاره شد، خوب است

ص: ۱۵۳

نگاهی داشته باشیم به کیفیت زندگی باصفا و با آسایش دیروز و مقایسه آن با زندگی آشفته و پریشان امروز که با تغییر ملاک‌ها و معیارها و سنت‌های دینی، آسایش خانواده‌ها به خصوص جوانان به ویژه مسئله تحصیل و ازدواج دختران و پسران به هم ریخته و تبدیل به بحران و فاجعه گردیده است.

آنگاه ببینیم چه ظلم بزرگی بر ما رفته است که دشمن با شعارهای فریبنده و تبلیغات شیطانی، فرهنگ آلوده خود را جایگزین سنت‌های دینی ما نموده و همه چیز، حتی جوانان و نوامیس ما را به راحتی از ما گرفته و ما نیز بر اثر غفلت و بی تفاوتی در برابر تهاجم دشمن تن به ذلت و خواری داده ایم!

این حدیث آموزنده را بخوانید:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

همیشه امت اسلام در راه خیر هستند تا هنگامی که از فرهنگ و آداب و رسوم کافران تقلید نکنند و چنانچه از رفتار آنان پیروی کردند. خداوند قادر

ص: ۱۵۴

آنان را خوار و ذلیل می گرداند. (۱)

حالا به سراغ زندگی دیروز و امروز می رویم تا ببینیم کدام زندگی سعادت و آسایش ما و فرزندانمان را فراهم می نماید:

زندگی دیروز با تربیت و آموزش صحیح و تحصیل و ازدواج توأم با سعادت پسران و دختران براساس پایبندی های دینی و وابستگی به سنت های اصیل اسلامی؟

یا زندگی امروز با پایبندی به عادات و رسوم غرب و تقلید کورکورانه از فرهنگ مبتذل دشمن و تربیت فرزندان منحرف و عصیانگر!؟

و پس از آن انتخاب زندگی بهتر و عقلانی تر با شما...

زندگی دیروز و امروز

یادش بخیر!

زن دیروز (۲) دختر را برای خانه داری پرورش می داد و

ص: ۱۵۵

۱- بحار الأنوار: ۷۹/۳۰۳.

۲- منظور از زن دیروز، زنهای مذهبی هستند، همانطور که در بحث زنهای امروز باز هم همان زنهای مذهبی مخاطب می باشند که هم رنگ جمع و جامعه شده اند!

او را «خانگی» می خوانند و از دوران کودکی و نوجوانی، حجاب، عفت، حیا و معلومات دینی را به او آموزش می داد و از او می خواست، زیبایی و عفتش را برای همسر آینده حفاظت نماید.

زن دیروز، دختر را با مقداری از سواد که برایش لازم بود آشنا می کرد و راضی نمی شد برای گرفتن مدرک و تحصیلات عالی به محیط های فاسد و آلوده رفت و آمد کند.

زن دیروز، دختر را خیاطی، گلدوزی، ملیله دوزی، بافندگی و دیگر هنرهای ظریف که در خانه انجام می گیرد می آموخت تا اوقات فراغت خود را به این سرگرمی ها پر نموده، از ابتلا به ضعف اعصاب و بیماریهای روانی و جسمانی محفوظ مانده و از رفت و آمد بی مورد بی بیرون خانه خودداری نماید.

زن دیروز، رادیو، تلویزیون و دیگر وسایلی را که معمولاً مورد استفاده بدون فرهنگ خانواده ها می باشد

و زمینه بداخلاقی، انحراف و آسیب های روحی، روانی و جسمی کودکان، نوجوانان و جوانان را فراهم می نماید به خانه نمی آورد و به هیچ عنوان این گونه وسایل را در جهیزیه دخترش قرار نمی داد.

زن دیروز، دختر را با کتابهای سودمند، مفید و سالم آشنا می کرد تا ضمن فراگیری احکام و آداب دینی و اطلاع از امور اجتماعی، از مهارت زندگی، وظایف همسررداری و تربیت صحیح فرزند بااطلاع شود.

و بالاخره! زن دیروز، با تقویت ایمان، معنویت و اخلاق و برخورداری از این صفات ارزنده دخترش در دوران بلوغ و شور و نشاط جوانی بدون هیچ گونه آلودگی و تماس با نامحرم به خانه بخت می فرستاد و به دختر خود چنین می آموخت:

«زن باید با چادر سیاه به خانه شوهر بیاید و با چادر سفید برود».

اما زن امروز

زن امروز، از همه کمالات و ارزش های یاد شده

ص: ۱۵۷

صرف نظر می کند، دختر را، آزاد، شیک پوش، آرایش کرده، جلوه گر، خودنما و اجتماعی بار می آورد!

زن امروز، دختر را با وسایل ویرانگر فناوری بدون فرهنگ و بدون نظارت آشنا نموده، کامپیوتر، اینترنت و دیگر ابزار تکنولوژی را به عنوان سرگرمی، تشخیص و چشم و هم چشمی در اختیار دختر قرار داده و پاره تن خود را قربانی اثرات منفی وسائل رایانه بدون فرهنگ و بدون مراقبت می نماید!

زن امروز، دختر را به این روزگار فلاکت بار می نشاند:

ازدواج نکبت بار مجازی

... تنها سرگرمی من در خانه، چت کردن در دنیای مجازی با وسیله ای بود که خانواده ام در اختیارم گذاشته بودند. یک بار در این فضا با مرد جوانی که خود را کارشناس ارشد میکانیک معرفی می کرد آشنا شدم.

این آشنایی مجازی حدود ۲ ماه طول کشید تا بالاخره تصمیم به خواستگاری گرفت. می گفت پدر و مادرش خارج کشور هستند، برای همین تنها آمد. ابتدا

ص: ۱۵۸

مادرم مخالفت کرد، ولی بعداً راضی شد که فعلاً مراسم عقد برگزار شود تا پدر و مادرش برگردند.

مدتی از دوران عقد ما گذشت، کم کم به رفتارهای او مشکوک شدم، تلفن های مشکوک، حرف های یواشکی، و دروغ های پی درپی! تا بالاخره متوجه شدم که او همسر و فرزند دارد.

آبرو و حیثیتم به باد رفته بود و تحمل خیانت او برایم ممکن نبود! در فکر چاره بودم که به یک بار همسر رؤیاهایم ناپدید شد و الآن مدت ۳ ماه است که هیچ خبری از او ندارم!...

و حالا من مانده ام با یک دنیا غم و غصه، رسوائی و ندامت! ای کاش با دنیای مجازی اصلاً آشنا نشده بودم و زندگیم را در فضای آلوده آن تباه نمی کردم!![\(۱\)](#)

زن امروز، خوشبختی دختر را، تنها تحصیل و داشتن مدرک عالی می داند و با بزرگ جلوه دادن گذر از کنکور و راه یابی به دانشگاه و استخدام در فعالیت های اجتماعی، دختر را از ازدواج به موقع و تشکیل زندگی

ص: ۱۵۹

زنِ امروز، به خواستگار دخترش می گوید: «دختر من قصد ازدواج ندارد و می خواهد به تحصیل ادامه دهد.»

همان جمله کلیشه ای که بیشتر زنان امروز از آن استفاده می کنند و حرف دل همه دختران دم بخت نیست، چرا که ادامه تحصیل و کسب مدرک و دست یابی به موقعیت اجتماعی، دختران را از طراوت بهار ازدواج عبور داده و زمینه آسیب پذیری آنان را در محیط مختلط تحصیل در کنار پسران فراهم نموده و نتیجه این شده است که مشاهده می نمائید.

دختران و پسران، تحت شدیدترین فشارهای تمایلات جنسی قرار گرفته و چون خود را ملزم به ادامه تحصیل می دانند، ازدواج را تا پایان دوران تحصیل به تأخیر می اندازند و از سوی دیگر، چون نمی توانند با گزینه جنسی، دست و پنجه نرم نمایند، ناچار گرفتار ناهنجاری ها، چشم چرانی ها، انحرافات جنسی، تجاوزات نامشروع و بیماریهای روحی و روانی می گردند!

این ماجرای تکان دهنده را بخوانید:

بیماری روانی، نتیجه اختلاط دختر و پسر در محیط تحصیل

آقای «الف» جوانی است نجیب و شریف، با آنکه در آغاز جوانی است، آثار قلمی شیوایی دارد. این جوان در یکی از دانشکده های مختلط که اکثر دانشجویانش را دختران تشکیل می دهد مشغول تحصیل است.

سال تحصیلی به پایان نرسیده بود که این جوان دچار بیماری روحی گردید. اکنون در یکی از آسایشگاه های خصوصی به سر می برد، به عیادتش رفتم، هنگامی که مرا دید گفت:

کار جنون ما به تماشا کشیده است

صدرا تو هم بیا که تماشای ما کنی!

چرا این جوان گرفتار بیماری روحی گردید؟!

چرا این ضایعه علمی پیدا شد؟!

مقصر کیست؟!

آیا شرکت یک جوان در کلاس مختلط و در کنار انبوه دختران جوان جز این نتیجه خواهد داد؟!

ص: ۱۶۱

معلم در این کلاس چه درسی می دهد؟!

پسران (و دختران) دانشجو چه درسی می خوانند؟! (۱)

آزادی ارتباط در محیط تحصیل و کوچه و خیابان از این گونه حوادث تلخ فراوان دارد!

جوانی که در چنین محیطی قرار بگیرد، چنانچه تمایلات جنسیت به محرومیت و ناکامی منتهی گردد، دچار ضعف اعصاب و بیماری روانی می گردد!

و اگر هم در به کارگیری غریزه زیاده روی نماید، گرفتار نوعی دیگر از بیماری روحی و روانی می گردد! چرا که هوی و هوس مرد سیری ندارد و هر که را نگاه کند می خواهد!

این بیماری ها در دنیا و در کشور پیشرفته ما که بهداشت و درمان موجود است، چرا پیدا شده و روزه روز در حال افزایش است؟! چون در برابر این همه بهداشت و درمان، آزادی زن و مرد در محیط تحصیل، کوچه و خیابان و مراکز عمومی وجود دارد!

آیا باز هم روشنفکران، ارتباط و اختلاط زن و مرد را

ص: ۱۶۲

۱- زن و آزادی: ۱۲۰ (به نقل از نامه بیمارستان دکتر چهارزی).

برای کشور، آن هم یک کشور اسلامی سودمند می دانند؟!

و آیا اشغال بیشتر مراکز تحصیل به وسیله دختران، به نفع جامعه و مملکت اسلامی است؟! و آیا این اتفاق نتیجه ای جز آسیب پذیری اخلاقی و بیماری های روانی دختران و پسران و گسترش آثار منفی گوناگون دارد؟!

این گزارش اسف بار را بخوانید:

ورودی های دانشگاه فردوسی: زنان ۶۸ درصد و مردان ۳۲ درصد! (۱)

تحصیل یا ازدواج

خواننده عزیز! تحصیل علم، سنت مقدسی است که اسلام آن را بر هر مسلمان لازم و ضروری می ادند (با قید و شروطی که در اوایل کتاب بازگو گردید).

اما توجه به این نکته مهم نیز لازم و ضروری است که التزام به تحصیل علم نباید جوانان را از انجام دیگر فرایض و سنت های دینی از جمله مسئله طبیعی و

ص: ۱۶۳

سنت مقدس ازدواج بازدارد.

زیرا همانطور که بازگو شد، هر پسر و دختری در سنین بلوغ به حکم طبیعت آفرینش، تحت فشار غریزه جنسی قرار می‌گیرد و تنها ازدواج می‌تواند غریزه جنسی آنها را از طریق طبیعی و مشروع ارضاء نموده و از خطر ارتکاب گناه و ارتباط‌های نامشروع دور نگاه دارد.

بنابراین تحصیل علم با همه اهمیتی که دارد، نباید جوانان را از شکل‌گیری مسئله مهم ازدواج بازداشته و آنان را در محیط آزاد کنونی گرفتار ارضاء غریزه جنسی از طریق غیرمشروع نماید.

زیرا هر چه غریزه از طریق غیرمشروع بیشتر ارضاء گردد و جوانان از این طریق اشباع شوند، آمار ازدواج پایین آمده و جامعه ما گرفتار ناهنجاری، گناه، تجاوزات نامشروع و بیماری‌های جسمی و روانی بیشتری می‌گردد.

و هر قدر آمار ازدواج بالا برود، جرایم و مفسدات اخلاقی و بی‌بند و باری تقلیل می‌یابد، از تعداد مجرمین کم می‌شود و دختر و پسرها به سوی سعادت و

ص: ۱۶۴

نیک بختی قدم برمی دارند.

و بالاخره! حقیقت این است که بیشتر دختران و پسرانی که در آستانه ازدواج هستند، وقتی صحبت از ازدواجشان می شود اظهار می کنند: فعلاً می خواهیم درس بخوانیم و تا لیسانس و مدرک نگیریم، ازدواج نمی کنیم!

این جوانان، بیشتر گرفتار پُز دادن، کلاس گذاشتن و افاده کردن هستند تا پیشرفت علمی! اما بالاخره این تفکر نادرست، سنگ بزرگی در راه ازدواج است و زمینه از دست دادن آرامش و تعادل روحی و فکری و فروپاشی گزینه جنسی و آسیب دیدن ایمان و تقوا و همچنین از دست دادن فرصت ازدواج دختران و پسران را فراهم می نماید.

موقع ازدواج

براساس آنچه که از فرمایشات معصومین علیهم السلام استفاده می شود، سنّ مطلوب برای ازدواج همان اوّل جوانی است. و در این مسئله پیشوایان دین در مورد

ص: ۱۶۵

دختران تأکید بیشتری دارند. دختر و پسر پس از رسیدن به بلوغ شرعی و جسمی و فکری از آمادگی نسبی برای تشکیل زندگی مشترک برخوردار خواهند شد و تحت هیچ شرایطی، تأخیر ازدواج پسندیده نیست.

توجه به این نکته لازم است که بلوغ فکری نباید بهانه ای برای تأخیر ازدواج باشد، چرا که بسیاری از مسائل و تجربیات را، زن و شوهر در خلال زندگی مشترک می آموزند.

افراد فراوانی هستند که به این بهانه، ازدواج را تأخیر انداخته و در سنین بالا تشکیل زندگی می دهند. اما غافل از اینکه اگر رشد فکری پیدا کرده اند اما شور و هیجان و شادابی نوجوانی را از دست داده اند و ازدواج در این مقطع سنی با نوعی سردی خاص شروع می شود.

لبخندهای کاذب، اظهار علاقه های بی واقعیت و یا کم واقعیت، معمولاً آینده درخشانی ندارد.

چاره چیست؟

اما حالا که اغلب پسران و دختران علاقه به درس خواندن و ادامه تحصیل دارند و خانواده ها نیز با همه مشکلات و آسیب هایش که بر سر راه عزیزانشان در بیشتر مراکز تحصیل قرار دارد، اصرار به تحصیل آنان دارند چه راه کاری باید اندیشید تا جامعه و نوجوانان از بحران موجود نجات یافته و پسران و دختران ضمن ادامه تحصیل گزینه جنسی خود را از طریق طبیعی و مشروع ارضاء نموده و تا حدی از سیر نزولی ازدواج و کاهش تشکیل خانواده و همچنین مفاسد اخلاقی پیشگیری گردد؟

ازدواج های همزمان با تحصیل

پیشنهادی که ارائه می شود، راه حل رهایی دختران و پسران از مشکلات موجود و نجات آنان از مفاسد اخلاقی، دینی و بیماری های جسمی و روانی ناشی از تأخیر ازدواج و عدم دسترسی به ارضاء مشروع در دوران تحصیل می باشد.

ص: ۱۶۷

البته عملی نمودن این پیشنهاد به آن معنی نیست که آسیب های ناشی از ارتباط و اختلاط دختران و پسران در محیط تحصیل بکلی از بین خواهد رفت، بلکه منظور، کاهش فساد و گناه از محیط های آلوده مختلط می باشد، زیرا محیطی که آلوده به میکروب باشد، چنانچه پیشگیری انجام نگیرد، درمان قطعی و کلی نخواهد بود.

در محیط کنونی نیز که پیشگیری و درمان برای ریشه کن کردن بیماری های اخلاقی و اجتماعی وجود ندارد و اقدام عملی مؤثری برای از بین بردن ویروس گناه و اصلاح وضعیت موجود انجام نمی شود، ناگزیر از ارائه راه کار کاهش بیماری و پیشگیری از گسترش ویروس و میکروب بلاهای اجتماعی و آسیب های اخلاقی و روانی هستیم. گرچه پیشنهادی که بازگو می شود، غیرمأنوس است و خانواده ها و پسران و دختران پذیرفتن این پیشنهاد در وضعیت کنونی برایشان مشکل می باشد لیکن راه حلّ بهتری برای بهبود مشکل موجود به نظر نمی رسد.

اصل ازدواج، امر ساده و بی تشریفاتی است که با اجراء مراسم مذهبی کوتاه و برگزاری رسومات مختصر و بدون تکلف، پسر و دختر به عقد یکدیگر درآمده و پیمان زندگی مشترک می بندند.

یادش بخیر!

در گذشته خانه های نسبتاً بزرگ و ساده با صحن و باغچه باصفا و با چند اتاق در کنار حیاط وجود داشت و هر یک از پسرهای خانواده که ازدواج می نمود، در یکی از آن اتاق ها، زندگی ساده و بدون تشریفات خود را شروع می کرد، دلش شاد بود و کلی هم از زندگی ساده و بدون تکلف خود لذت می برد. در آن دوران باصفا، پابندی به قید و بندهای غیرضروری وجود نداشت و پسر و دخترها خیلی ساده و راحت در دوران بلوغ به عقد یکدیگر درآمده و دامنشان را از آلودگی به گناه، چشم چرانی ها و انحرافات حفظ می نمودند.

واقعا یادش بخیر و هزار افسوس که در وضعیت نکبت بار کنونی، زندگی های باصفا و لذت بخش گذشته

برای جوانان ما افسانه و رؤیا تلقی می شود!

گرچه انتظار نیست جوانان در وضعیت کنونی، همچون گذشته ازدواج نموده و مانند گذشته زندگی نمایند، اما انصافاً و بدون تعارف! آداب و رسوم، قید و بندها و بلندپروازی های مراسم ازدواج کنونی که بالای جان مردم گردیده، چه توجیه معقولی دارد؟!

چشم و هم چشمی ها، توقعات زائد، تجملات،

تشریفات دست و پاگیر، مهریه های سنگین و کمرشکن، مراسم سنگین عقد و عروسی، جهاز مفصل، توقع منزل مستقل و درآمد فراوان و... مسئله ازدواج را به صورت غولی وحشتناک درآورده و در نتیجه جوانان به خصوص دختران و پسران محصل، قید ازدواج و تشکیل زندگی را زده و چون نمی توانند گزینه جنسی را از طریق طبیعی و مشروع ارضاء نمایند، راه گناه و زشت کاری برایشان گشوده شده است!

اینها قید و بندهایی است که مانع عمده ازدواج جوانان می باشد که تا گشوده نشود، مشکلات ازدواج به موقع پسران و دختران برطرف نخواهد شد و جامعه ما

ص: ۱۷۰

همچنان شاهد ناهنجاری ها، روابط نامشروع و انحرافات خواهد بود. مگر انسان به هنگام گرسنگی می تواند به خاطر نبودن سفره رنگین و سرویس و تشریفات مفصل از خوردن غذا صرف نظر نماید؟

مسئله نیاز جنسی به مراتب از گرسنگی و تشنگی شدیدتر است. مگر می شود به خاطر قید و بندها، توقعات و بلندپروازیهایی بی جا و غیرضروری، ارضاء غریزه جنسی تأخیر بیفتد؟!

چه اشکال دارد، خانواده دختر، موقعیت پسر را در نظر گرفته، توقع داشتن زندگی مستقل و درآمد فراوان از او نداشته باشند؟ خانواده پسر هم، توقع منزل و درآمد مستقل برای فرزندشان نداشته باشند و هر دو خانواده با توجه به موقعیت بلوغ و نیاز ارضاء غریزه جنسی فرزندانشان، خواسته ها و توقعات خود را با وضع موجود آنان تطبیق داده و از قید و بندها و تشریفات مرسوم چشم پوشند.

و چه اشکال دارد، همانطور که مخارج سنگین تحصیل فرزندانشان را تحمل نموده و گاهی هم برای

ادامه تحصیل آنان هزینه فراوان و سنگین مسافرت به خارج کشورشان را به عهده می گیرند. و همانطور که برای پیشگیری از امراض جسمی فرزندانشان از هرگونه هزینه ای مضایقه ندارند، مخارج دوران ازدواج ضمن تحصیل عزیزانشان را نیز بعهده گیرند تا فرزندانشان از امراض اخلاقی و آلودگی به گناه و فساد و بیماریهای روحی و روانی و عوارض و عواقب ناگوار آنها مصون باشند.

و چه اشکال دارد، خانواده ها راضی شوند تا رسیدن پسر به موقعیت کار و تأمین مخارج زندگی، در خانه پسر یا دختر یا جای مناسب دیگر، در اتاقی زندگی ساده و بدون تشریفات خود را شروع نموده و با تفاهم هر دو خانواده، پسر و دختر از زندگی باصفا و ساده برخوردار باشند و پس از پایان تحصیل و اشتغال پسر به کسب و کار، به تدریج صاحب زندگی و منزل مستقل، وسائل و لوازم آبرومند و مرتب گردند.

کوتاه سخن آنکه، پسران و دخترانی که در تنگنای مالی قرار دارند، با خدای مهربان خود معامله نمایند و با

استمداد از وعده و فضل و رحمت پروردگار و برخورداری از لطف و کرم خداوند، بدون هیچ واژه‌ای از فقر و تهی دستی تشکیل زندگی داده و از عفت و شرافت خود حفاظت نمایند.

به این آیه زیبای قرآن توجه فرمائید:

مردان بی زن و زنان بی شوهر با یکدیگر ازدواج نمایند، چنانچه زن یا مردی فقیر و تنگ دست و نیازمند باشد، خداوند به لطف و فضلش آنان را بی نیاز و مستغنی خواهد فرمود. خداوند رحمتش وسیع و به احوال بندگانش آگاه است. (۱)

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اظهار فقر و تهی دستی کرد. آن بزرگوار فرمود: ازدواج کن، آن مرد رفت زن گرفت، درهای رزق به رویش گشوده شد. (۲)

لازم به یادآوری است، ازدواج در هر سنی که انجام شود، باید همراه با ایمان و رعایت اخلاق و سنت های دینی باشد.

ص: ۱۷۳

۱- _سوره نور: آیه ۳۲.

۲- _وسایل الشیعه، مقدمات نکاح، باب ۱۱، خبر ۱.

اما چنانچه ازدواج زمینه آزادی جوانان را فراهم نماید، نتیجه اش گسترش معضلات اجتماعی و بالارفتن آمار طلاق و جدائی است که با کمال تأسف، شاهد آثار شوم این فاجعه هولناک هستیم. یعنی دختران طلاق گرفته ای که هم زندگی خود را نابود کرده اند و هم جامعه را به فساد و بی بندوباری کشیده اند!!

بلای خانمان سوز چشم و هم چشمی!

حال که سخن از بلای تجمیل گرایی، چشم و هم چشمی و تفاخر به میان آمد و حالا که این بلای خانمان سوز میان بیشتر خانواده ها، حتی خانواده های مذهبی و متدین در حال گسترش می باشد، خوب است اشاره ای به آسیب های این رذیله اخلاقی که موجب سایش روح خانواده ها گردیده داشته باشیم. استفاده از مظاهر مادی و نعمت های الهی و توسعه در امکانات زندگی و آراستگی صحیح با نیت خالص و قصد خدایی در حد اعتدال و به دور از اسراف گرایی و فخرفروشی، نه تنها مذموم نیست، بلکه مورد سفارش اسلام و پیشوایان دین است.

ص: ۱۷۴

چه کسی حرام کرده است زینت هایی را که خداوند برای بندگانش آفرید و رزق و روزی پاکیزه را. (۱)

اما چنانچه استفاده از مواهب پروردگار با هدف تفاخر، زیاده طلبی، چشم و هم چشمی و اسراف گرایی باشد، نه تنها زمینه سایش روح است بلکه تأثیرات سوء و مخربی بر جامعه گذاشته و موجب اتلاف عمر و مال و فراموشی یاد خدا و روی کردن به دنیا می باشد.

واقعیت این است که بیشتر خانواده ها گرفتار این پدیده شوم گردیده و شخصیت و برتری خود را در زیاده روی، تشخص، تجمل گرایی و اسراف گرایی پنداشته و چه توهم بی جا و تمسخر آمیزی!

دختران و زنان ایرانی به منظور نمایش مطلوبیت و جلب توجه دیگران به عقده حقارت و حسادت دچار گشته و با رقابت در زیباسازی، آرایش و پوششهای مبتذل، شایستگی و آراستگی واقعی و معنوی خود را از دست داده اند. بانوان، تنها در فکر تشریفات و تجملات

ص: ۱۷۵

زندگی، تعویض مبلمان، پرده، دکوراسیون، فرش، ظرف و دیگر وسایل خانه براساس تغییر مُد و مدگرایی هستند، تا آنجا که طبقه ضعیف و متوسط با قرض و اقساط و وام های کمرشکن و ایجاد گرفتاری و ناراحتی برای همسرانشان، سعی دارند خود را در ردیف مُدگرایان قرار دهند!

این ماجرای تلخ و تأسف بار را بخوانید:

فروش کلیه برای تأمین تجملات همسر!

مرد جوان در دایره اجتماعی کلانتری... سرگذشت زندگی غم بار خود را این طور تعریف می کند:

چند سال قبل با دختر یکی از آشنایان قدیم ازدواج کردم. من با حقوق ماهانه ام از روز اول زندگیمان سعی کردم روی پای خودم بایستم و در حد توان، زندگی آبرومند و سالمی با همسر و فرزندانم داشته باشم.

اما افسوس که همسرم هیچ وقت شرایط زندگی مان را درک نکرده است و همیشه خودش را با خاله اش که هم سن و سال هستند مقایسه می کند.

او خونم را توی شیشه کرده است و دیگر از دست

ص: ۱۷۶

رفتار او خسته شده ام. چند وقت قبل، روزی که همسرم شنید، خاله اش خودرو سواری خریده است، آنقدر اذیتم کرد که به ناچار یکی از کلّیه هایم را فروختم و پول آن را در اختیارش گذاشتم تا هر کاری می خواهد با پولش انجام دهد. همسرم بلافاصله، یک دستگاه خودرو و مقداری طلا خرید و چون در جنگ چشم و هم چشمی پیروز شده بود تا چند ماه خواسته و گلایه ای نداشت.

اما حالا تهدیدم کرده است که طلاقش را می خواهد...

من از همه خانم ها خواهش می کنم: چشم و هم چشمی و تجمل گرایی نکنند. چون یک مرد وقتی نمی تواند خواسته های خانواده اش را برآورده کند، شرمنده و کوچک می شود و واقعا زندگی برایش جهنم می گردد. ضمن اینکه زندگی با صرفه جویی و قناعت و ایمان به خداوند متعال، لذت و صفای دیگری دارد و پایدار و سالم می ماند. (۱)

مجالس و مراسم عروسی نیز گرفتار این بلای خانمان سوز گردیده، هزینه و جهاز سنگین، تجملات و

ص: ۱۷۷

تشریفات بی مورد، چشم و هم چشمی و اسراف گرایی در تنوع پذیرایی براساس الگوهای غیراسلامی، غذاهای مختلف، میوه و شیرینی های گوناگون و دیگر رسم و رسومات غیرضروری، همه و همه به عنوان تجمل گرایی و تفاخر، خانواده ها و جامعه را گرفتار اضطراب، ناآرامی نموده است.

و تأسف بارتر! آلودگی مجالس عروسی به بی بندوباری و گناه و معصیت است که خانواده های مسلمان به بهانه های واهی، «یک شب هزار شب نمی شود» حریف جوانان نمی شویم و... قلب نازنین پدر مهربان امام زمان علیه السلام را به درد می آورند!

مساجد و مراسم دینی و همچنین مراسم تشییع و مجالس ترحیم نیز گرفتار ویروس چشم و هم چشمی، تجمل گرایی و پذیرایی های تشریفاتی شده و از همه مهم تر، رعایت نکردن ادب و آداب قرائت قرآن و تلاوت کلام الله مجید بر روی مبلمان است که از پدیده های تلخ و تأسف بار تجمل گرایی و تشریفاتی است که زمینه تضعیف معنویت مردم را فراهم نموده است.

و صد افسوس که این بالای خانمانسوز به

خانواده های مذهبی نیز سرایت نموده و گروهی از متدینین با برگزاری مجالس باشکوه جشن و عروسی و اسراف کاری و تجملات آنچنانی، کمبودهای خود را به نمایش گذارده، موجب سایش روح خود و جریحه دار نمودن روح و روان مردان و زنان محروم و بی بضاعت که توان تهیه وسائل ضروری اولیه زندگی خود را ندارند گردیده، موجبات نارضایتی امام زمان علیهم السلام را فراهم نموده و در فردای حسابرسی در پیشگاه خداوند قاهر قادر، گرفتار حسابرسی دقیق تفاخر، تجملات، زیاده روی و اسراف گرایی خودشان خواهند بود.

به فرمایشات هشداردهنده امیرالمؤمنین علیه السلام توجه فرمایید:

بندگان خدا! آگاه باشید، اعمال و رفتار کوچک و بزرگ شما موردسؤال پروردگار قرار خواهد گرفت. (۱)

و همچنین در نامه به ابن عباس مرقوم فرمود:

آیا از مناقشه در حساب، ترس و وحشت نداری؟! (۲)

ص: ۱۷۹

۱- _ منازل الآخرة: ۱۰۷ به نقل از نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۲- _ همان، به نقل از نهج البلاغه: نامه ۴۱.

مناقشه، بیرون کردن خار می باشد، یعنی: همانطور که در بیرون آوردن خار از بدن، دقت و باریک بینی کامل می شود، اعمال و رفتار بندگان نیز به دقت مورد حساب و بررسی قرار می گیرد. (۱)

و همچنین فرمود:

در حلال دنیا حساب، و در حرام آن عذاب است. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

از جمله دام های شیطان است: مغرور شدن به نعمت های پروردگار؛ تفاخر نمودن به بخششهای خداوند؛ با بندگان پروردگار تکبر نمودن؛ و پیروی هوای نفس کردن. (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

هیچ حماقتی بزرگتر از فخرفروشی و بزرگ منشی نمودن نیست. (۴)

ص: ۱۸۰

۱- _ منازل الآخرة: ۱۰۷.

۲- _ نهج البلاغه: خطبه ۸۲.

۳- _ نهج الفصاحه: ۵۰۳. چاپ دفتر نشر.

۴- _ غررالحکم: ۲/۲۷۱. چاپ دفتر نشر.

۶- جوانان در هفت سال چهارم زندگی و پس از آن

اشاره

در این مرحله از زندگی با جوانان دختر و پسر حدود ۱۸ سال مواجه هستیم که به فضای دانشگاه راه می یابند تا با تحصیل علم و دانش و فناوری، استعدادهای خود را شکوفا نموده و با ارائه خدمات ارزنده و سودمند، زمینه بی نیازی و سرفرازی کشور و ملتمان را فراهم نمایند.

در این دوران که حساسترین و خطرناک ترین دوران زندگی جوانان می باشد و دختران و پسران در اوج هیجان غریزه جنسی قرار دارند، به محیطی قدم می گزارند که با کمال تأسف در بیشتر فضاهای آن، ضد ارزش ها، جایگزین ارزشها گردیده است!

ص: ۱۸۱

در این دوران، جوانانی که از دوران ابتدایی تا آخر دبیرستان در فضاهای تفکیک شده آموزش دیده اند، در محیط مختلطی قرار می گیرند که به سادگی زمینه فساد و انحراف آنان فراهم می گردد!

و بهتر اینکه وضعیت محیط دانشگاه و دانشجویان عزیز را از لسان خود پسران و دختران دانشجوی باایمان و دلسوز در نشست رادیو معارف به اختصار و نقل به مضمون بخوانیم. (۱)

فضای دانشگاه از نگاه دانشجویان

در حال حاضر دانشگاه از جامعه جدا گردیده و جنبه تفریحی پیدا کرده و نوک تیز بروز آسیب پذیری شده است!

در دانشگاه، معروف کم رنگ شده و مُنکر پررنگ گردیده و این در حالی است که اگر فضا از معروف پر

ص: ۱۸۲

۱- _ ضمن احترام ویژه و پوزش مجدد از اساتید و دانشجویان مؤمن که در جهت روشنگری و ارشاد جوانان عزیز در محیط دانشگاه دلسوزانه تلاش می نمایند.

شود، منکر از بین می رود.

در دانشگاه، بستری باید ایجاد شود که فضای علمی تقویت شود و زمینه رکود علمی و نفوذ دشمن و انحراف دانشجویان از بین برود.

در دانشگاه به علّت حضور دو جنس مخالف، فضای غیرمناسب و غیراستاندارد ایجاد شده و این در حالی است که در بعضی کشورهای غربی که مسلمان هم نیستند، دانشگاهشان فضای علمی است نه فضای جنسی و برای دخترها و پسرها، محدودیت قائل شده اند، چرا که آنها معتقدند که به خاطر پیشرفت علمی جوانان، در فضای علمی نباید فضای جنسی باشد و ما که مسلمان هستیم، فضای دانشگاهمان، فضای جنسی شده است!

ازدواج های محیط دانشگاه، غیراستاندارد و غیرموفق می باشد(۱)!

ص: ۱۸۳

۱- این گزارش حدود ۴۰ روز قبل پخش گردید.

و این هم خلاصه و مضمون گفتار دانشجویان مؤمن دختر از رادیو معارف. (۱)

ما وقتی در دبستان بودیم، مراسم مذهبی شهادت و اعیاد معصومین علیهم السلام در مدرسه برگزار می شد و خاطرات مناسبتهای دینی برایمان زنده بود.

امّا در محیط دانشگاه با کمال تأسف، معنویت کم رنگ شده و جای این گوهر گرانبها در این محیط مقدس خالی است! تا آنجا که حتی تعداد محدودی از دختران دانشجو که از چادر استفاده می کنند به علت وضعیّت نامناسب دانشگاه در ناراحتی و محدودیت هستند!

مطالب بازگو شده، اشاره ای به وضعیّت محیط پرورشی دانشگاه بود که به اختصار بازگو گردید. شرح و تفصیل مطالب مثبت و منفی، نارسائی ها، عوامل ضعف، عوامل تأثیرگذار تربیت های دینی و اخلاقی، ضرورت تحوّل در نظام تعلیم و تربیت جامعه آموزشی و راه کارهای مقابله با آسیب های موجود، برای فرصتی

ص: ۱۸۴

دیگر و در جلدی مستقل انشاء الله .

امّا یادآوری این نکته مهم لازم و ضروری است که جوانان عزیز با هوشیاری و حزم و احتیاط کامل به فضاهای آموزشی موجود توجه نموده و برای ادامه تحصیل، محیط های سالم و شایسته که زمینه ترقی و کمال و هدایتشان را فراهم می نماید در نظر بگیرند تا با تحصیل علم همراه با تقوا در فضای معنوی، مملکتی سرافراز و بی نیاز داشته باشیم و مسئولیت دست یابی به این موفقیت بزرگ که بسیار سخت و دشوار می باشد، متوجه پدران نیز می باشد.

این احادیث ارزنده را بخوانید:

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

علمی که تو را اصلاح ننماید، گمراهی و انحراف است. (۱)

و همچنین فرمود:

اگر دانشجویان، علم و دانش را به گونه ای که شایسته آن است (همراه با تقوا و معنویت)

ص: ۱۸۵

فراگیرند، هر آینه خداوند و فرشتگان آنان را دوست می دارند. ولی دانشجویانی که علم را برای طلب دنیا (تشخص، دست آوردن مدرک، پست و مقام و...) فرامی گیرند، پروردگار آنها را دشمن دارد و با همان علم (بدون تقوا) خوار و ذلیل گرداند. (۱)

آری! در فضای بدون معنویتی که نوامیس و دختران ما با چادر، پوشش، نجابت، عفت و حیا بیگانه شوند، تحصیل علم نه تنها ترقی و کمال و سرافرازی نیست، بلکه گمراهی و انحراف است!

حالا در چنین وضعیتی، بهتر نیست تکلیفمان را با دوگانه ای گفتار و رفتارمان روشن کنیم؟!!

فرمایش هشدار دهنده حضرت فاطمه علیهاالسلام را بخوانید:

اگر آنچه ما اهل بیت دستور داده ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده ایم خودداری نمائی، از شیعیان و پیروان و یاران ما هستی، و گرنه خیر. (۲)

حالا ببینیم آن بزرگوار در مورد ارتباط زنان

ص: ۱۸۶

۱- _ غرالحکم: ۲/۱۸۰.

۲- _ بحار الأنوار: ۶۵/۱۵۶.

بانامحرمان چه می فرماید:

بهترین زن، زنی است که نه مردی او را ببیند و نه او مردی را مشاهده نماید.^(۱)

و همچنین فرمود:

نزدیک ترین حالت زن به خدا زمانی است که در خانه خود باشد و در غیر موارد ضروری (و در اجتماع نامحرمان ظاهر نشود).^(۲)

الگوگیری از راه و روش حضرت فاطمه علیهاالسلام

عزیز خواننده!

اهمیت پیروی و الگوگیری از راه و روش حبیبه خدا فاطمه زهرا علیهاالسلام تا آن حد است که حضرت بقیه الله امام زمان ارواحنا فداه می فرماید:

من از (مادرم) دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پیروی می کنم (الگوی رفتار من، مادرم زهرا علیهاالسلام است).^(۳)

ص: ۱۸۷

۱- _ همان: ۱۰۴/۳۶.

۲- _ همان: ۴۳/۹۲.

۳- _ بحار الأنوار: ۹۷/۱۹۹.

حالا وقتی که مصلح کل عالم، امام زمان علیه السلام در رفتار خود از مادر بزرگوارش حضرت فاطمه علیهاالسلام پیروی می نماید، تکلیف ما که ادعای محبت به آن حضرت را داریم چیست؟ و آیا تنها تشکیل مجالس جشن عزا و یادآوری فضائل و مصائب خاندان رسالت علیهم السلام برای اثبات پیروی از آن بزرگواران کافی است؟!

به فرمایش آن عزیزان توجه فرمایید:

آنها که ما را دوست دارند (و از ما پیروی می نمایند) مانند رفتار ما عمل نمایند... برترین چیزی که می شود از آن برای امور دنیا و آخرت کمک گرفت (و نماد پیروی از ماست) پرهیز از ارتکاب گناه است. (۱)

اکنون ادعای محبت و پیروی از حضرت زهرا علیهاالسلام با وضعیت بانوان جامعه کنونی ما چه تناسب و سنخیتی دارد و آیا این دوگانگی در گفتار و عمل موجب شرمندگی ما و اهانت به ساحت قدس دختر بزرگوار پیامبر عالیقدر، فاطمه علیهاالسلام نیست؟!

ص: ۱۸۸

آری! هزار افسوس! دشمنان با تهاجم بی رحمانه

خود، سنت های مذهبی و الگوهای دینی ملت اسلامی ما را نابود کرده و با فروپاشی پیوندهای عاطفی خانواده ها، روزگاری دشوار و طاقت فرسا برای کشور عزیزمان ارمغان آوردند!

کودکان و نونهالان به کودکان کستان و مهد کودک رفتند!

نوجوانان و جوانان در بیشتر مراکز تحصیل و بدنه آموزش و پرورش در جهت مخالف هدفهای دینی قرار گرفتند!

دختران به بهانه ادامه تحصیل و دریافت مدرک از خانواده جدا شده و از تشکیل زندگی در بهار ازدواج محروم شدند!

مشاغل اجتماعی را که با دشواریهای طاقت فرسا همراه است به زنان دادند و آنان را از اصالت، حیثیت، شخصیت دور کرده و به نام آزادی آنها را استثمار کردند. خوبی ها و سنت های دین، زشت و ناپسند گردید، رفتار نامشروع و گناه پسندیده شد!!

برای زنان ما ننگ و عار نیست که با داشتن فرهنگ

و سنتِ ارزشمندی همچون رفتار و شیوه زندگی دختر عزیز پیامبر، فاطمه علیهاالسلام، به سراغ الگوبرداری از رفتار نکبت بارِ زنان غرب بروند؟!!

این هنر نیست، به تقلید از دنیای غرب، زن کارِ مردانه را تقلید کند و کار ارزشمند زنانه را کسر شأن بداند و به اصطلاح خودش را «کُپی» مرد یا «مرد مصنوعی» تصور نماید!!

ارزش و افتخار یک زن این است که، جای پای بهترین زنان حضرت زهرا علیهاالسلام گذاشته، کار تربیت انسان را انجام

داده و تربیت فرزند و نقش مادری که برترین جایگاه و بالاترین افتخار زنان است به عهده داشته باشد.

دنیای غرب می خواهد زن مسلمان مادی شود، با مردان مخلوط شده، روانه کوچه و خیابان و بازارها برای اشباع شدن خواسته های مادی و هوا و هوس شده و از ارزش و کمال مادری، شوهرداری و خانه داری ساقط شود!

و این یک مسأله کاملاً غلط در تضاد با ارزش و کمال و حتی منافع خود زن و مخالف ساختار فطرت و خلقت

ص: ۱۹۰

خدایی اوست.

آری!

وقتی که تحصیل علم آمیخته با تقوا و معنویت نباشد، سنت های دینی ما رنگ سنت های غربی به خود بگیرد، جامعه ما به همان روزی می افتد که اینک گرفتار می باشد و تنها نصیب آن از این وضعیت نکبت بار، خون دل خوردن، رنج بردن و سوختن است!

حالا بدون تعارف از خودمان سؤال کنیم:

در دوران حیرت و غیبت مولایمان امام زمان ارواحنا فداه که در بوته امتحان و حراست از دین و ارزشهای اخلاقی قرار گرفته ایم، از چه کسی باید الگو بگیریم؟

از حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام که امام زمان علیه السلام با افتخار از آن بزرگوار پیروی می نماید؟ و یا از دنیای کثیف غرب که گوهر عفت و حیای زنان و غیرت و حمیت مردان را بی رحمانه به یغما برده است؟!!!

ص: ۱۹۱

اکنون که گرفتار دشواری های طاقت فرسای دوران آخرالزمان شده و فتنه ها و امتحانات بزرگ با جاذبه های فریبنده، زمینه ارتکاب گناه، انحراف و سقوط ما را فراهم نموده و در طوفانهای سهمگین تهاجم دشمنان و بدعت های جان سوز، می سوزیم و اسباب و علل عادی در اصلاح وضع نکبت بار موجود، کارایی ندارد!

تنها راه رهایی از خطرهای مهلکی که زمینه نابودیمان را فراهم نموده، پناه به نیروی معنوی، انابه و بازگشت به سوی رحمت پروردگار است. ناامید و مأیوس نباشیم و به مغفرت، آمرزش و عفو و رحمت پروردگار مهربان امیدوار بوده و شکنجه طاقت فرسا و جانکاه وجدان خود را با جبران خطا و توبه، آرام نمائیم.

خداوند مهربان با فرمان عفو عمومی، درهای رحمت و مغفرت خود را به روی همه گناهکاران گشوده است تا با استغفار و بازگشت از مسیر نادرست و تصمیم به ترک گناه و نافرمانی، مورد عفو و آمرزش کریمانه اش قرار بگیریم.

به این آیه امیدبخش توجه فرمایید:

بگو ای بندگانی که با (ارتکاب گناه) تندروی نموده

ص: ۱۹۳

و به خویشتن ستم کرده اید، از رحمت و مغفرتِ خداوند مهربان، مأیوس و ناامید نشوید، خداوند همه گناهان را می بخشد.

به درگاه پروردگارتان بازگردید و برابر خداوند تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید و سپس از سوی هیچکس یاری نشوید. (۱)

اکنون با توجه به رحمت و مغفرت عام پروردگار، با یک انقلاب روحی، قلب و جان خود را از آلودگی و گناه پاک نموده، به دریای بیکران رحمت و مغفرت الهی پروردگار مهربان پیوندیم. پس از آن به منظور آراستگی دل و روحمان به محبت پروردگار، به ساحت قدس پدر مهربان، امام زمان ارواحنا فداه متوسل شده و با پوزش از غفلت و عذر تقصیر به پیشگاه مقدسش، از فراموشی یاد آن عزیز و با دعا برای سلامتی و تعجیل فرج آن بزرگوار، جهت رهایی و نجات از وضعیت نکبت بار موجود

ص: ۱۹۴

از آن عزیز مهربان، کمک و یاری جسته و مطمئن باشیم، دعای خیر آن بزرگوار شامل حالمان خواهد شد. زیرا آن امام رئوف، نگران ابتلائات و گرفتاری های دوستان و شیعیان بوده، آنان را از یاد نخواهد برد و برای رهایی و نجات آنها از فتنه ها و انحرافات، دلسوزانه دعا می فرماید.

به این فرازاها از فرمایش امام زمان علیه السلام توجه فرمایید:

ما، در رعایت حال شما (دوستان و شیعیان) کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نخواهیم برد. (۱)

و همچنین آن امام رئوف فرمود:

و اگر چنین نبود (از شما غفلت داشتیم) بلاهای سخت بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را نابود می کردند. (۲)

اکنون با توجه به لطف و عنایت بیکران پدر مهربان، امام زمان ارواحنا فداه، با تضرع و سوز و گداز به پیشگاه

آن عزیز عرضه می داریم:

ص: ۱۹۵

۱- _ احتجاج طبرسی: ۲/۵۹۸.

۲- _ همان.

گرچه غرقیم به دریای گناهان لیکن

شرمساریم و خجالت زده از غفلت خویش

روی دل سوی تو داریم به صد عجز و نیاز

جز تو ابراز نداریم به کس حاجت خویش

جز تو ما را نبود ملجائی ای حجت حق

باد سوگند تو را بر شرف و عصمت خویش

دست ما گیر که بیچارگی از حد بگذشت

بگشا مشکل ما را به ید همت خویش... (۱)

آنگاه مطمئن باشیم پس از توسل و تصریح و اظهار ندامت و پشیمانی، مورد عنایت و دعای آن امام رؤف و مهربان قرار خواهیم گفت، ابتلائات، مشکلات و گرفتاریهایمان سامان خواهد یافت. ان شاء الله

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

مشهد مقدس _ محمد صادق ذبیحی

ربیع الثانی ۱۳۳۵ _ بهمن ۱۳۹۲

ص: ۱۹۶

چند نمونه از اثرگذاری ارزنده کتاب حجاب

خدای مهربان را شکر و سپاس که کتاب های آموزنده حجاب مورد توجه و استقبال گرم عموم قرار گرفته و جلد اول آن تاکنون حدود سیصد و پنجاه هزار نسخه چاپ و منتشر گردیده است.

اثرگذاری و تحوّل چشمگیر عملی فراوانی که در خوانندگان عزیز به وجود آمده از برکات دعای خیر مولا و امام عزیزمان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشد.

پیام ها و نامه های بسیاری از اثرگذاری این کتاب به دفتر انتشارات طوس رسیده که به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

ص: ۱۹۸

کتاب خوبی بود. بعد از خواندن این کتاب متوجه شدم که دین اسلام برای زن ارزش زیادی قائل است.

با شیوه جدید دشمن برای از بین بردن حجاب و عفت و رواج بی بندوباری آشنا شدم. حالا دیگر به چادری که بر سر دارم افتخار می کنم و با پوشیدن این چادرِ مشکی خود را متمایز از دیگران می دانم و به این یقین رسیده ام که هیچ مسئله ای دور از اسلام و قرآن نمی تواند سعادت و خوشبختی ما را چه در این دنیا و چه در آخرت تضمین کند.

از این رو از نویسنده این کتاب خوب و پرمحتوی کمال تشکر را دارم و امیدوارم قلم و ادبیات کشور ما به عنوان یک کشور اسلامی بتواند کتب بیشتری در این زمینه نوشته و سطح آگاهی مردم را بالا ببرد.

عجیبی به من دست داد و از عذاب های آخرت ترسیدم و از درگاه خداوند مَنان طلبِ آمرزش کردم.

این کتاب را به چند تن از اقوامم ارائه دادم و معتقدم که این کتاب برای جوانان و نوجوانان بسیار مفید، لازم و ضروری است.

اثراتی که این کتاب حتما می گذارد، این است که خانم های محترم در انتخاب شغل مورد علاقه و نیاز خود دقت لازم نمایند، یا اینکه با خواندن این کتاب ممکن است شغل خود را کنار بگذارند و من این اثر را در اقوام و خویشان خویش مشاهده کردم.

من به همه افراد جامعه به ویژه جوانان و نوجوانان خواندن این کتاب را پیشنهاد می کنم...

با سپاس فراوان از نویسنده و مؤلف کتاب

۳_ بانو. ش. ی. . . .

به نظر من مطالبی که در این کتاب مورد بحث قرار داده شده بسیار مفید هستند و از مسائلی صحبت کرده که واقعا در جامعه وجود دارد.

ص: ۲۰۰

این کتاب به بسیاری از سؤال های من جواب داده است، مانند:

— من همیشه فکر می کردم، چرا باید زنان حجاب داشته باشند؟

— یا با صدای نازک با نامحرم صحبت نکنند.

— یا از هیچ وسیله آرایشی (در خارج خانه) استفاده نکنند.

— و هر جایی نمی توانند بروند.

این کتاب به تمامی سؤال های من پاسخ داده است به خصوص اینکه همیشه فکر می کردم، چرا بهتر است زنان وارد کارهای اداری نشوند.

بیشترین چیزی که باعث شد من جذب این کتاب شوم، استفاده از احادیث و روایات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام

آن بزرگوار است...

به یاری پروردگار بزرگ و عنایت امام زمان علیه السلام، مطالب جلد پنجم اختصاص به پاسخ خوانندگان عزیز به نظرخواهی مطالب کتاب حجاب خواهد داشت، انشاءالله.

ص: ۲۰۱

فهرست مطالب

به جای مقدمه ۷۰۰۰

این گزارش را بخوانید ۱۲۰۰۰

بررسی نکات مثبت و منفی حوزه های تحصیل ۱۳۰۰۰

مسائل مثبت مراکز تحصیل ۱۴۰۰۰

شادی بخش و غم انگیز! ۱۵۰۰۰

هشدار به جوانان عزیز ۱۷۰۰۰

جای خالی دانشگاه هنر! ۱۸۰۰۰

آلبوم موسیقی «امام رضا علیه السلام» و گفتگوی با خدا! ۲۰۰۰۰

حرمت شکنی! ۲۱۰۰۰

چه باید کرد؟! ۲۲۰۰۰

غرور خانم تحصیل کرده! ۲۴۰۰۰

ص: ۲۰۲

خانه از پای بست ویران است! ۲۶ ...

هشدار به والدین ۲۸ ...

در این کتاب چه می خوانیم؟! ۲۹ ...

«۱» ضرورت تحصیل علم

تحصیل چه علمی بر همه مسلمانان واجب است؟ ۳۵ ...

تحصیل علم همراه با تقوا و معنویت ۳۸ ...

آثار منفی اختلاط در محیط تحصیل ۴۳ ...

آسیب پذیری شخصیتی بافضیلت در مسیر تعلیم قرآن به نامحرم ۴۵ ...

«۲» نوجوانان و جوانان در دوران اضطراب و عصیان

خانواده و تربیت فرزند ۵۲ ...

فطرت پاک کودک ۵۴ ...

تربیت صحیح کودک در هفت سال اول زندگی ۵۷ ...

هشدار به پدرها و مادرها ۶۳ ...

آزادی! یا بی رحمانه ترین ظلم! ۶۵ ...

ص: ۲۰۳

«۳» جابجایی مهد و کودکان با آغوش پرمهر و محبت مادر و کانون گرم خانواده!

اشتباه بزرگ زنان شاغل ... ۶۷

وضعیت اسف بار مهد کودک و کودکان ... ۶۸

هیچ احساسی جایگزین عواطف و احساسات مادر نمی گردد! ... ۷۰

مقایسه آغوش گرم خانواده با زندگی فرزندان در مهد و کودکان ... ۷۱

مهد و کودکان از نگاه جراید ... ۷۳

پرخاشگری و لجبازی کودکان مهد ... ۷۳

کودک و دلهره جدایی از مادر ... ۷۴

وحشتناک ترین و سخت ترین روز زندگی ... ۷۵

مادر! می شه نری سرِ کار؟! ... ۷۷

مادر بی عاطفه! ... ۷۸

مهد و کودکان تهاجمی و دردسر آفرین ... ۷۹

آموزش رقص و آواز در مهد کودک! ... ۸۰

کار و اشتغال مادر به چه قیمتی؟! ... ۸۲

کودک پرورش یافته با رقص، در بزرگی سر از پارتی های مختلط درمی آورد! ... ۸۴

ص: ۲۰۴

«۴» کودکان و هفت سال دوم زندگی

وظیفه سنگین خانه و مدرسه ۸۸۰۰۰

بلوغ زودرس کودکان و نوجوانان ۹۰۰۰۰

معیارهای مدرسه و مراکز تحصیل مطلوب ۹۲۰۰۰

تهاجم بی رحمانه دشمن به نوجوانان ۹۶۰۰۰

توزیع آرم شیطان پرستی در کلاس اول دبستان! ۱۰۰۰۰۰

خبرهایی که لرزه بر اندام می اندازد! ۱۰۱۰۰۰

توزیع تصاویر مستهجن به وسیله دانش آموز دبستانی ۱۰۳۰۰۰

دخترکانِ معصوم، قربانی راه مدرسه! ۱۰۵۰۰۰

کودکان دبستان در امان نیستند! ۱۰۶۰۰۰

«۵» نوجوانان و هفت سال سوم زندگی

دانش آموزان راهنمایی و اعتیاد ۱۱۳۰۰۰

فساد و انحراف نوجوانان در مدارس راهنمایی ۱۱۴۰۰۰

دختر، کو ندارد حجابِ مادر! ۱۱۷۰۰۰

پس از ورود به دبیرستان، حجاب دخترم خیلی کم شد ۱۲۰۰۰۰

طاعون اخلاقی در حریم امام هشتم علیه السلام ۱۲۱۰۰۰

ص: ۲۰۵

جریحه دار شدن قلب نازنین امام هشتم علیه السلام ... ۱۲۶

بازگشت به مطلب ... ۱۲۹

تربیت دینی و اخلاقی دانش آموزان نظام آموزش و پرورش ... ۱۲۹

روابط نامشروع دختران و پسران در دوران تحصیل ... ۱۳۱

آسیب های مسیر مدرسه! پدر و مادرها در خوابند! ... ۱۳۱

آزادی به سبک غرب، بردگی جنسی ... ۱۳۴

خبرهای تلخ خانه تا مدرسه! ... ۱۳۷

تاوان تلخ دوستی های دوران تحصیل ... ۱۴۰

تأکید اسلام بر ازدواج ... ۱۴۵

فاجعه ازدواج های احساسی جوانان ... ۱۴۷

سرانجام ازدواج احساسی دوران تحصیل! ... ۱۵۰

زندگی گذشته و امروز ... ۱۵۳

زندگی دیروز و امروز ... ۱۵۵

اما زن امروز ... ۱۵۷

ازدواج نکبت بار مجازی ... ۱۵۸

بیماری روانی، نتیجه اختلاط دختر و پسر در محیط تحصیل ... ۱۶۱

تحصیل یا ازدواج ... ۱۶۳

موقع ازدواج ... ۱۶۵

چاره چیست؟ ... ۱۶۷

ازدواج های همزمان با تحصیل ... ۱۶۷

موانع تأخیر ازدواج ... ۱۶۹

بلای خانمان سوزِ چشم و هم چشمی! ... ۱۷۴

فروش کلّیه برای تأمین تجملات همسر! ... ۱۷۶

«۶» جوانان در هفت سال چهارم زندگی و پس از آن

فضای دانشگاه از نگاه دانشجویان ... ۱۸۲

الگوگیری از راه و روش حضرت فاطمه علیهاالسلام ... ۱۸۷

بازگشت و استغفار ... ۱۹۲

چند نمونه از اثرگذاری ارزنده کتاب حجاب ... ۱۹۷

سایر آثار نویسنده ... ۲۰۷

ص: ۲۰۷

سایر آثار نویسنده:

۱ _ جلد اوّل این کتاب:

نگاهی به آثارِ مثبتِ حجاب، مجازاتِ ترویجِ بدحجابی، شرح وظایفِ آقایان و بانوان از دیدگاه قرآن و سنّت.

۲ _ جلد دوم این کتاب:

حجاب بی حجابی، آسیب ها و آفت های شیخون فرهنگی دشمن و غفلت و بی تفاوتی جامعه اسلامی!

۳ _ جلد سوم این کتاب:

سیر تاریخی حجاب در ایران و جهان، تهاجم دشمن، تأثیر تیغ دولبه فناوری ماهواره، تلفن همراه، اینترنت، تلویزیون و... بر زندگی نوجوانان، جوانان و جامعه اسلامی و راه کارِ مبارزه با تکنولوژی بدون فرهنگ.

ص: ۲۰۸

منتشر می شود:

۴ _ جلد پنجم این کتاب:

نامه های پرشورِ دختران باایمانی که تحوّل فکری و عملی خود را به نمایش گذاشته و ادب، اعتقاد و احساس خود را در قالب جملاتی زیبا به تصویر کشیده اند.

ص: ۲۰۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

